

اصول تربیت صحیح نوجوان ازدید گاه اسلام

(از 12 سالگی تا 20 سالگی)



محمد تقی صرفی پور



مقدمه

الحمد لله رب العالمين و الصلوه و السلام على سيد الانبياء و المرسلين محمد (ص) و اهل بيته الطاهرين

حساس ترين دوره انسان، دوره نوجوانی است. که هم دوران طلایی و به تکلیف رسیدن و مخاطب خطابات قرانی بویژه یا ایهالذین امنوا می شود و هم نوجوانی دوران خطر است و باید والدین طوری عمل کنند تا نوجوان از این فرصت خوب استفاده کند و از خطرات سر را به سلامت عبور کند. زیرا غریزه جنسی او و سایر غرایز او فعال و بیدار شده و اگر درست کنترل نشوند نوجوان را منحرف می نمایند.

همچنین دوستان و رفقای فرزندان نوجوان ما در شکل گیری شخصیت او خیلی اثر گذار هستند و در حقیقت در سعادت یا شقاوت او می توانند نقش افرینی کنند.

ما در دورانی زندگی می کنیم که همه جای دنیا را تباهی و سیاهی و فساد فرا گرفته است و خانواده ها در کشورهای غربی و شرقی سخت ترین دوران خود را از جهت انحراف اکثر فرزندان خود می گذرانند. جونز لانز، از اساتید دانشگاه بوستون آمریکا:

«یک نوجوان شانزده ساله آمریکایی در دوران کودکی و نوجوانی اش تا سن (16 سالگی) شاهد هجده هزار مورد قتل و هشت هزار مورد تجاوزجنسی از تلویزیون می باشد.»

جوئیس برایس، نویسنده و روزنامه نگار:

«با کاهش تعداد خانواده هایی که از پدر و مادر برخوردارند جامعه ایالات متحده روندی رو به زوال را آغاز نموده است.»

واشنگتن تایمز:

«در آمریکا فرزندان طلاق و تک والدینی و بی سرپرست در محیط خانه خود هیچ گونه آموزش اخلاقی نمی بینند. استثنا هم وجود دارد و بعضی مادران کار خود را به نحو احسن انجام می دهند. اما بسیاری از آنها درگیر استفاده از مواد مخدر هستند و از نظر موقعیت مالی تنها نیم قدم بابتی خانمانی فاصله دارند. بنابراین همه چیز به هم ریخته است، بچه ها خشونت و اثرات منفی را مدل خود قرار می دهند.»

«دکتر آنتوانت ساندرز درباره وضع کودکان آمریکا می نویسد:

در آمریکا در سال 1990 بیش از یک چهارم کودکان زیر هجده سال فقط با یکی از والدین خود و یا بدون هیچ یک بسر می بردند.»

«بر اساس آمار معتبر:

در آمریکا سالانه بیش از یک میلیون نوجوان از خانواده های خود فرار می کنند که نیمی از آنها دختران نوجوانی هستند که به علت سن پایین نمی توانند شغلی داشته باشند لذا به دزدی و مبادله مواد مخدر و فحشاروی می آورند.»

«کشیش یرس ریتز می گوید:

در آمریکا بالغ بر پانصد هزار نوجوان زیر هفده سال اختصاصاً به کار فحشا اشتغال دارند.»

این یک نمایی از وضعیت خانواده در آمریکا می باشد. و علاوه بر از دست رفتن سعادت نوجوانان و جوانان در این کشورها، استکبار جهانی بدنبال بی هویت کردن نوجوانان و جوانان مسلمان است تا بتواند منافع خود را پیش ببرد لذا به کشورهای مختلف بویژه کشور ما هجوم آورده است! در این مورد دشمن بجای هجوم از مرزهای جغرافیایی و جنگ سخت، سراغ مرزهای فرهنگی رفته و از طریق

اینترنت و فضای مجازی و جنگ نرم وارد شده است لذا تربیت خیلی سخت شده است حتی خانواده های مذهبی و مومن هم در تربیت فرزندانشان دچار مشکل شده اند و نیاز به کمک و راهنمایی دارند.

اسلام که دین جامع و کاملی است توصیه های خیلی مهمی دارد که اگر به آنها عمل شود انشاء الله خانواده می توانند شاهد موفقیت در تربیت نوجوانان خود باشند.

در این کتاب درمورد وظایف والدین و معلمان و دوستان در هدایت نوجوان بسوی سعادت، مطالبی را عرضه می داریم امید مورد استفاده خوانندگان محترم قرار گیرد.

زمستان 1400. کرمانشاه

اصل اول: جدی بودن والدین در تربیت دینی نوجوان خود

اکثر والدین دوست دارند فرزندان آنها درست تربیت شوند و بعدا باعث افتخار آنها بشوند. و حاضرند در این راه هر کاری انجام بدهند. ولی عده ای والدین هستند که اینها نه تنها اهمیتی به درست تربیت شدن فرزند خود نمی دهند بلکه چون با دین مخالفند جلو تربیت دینی فرزندان خود را می گیرند. دختر خانمی می گفت مادرم نمی گذارد چادر بپوشم و می گوید مگر پیرزن هستی که می خواهی چادر سر کنی!

نوجوانی به حضرت امام نوشته بود که پدرم مانع نماز خواندن من میشود و می گوید راضی نیستم در خانه من نماز بخوانی!

پدرانی هستند که فرزندان خود را در کارهای خلاف خود شریک می کنند مثلا با هم دزدی می روند! یا باهم مواد مخدر می فروشند!

مادرانی هستند که با دختران خود کارهای زشت مانند خودفروشی انجام می دهند و...

بنابراین باید والدین خود بخواهند و نگران تربیت فرزندان خود باشند.

:رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در این باره می فرماید

رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَى بِرِّهِ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ وَ التَّأَلُّفِ لَهُ وَ تَعْلِيمِهِ وَ تَادِيْبِهِ؛^(۱)

خداوند رحمت کند بنده ای که فرزندش را بر نیکی و سعادتش یاری کند، به این که به او احسان

نماید و با او رفتار دوستانه داشته باشد و به آموزش پرورش او پردازد

یعنی مهم ترین وظیفه والدین، تربیت دینی نوجوان خود می باشد که اودر مسیر خوبان قرار گیرد و جزو ابرار شود که ان الابرار لفی نعیم..نوجوانی که رفتار خوبی داشته باشد. اخلاقش اسلامی باشد. از بندگی خدا فرار نکند و نماز خوان باشد. خدا دوست باشد. اهل مسجد باشد. دختری که حجاب داشته باشد. در اولین فرصت ازدواج کند. و...این علامت موفقیت در تربیت می باشد.

:امام علی علیه السلام

إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدَثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَهْمَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ قَبْلَتْهُ

دل نوجوان به زمین آماده و پاکی می ماند که هر بذری را در آن بپاشند، همان را قبول خواهد کرد.

این روایت به ما می فهماند که ما می توانیم در این دوران طلایی خمیر مایه او را خمیر افراد صالح و شایسته قرار دهیم. و همه خوبیها را در او پرورش دهیم و البته باید کمال مواظبت بکنیم تا نوجوان ما در این دوران هشت ساله از دوازده سالگی تا بیست سالگی از آسیب ها درامان بماند.

میرزا حسین نوری، مستدرک الوسایل، ج ۲، ص ۶۳۶^۱

!

دوشخصیتی بودن والدین در تربیت نوجوان تاثیر منفی می گذارد!

بعضی از پدرمادرها دو شخصیت دارند! یعنی دو رو هستند! دو چهره دارند! مثلاً در حضور فردی مرتب از او تعریف می کنند و تملق او را می گویند ولی وقتی آن شخص نیست پشت سرش بد او را می گویند!

در حضور دیگران دم از خدا و پیامبر می زنند ولی در تنهایی اهل نماز و دین نیستند!

آورده اند زاهدی ریاکار با پسرش مهمان پادشاهی شد در وقت غذا خوردن زاهد کم غذا خورد وقتی که با فرزندش به منزل آمد به همسرش گفت برای ما غذا بیاور فرزندش گفت چرا نزد پادشاه کم خوردی که هنوز گرسنه ای؟ گفت آنجا کم خوردم که به کار آید! فرزندش گفت پس عبادت‌هایت را قضا کن که به کار نیاید!

این دو چهره بودن باعث میشود که فرزند هم در آینده همین روش بد را پیش بگیرد!

خانم در پایگاه بسیج و در مسجد حجاب خوبی دارد ولی تو پاساژ و پارک و خیابان، ارایش کرده و بدحجاب ظاهر میشود!

یا پدر در خانه است شخصی دم در می آید و سراغ پدر را می گیرند به فرزندش می گوید بگو خانه نیست!

نوجوان می گوید عجب! پس پدرم به راحتی دروغ می گوید! من هم باید همین کار را بکنم تا پیشرفت کنم!

عده ای از مردم برای رسیدن به مادیات در پیش روحانیت و مسئولین قیافه حزب اللهی بخود می گیرند ولی در بین خودی ها و فامیل ها، دین را مسخره می کنند.

اینها الگوی خوبی برای فرزندان نیستند.

جوانی می گفت من بی نمازم ولی وقتی قرار بود استخدام شوم مدتی شروع به نماز خواندن کردم تا بتوانم پذیرش شوم!

در این مورد علاوه بر مسولیت والدین، معلمین و اساتید و رسانه ها و محیط همگی تاثیر گزارند
ما بهترین دین را داریم و باید زیبایی های دین و خوبی های دین و فواید دین را آن را به فرزندان ارائه بدهیم.

□! . حکایتی کوتاه و آموزنده

●: خانمی از عالمی پرسید

خواب بچه هایم بسیار سنگین است، بخاطر همین نمی توانم برای نماز صبح بیدارشان کنم، حالا باید چکار کنم؟

شیخ گفت: اگر اتاق خواب شان آتش بگیرد و جانشان در خطر باشد چکار می کنی؟ □ ✓

!! خانم گفت: آنها را بیدار خواهم کرد ●

!! شیخ گفت: ولی خوابشان سنگین است چگونه بیدارشان می کنی؟ □ ✓

خانم گفت: به خدا قسم هرطور که شده بیدارشان می‌کنم حتی اگر شده آنها را کشان‌کشان از ●
...اتاق خارج خواهم کرد

شیخ گفت □ ✓

همینطور که برای نجاتشان از آتش دنیا این کار را می‌کنی پس بخاطر نجاتشان از آتش جهنم نیز "
چنین کن

علل گریه نوجوان چیست؟

راهنمایی مناسب برای والدین

ما در این مقاله تعدادی از شایع ترین علایم افسردگی نوجوانان را برخواهیم شمرد. اگر چه این علایم به صورت مستقیم با علایم افسردگی اساسی در ارتباط نیستند اما بسیار شبیه این علایم هستند. اگر به افسردگی تعدادی از ویژگی های زیر در یک نوجوان مشاهده شود، این احتمال وجود دارد که اساسی مبتلا باشد.

• احساس اندوه، گریه کردن و بغض مداوم

نوجوانان ممکن است اندوه شدید خود را بوسیله ی کارهای مانند پوشیدن لباس های سیاه، نوشتن اشعار غمناک، یا شیفتگی به موسیقی هایی با مضمون های پوچی گرای، ابراز کنند. ممکن است بدون هیچ دلیل مشخصی گریه کنند.

• ناامیدی و درماندگی

نوجوان ممکن است احساس کند زندگی ارزش زندگی کردن را ندارد یا حتی ارزش تلاش برای حفظ ظاهر مناسب و نظافت فردی را ندارد. آنها ممکن است باور داشته باشند که یک وضعیت منفی هرگز تغییر نخواهد کرد و به آینده ی خود بدبین شوند.

• کاهش علاقه به فعالیت ها، یا ناتوانی در لذت بردن از فعالیت هایی که قبلا از انجام آنها لذت می بردند

نوجوان ممکن است نسبت به مسائل بی تفاوت شده و از کلوب ها، ورزش، و دیگر فعالیت هایی که زمانی از انجام آنها لذت می برده است فاصله بگیرد. هیچ کدام از آنها دیگر برای نوجوان افسرده جذابیتی ندارند.

• خستگی مداوم و بی انرژی بودن

نداشتن انگیزه و انرژی در غیبت در کلاس ها و نرفتن به مدرسه نمود پیدا می کند. در اینجا می توان کاهش معدل نمرات مدرسه را ناشی از کاهش تمرکز و توان ذهنی دانست.

• انزوای اجتماعی، ضعف در برقراری ارتباط

ارتباط او با خانواده و دوستان کمرنگ می شود. نوجوان ممکن است از حضور در دورهمی های خانوادگی و مراسم ها اجتناب کند. نوجوانی که پیش از این زمان زیادی را با دوستان خود می گذراند، اکنون ممکن است بیشتر زمان خود را در تنهایی و بدون انجام فعالیت خاصی بگذراند. نوجوان ممکن است دیگر نخواهد احساسات خود را با دیگران در میان بگذارد، و باور داشته باشد که در این دنیا تنها است و هیچ کسی وجود ندارد که به حرف های او گوش دهد و یا حتی به او اهمیت دهد.

• اعتماد به نفس پایین و احساس گناه

نوجوان ممکن است برای رویدادهای منفی به دنبال مقصر بگردد. آنها ممکن است احساس شکست کنند و در مورد توانایی ها و ارزشمندی خود دیدگاهی منفی پیدا کنند. ممکن است احساس کنند که به اندازه ی کافی کارآمد و توانمند نیستند

• حساسیت بسیار بالا در قبال احساس طردشدن یا شکست

با اعتقاد به این که فردی بی ارزش هستند، نوجوانان افسرده با مواجه شدن با هرگونه طرد شدگی و یا احساس عدم موفقیت حتی به میزان بیشتری افسرده می شوند

• ضعف در برقراری ارتباط با دیگران

نوجوان ممکن است ناگهان انگیزه ی خود را برای حفظ روابط دوستانه خود از دست داده و از دیدن دوستان و صحبت کردن با آنها دست بکشد

تربیت اختیاری یا اجباری؟

اینجا سوالی مطرح می شود که در هنگام تربیت نوجوان اگر زیر بار نرفت تکلیف چیست؟ اگر چه تعدادی از نوجوانان از احکام تربیتی مانند نماز و قران و درس خواندن و غیره استقبال می کنند ولی عده زیادی هم حاضر نیستند نماز بخوانند یا کلاس قران بروند و...

نظر اسلام این است که این احکام باید حتما اجرا شود و فرزند حتما باید نماز بخواند. اگر با اختیار خود خواند که عالی است ولی اگر نخواست اینجا دیگر نوبت اجبار است.

در تکالیف دینی اجبار مشاهده می شود حتی برای جوانان و بزرگسالان. مثلا خداوند نمازهای یومیه را واجب کرده و اگر کسی نخواند مجازات دنیوی و اخروی دارد

اگر خدا نماز را واجب نمی کرد شاید نود درصد نماز نمی خواندند و فقط اولیاء خدا و علمای ربانی نماز می خواندند.

اگر خدا روزه را واجب نمی کرد شاید نود درصد مردم روزه نمی گرفتند! سایر تکالیف هم به همین صورت می باشد!

علتش آنست که در انسان، نفس اماره وجود دارد و نفس میل به تنبلی و راحتی و لذات دارد. و از نماز و روزه و همچو تکالیفی خوشش نمی آید مانند فرزند بیماری که از داروی تلخی که پزشک حکیم برای درمانش تجویز کرده خوشش نمی آید. ولی وقتی بهزور به او داده شد، مریضیش درمان می شود.

ما در زندگی تعدادی از دانشمندان داریم که در نوجوانی میل و رغبتی به تحصیل دانش و علم نداشتند و با اجبار به تحصیل مشغول شدند. علمایی داریم که در نوجوانی از طلبه بودن خوششان نمی آمده است ولی وقتی به دلایلی مجبور شدند علم بیاموزند بعدا دیگر علاقه مند شدند و حتی به مرحله عشق ورزیدن به علم و دانش رسیدند.

نوجوان بخاطر جهل، نمی داند که نماز چقدر برای او سودمند است یا آموزش قرآن چقدر برای او مفید است و رفتن به مسجد و هیات چقدر برایش سودمند است لذا والدین باید او را به این کارها وادار کنند تا زمانی که خود متوجه منافع اینها شود. برای همین است که پیامبر مهربانی توصیه کرده هرطور شده فرزندان را به نماز وادار کنید حتی نیاز به سخت گیری بود سخت گیری کنید.

دلایل الزام تربیت

ایه 55 مریم

وَ كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ

حضرت اسماعیل، خانواده اش را به نماز و زکات فرمان می داد.

ایه 17 لقمان

يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَالِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ

لقمان به پسرش گفت: پسرکم! نماز بخوان و امر بمعروف و نهی از منکر نما و بر مصیبت ها صبور باشکهاین نشانه ثبوت در تصمیم گیری است.

ایه 132 طه

وَ أْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَ اصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَ الْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى

خانواده ات را به نماز فرمان بده و هر روز این دستور را ادامه بده ما از تو پول نمی خواهیم! ما به تو روزی می دهیم و عاقبت با متقین است.

ایه 6 تحریم

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا وَ قُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ

ای مومنین خودتان و خانواده تان را از آتش جهنم دور نگه دارید...

در آیات مذکور بیان شده که باید به خانواده امر کنی و دستور بدهی نماز و... اقامه کنند که این نشان می دهد باید هر طور شده خانواده نماز و... را انجام دهند.

در زندگی عده ای از بزرگان آمده که در کودکی تمایلی به درس خواندن یا نماز خواندن و امثال ان نداشتند ولی وقتی بوسیله والدین و معلمان مجبور شدند اینهارا انجام دهند اگرچه در ابتدا زوری بوده است! ولی بعد خودشان متوجه خوب بودن اینها شده و علاقه مند شدند.

از جمله در زندگی علامه سید نعمت الله جزایری است که در پنج سالگی که بودند ابداء، علاقه ای به درس نداشته اند ولی پدرشان ایشان را مجبور می کند به مکتب برود و درس بخواند. ایشان با اجبار و بدون هیچ علاقه ای تحصیل می کنند ولی بعدا ایشان دچار تحول شدند و شیفته تحصیل گردیدند.

در زندگی عالم دیگری آمده که وقتی نوجوان بودند علاقه به خواندن نماز نداشتند ولی پدرشان ایشان را مجبور به خواندن نماز می کردند و ایشان هم نماز زوری می خواندند و گاهی خود را به نماز خواندن می زدند ولی نماز نمی خواندند! تا اینکه بزرگتر شدند عاشق نماز گردیدند!

اینها نشان می دهد چون نوجوانان عقلشان رشد نکرده و از منافع نماز اطلاعی ندارند لذا به نماز رغبت ندارند و باید با تشویق و انذار انها را به نماز واداشت بعد که بزرگتر شوند نمازخوان می شوند و گاه دیگران را به نماز دعوت می کنند.

اهمیت نماز نوجوانان

نوجوانانی هستند که ادمای خوبی هستند و آزارشان به کسی نمی رسد و همه از انها تعریف می کنند ولی متأسفانه یه عیب بزرگ دارند! و ان این است که نماز نمی خوانند! و حاضر نیستند نماز بخوانند! و این باعث شکست انها در زندگی می شود! چون ادم بی نماز از لطف خدا محروم می شود و شیطان قدم به قدم به او نزدیک می گردد تا اینکه او را از خدا دور کرده و همانند خود که اخراج شده از درگاه الهی است، بدبخت می نماید

بعضی از این نوجوانان می گویند قبلا می خواندیم! ولی الان نمی خوانیم! این به بی وفایی بر می گردد که آدمی به مدت بندگی خدا را بکند ولی بعد بندگی خدا را به بهانه های مختلف مانند اینکه هرچی دعا کردیم مستجاب نشد! خدا مارو فراموش کرده! بی نمازها خوشبخت ترند و...رها کند

یکی از دلایل بی نماز عده زیادی از نوجوانان به تربیت والدین بر می گردد.

والدین باید از نوجوانی که فرزند مانند خمیر در دست آنان است هر طور شده او را نماز خوان بار بیاورند والا اگر او را ازاد بگذارند بعدا دیگر دیر است!

خانمی گفتند پسر بیست سالش است و نماز نمی خواند من چه راهی را انجام بدهم تا ایشان نماز خوان بشوند؟

گفتم پدرش نماز می خواند؟ گفت نه!

گفتم خانم! اولاً باید از نوجوانی روی نماز ایشان کار می کردید الان دیگر دیر است مگر معجزه شود! دوم اینکه چون پدرش بی نماز است در ایشان اثر منفی داشته است در حالی که اگر پدرش نمازخوان بوده احتمال زیاد فرزند هم نماز خوان می شد.

اصل دوم: در تربیت نوجوان بین پدر و مادر هماهنگی باشد.

وقتی پدر و مادر دو سبک متفاوتی تربیتی دارند، بچه ها گیج و سردرگم می شوند و وجودشان سرشار از تناقضات و تعارضات حل نشده باقی می ماند چرا که هماهنگی در تربیت آنها وجود نداشته است

هماهنگی والدین در تربیت نوجوان، بزرگترین عامل آرامش کودکان است! وقتی نوجوان متوجه می شود در خانه یکدستی وجود ندارد و بچه ها با اصول تربیتی چند نفر بزرگ می شوند، به این نتیجه می رسد که درست و غلطی وجود ندارد و مجاز به انجام هر کاری هست

مثلا مادر می گوید «نمیتونی بستنی بخوری» پدر می گوید «بعد از غذا میتونی بستنی بخوری» و ... مادر بزرگ می گوید «نه عزیزم بیا الان بخور» و

اگر هر دو والد باهم و هماهنگ اشتباه رفتار کنند بهتر از این است که یکی اشتباه و دیگری درست رفتار کند! در این صورت تعارض است که والدین هم با هم سر بچه ها درگیر می شوند و نمونه اش! را شاید خیلی دور و برمان شنیده باشیم که داستان تعارضات والدین تازه از اینجا شروع می شود

مادران بخاطر محبت به فرزند، مقابل پدر فرزند خود نایستند و در مورد انحرافات فرزندانشان خود مسامحه نکنند!

اگر چه اکثر مادران به فرزندانشان محبت دارند و کم هستند مادرانی که بخاطر لذات نامشروع، فرزندانشان را مورد آزار و اذیت قرار می دهند ولی باید این محبت متعادل باشد و اگر از حد خود خارج شد، عواقب سوئی ایجاد می نماید. محبتها و تنبیهها و تشویقها باید عادلانه باشد و از حد خود تجاوز ننماید و الا آثار خطرناکی بر روحیات فرزند وارد می کند.

ما بارها از افراد مختلف شنیده ایم که هر وقت خواستیم فرزندمان را در مسیر درست قرار دهیم و او را تذکر بدهیم و هشدار بدهیم و برخورد کنیم، مادرش جلو دوید و مانع شد تا اینکه حالا فرزندمان بزرگ شده و در مسیر نادرست است و گوش به حرف احدی نمی دهد!

به نامه یک فرزند بزهکار که از بازداشتگاه برای مادرش ارسال نموده توجه کنید:

«این نامه ای است که یک پسر بزهکار از زندان برای مادرش نوشته است:

مادر! امروز هنگامی که با دو نفر از دوستانم در یکی از خانه های نارمک تهران سرگرم دزدی اثاث خانه ای بودیم، توسط پلیس دستگیر شدیم و چون برای بار دوم می خواهند مرا به جرم دزدی به زندان ببرند، می خواهم امشب از این گوشه بازداشتگاه با تو درد دل کنم و بگویم:

تو گناهکاری! تو باعث تمام بدبختی‌های من هستی! تو خیلی مرا دوست داشتی و همین محبت کور کورانه مرا به روز سیاه نشاند. آن روز که پدرم به این خاطر که دست در جیبش کرده بودم، می‌خواست مرا تنبیه کند ولی تو جلو دوییدی و نگذاشتی که او مرا تنبیه کند و گفتی: این پسر کوچولوی من است! و هر دفعه این صحنه تکرار شد!

مادر! من شبها دیر به خانه می‌آمدم، اما تو چیزی از من نمی‌پرسیدی، حتی این موضوع را از پدرم پنهان می‌کردی! تو مرا از معاشرت با جوانان هرزه منع نکردی و حتی وقتی فهمیدی که من دزدی می‌کنم، مانع من نشدی و فقط گفتی: کاری نکن که پدرت بفهمد!

مادر! من تو را می‌بخشم، اما آنچه در حق من کردی، در باره برادر کوچکم نکن!»

مادرانی هستند که بجای اینکه بهشت زیر پایشان باشد، جهنم زیر پایشان می‌باشد!!! آنهایی که با فرزندان خود با بدی رفتار می‌کنند و فرزندان خود را ازار و اذیت می‌نمایند. به یک نمونه توجه نمایید:

سلام دختری هستم ۲۳ ساله و مجرد!

پدرم خیلی مرد خویبه، اصلاً بد دهن نیست و پول تو جیبی هم میداد! هیچوقت دعوا هم نمیکند

اما متأسفانه مادرم فو ووق العاده عصبی، بد دهنه و وقتی پدرم می‌خواست به منو خواهرم پول بده مانعش میشه!

بچه بودم خیلییی منو میزد، مدام دستو پامو میبست و با دستوپای پسته منو می‌داشت تو خیابونو میرفت در حالیکه پنج سالم بود،

و مدام میزد مارو! مدام بدهنی میکنه

و منو خواهرمو و حتی پدرمو اذیت میکنه!

حتی وقتی ۱۷ سالم بود بدون هیچ دلیلی او مد مدرسه و منو مفصل وسط صف زد!

از شدت استرس پوستم حساسیت داده و تمام بدنم زخمه!

و بدنم لمس میشه!

پیش خانواده اش از من دروغ گفته، منو پیش همه بی آبرو کرده، و همه رو علیه من دراورده!

اخرم با مظلوم نمایی خودشو بی گناه جلوه میداد

در حالی که جزو نفرات برتر ایران در شغل خودم شدم، با درآمد فوق العاده عالی که پیش روم بود، مانع ام شد،

و با زنگ زدن به تمام همکارانم، با بدهنی و دروغ هاش، منو بی آبرو کرد، و از شغل خودم افتادم،

چه کنم؟ خسته شدم. میتونم از شکایت کنم؟ چطوری باید اثبات کنم؟

هر چقدر که عاشق پدرمم، از مادرم متنفرم! به تنفر شدید قلبی

شاید اگه نامادری داشتم بیشتر برام مادری میکرد

فرزند وارث والدین خود!

زیاد شنیدیم که میگویند: مَثِ پدرت می مانی! عینِ پدرت هستی! فلانی اخلاقشو از باباش به ارث برده! یا میگند مادرشم اینجور بود!...

و این واقعیتی است که خیلی از اعمال و رفتار فرزندان، میراث پدر و مادر خود می باشد! اگر آنها خوب عمل کردند فرزندان هم معمولاً خوب خواهند شد و اگر بد عمل کرده باشند فرزندان آنان هم بد خواهند شد!

نوجوانان آینه وار رفتارهای والدین و بزرگترها را تقلید می کنند. چشمان کوچکی هستند که شب و روز شما را نگاه می کنند. گوش های کوچکی هستند که هرچه می گوئید، زود می شنوند. دستان کوچکی هستند که مشتاقند هر آنچه انجام می دهید، انجام دهند و نوجوان در رویای روزی است که مثل شما شود.

شما الگوی دوست کوچک ما هستید و از همه ی دانایان، دانا ترید. در ذهن کوچکش، اصلاً به شما مظنون نیست، هر آنچه را بگوئید و انجام دهید، باور می کند، او مثل شما حرف می زند و کار می کند و وقتی بزرگ شد، درست مثل شما خواهد بود. نوجوان، ساده لوحی ست که فکر می کند همیشه حق با شماست. با چشمانی همیشه باز، شبانه روز نظاره گر شماست و شما هرروز با کارهای خود برای او سرمشقی به جا می گذارید، برای پسر کوچکی که منتظر است در آینده همانند شما شود.

مواظب رفتارشان باشید. استعداد تقلید در نوجوانان خیلی زیاد است. آن ها همانند مهارت های شناختی استعداد تقلید کردنشان نیز پیشرفت می کند. نوجوانان در این سن درست مانند رایانه هر چیزی را که یاد بگیرند بر زبان می آورند و یا انجام می دهند.

حافظه بیشتر نوجوانان خالص و پاک است. آن‌ها از سال‌ها پیش حتی در قبل نوجوانی مثلاً در در سن ۱۴ ماهگی قادر هستند که کلمات و اعمالی را که هفته‌ها و یا ماه‌ها پیش دیده و شنیده‌اند را انجام دهند. هنگامی که فرزندان در سن تقلید کردن و کپی برداری از رفتار شما است

سعی کنید بهترین الگوی رفتاری برای او باشید. یک روز در ماشین متوجه شدم که فراموش کردم چیزی را بیاورم و زیر لب غرغر کردم. درست یک لحظه بعد صدایی از عقب ماشین شنیدم که دقیقاً کلمات مرا بر زبان آورد... با همان لحن صوتی که من گفته بودم. وقتی نوجوانان شروع به حرف زدن می‌کنند. در حقیقت آن صداها، کلمات و واژه‌هایی را که قبلاً چندین بار شنیده‌اند، می‌گویند.

اگر می‌خواهید فرزندان مودب باشد و همیشه بگوید لطفاً و «متشکرم». باید مواظب رفتارتان باشید و از این کلمات به طور مستمر در مکالمات روزمره خود استفاده کنید. مطمئن باشید فرزندان شاهد کلیه اعمال شما در موقع مهربانی، عصبانیت و ناراحتی می‌باشد و وقتی که او رفتار خوبی از خود نشان داد. حتماً از او تعریف کنید و او را به تکرار آن تشویق کنید

اصل سوم: والدین، فرزندان خود را نصیحت کنند

موعظه و نصیحت دلسوزانه والدین حتماً تاثیر مثبت دارد.

پیشوایان دین همواره فرزندان خود را نصیحت و امر به معروف و نهی از منکر می‌کردند و اصرار داشتند در هر فرصتی با ارائه‌ی حکمت‌ها و مطالب سازنده و عمیق اذهان صاف آنها را بارور نمایند؛ چنانکه قرآن کریم نصایح لقمان حکیم به فرزندش را با خطاب زیبای «یا بُنّی» گزارش می‌کند. امام

علی (علیه السلام) هم در نامه ای اندرزهای خود به امام حسن (علیه السلام) را با ده بار خطاب «یا بُنّی» (۱۲) همراه می کند^۲

بخشی از نصایح لقمان به پسرش که به صورت نصیحت دهگانه در ضمن پنج آیه آمده مجموعه‌ای از عقاید، اخلاق و آداب معاشرت به این ترتیب است:

1 - یا بُنّی لا تُشْرِکْ بِاللّهِ اِنَّ الشِّرْکَ لَظُلْمٌ عَظِیمٌ؛

پسر جان! چیزی را شریک خدا قرار نده که شرک ظلم بزرگی است. [اشاره به توحید]

2 - یا بُنّی اِنَّ یَکُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَکُنْ فِی صَخْرَةٍ اَوْ فِی السَّمَوَاتِ اَوْ فِی الْاَرْضِ یَاْتِ بِهَا اِنَّ اللّٰهَ لَطِیفٌ خَبِیرٌ؛

پسر جان! اگر به اندازه سنگینی خردلی (یعنی به اندازه تخم سیاه بسیار ریز گیاهی) عمل نیک یا بد باشد در دل سنگی یا در گوشه‌ای از آسمان‌ها و زمین قرار گیرد، خداوند آن را (در قیامت برای حساب) می آورد، خداوند دقیق و آگاه است. [اشاره به معاد]

3 و 4 و 5 و 6 - یا بُنّی اَقِمِ الصَّلَاةَ وَاْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَاَنْهَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَاَصْبِرْ عَلٰی مَا اَصَابَكَ اِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْاُمُورِ؛

ای پسر جان! 1 - نماز را بر پا دار. 2 - و امر به معروف و نهی از منکر کن. 4 - و در برابر مصائبی که به تو می رسد با استقامت و شکیبا باش که از کارهای مهم و اساسی است.

7 - وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّکَ لِلنَّاسِ؛ با بی اعتنایی از مردم روی مگردان.

8 - وَلَا تَمْشِ فِی الْاَرْضِ مَرَحًا اِنَّ اللّٰهَ لَا یُحِبُّ کُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ؛

مغرورانه بر زمین راه نرو، که خداوند هیچ متکبر مغرور را دوست ندارد.

9 و 10 - وَاقْصِدْ فِی مَشِیْکَ وَاغْضُضْ مِنْ صَوْتِکَ اِنَّ اَنْکَرَ الْاَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِیرِ؛

ای پسر جان! 1 - در راه رفتن اعتدال را رعایت کن. 2 - از صدای خود بکاه (و هرگز فریاد زن) که زشت ترین صداها صدای خران است.

در این اندرزهای دهگانه، لقمان به توحید و معاد و نماز اشاره کرده، سپس به دو دستور اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر پرداخته، آن گاه در مورد صبر و مقاومت در برابر حوادث سخت، سخن به میان آورده، سرانجام سه نکته مهم از آداب معاشرت را یادآوری نموده است که به راستی اگر این ده دستور به طور صحیح رعایت گردد، مدینه فاضله اخلاقی و انسانی به وجود خواهد آمد.

امیرالمومنین علی علیه السلام هم نصیحتهایی به فرزندش در ابعاد مختلف معنوی و مادی دارند.

مثلا در موردی می فرمایند که فرزندم! اگر می خواهی از طیب بی نیاز شوی چهار مطلب را رعایت کن!

تا گرسنه نشدی نخور! وقتی غذا می خوری هنوز سیر نشدی دست بکش! غذا را جویده جویده بخور و قبل از خواب خودت را تخلیه کن (دستشویی برو)

و در نصیحت های حضرت که در اواخر عمر مبارک فرمود: اوصیکم بتقوی الله و نظم امرکم

تقوی و نظم و انضباط عامل موفقیت است.

سفیان ثوری گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمودند

ای سفیان! پدرم سه چیز را به من تعلیم داد و از سه چیز نهی کرد؛ اما آن سه که مرا به آن تعلیم نمود، این بود که به من فرمود: پسر جانم! هر که با یار بد هم نشین شود، سلامت و ایمن نماند. هر کس کلامی را که بر زبان جاری می کند، مهار نکند پشیمان گردد. و هر کس در آستانه ی جاهای بد قرار گیرد، متهم گردد.

گفتم: ای فرزند دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آن سه چیزی که شما را از آنها نهی

فرمود کدام اند؛ فرمود: مرا از هم نشینی با سه گروه منع کرد: کسانی که بر بنده ای که خدا به او
(۱۸) نعمت داده حسادت ورزند؛ کسانی که بر مصیبت دیده سرکوفت زنند و فرد سخن چین.^۳

اصل چهارم: شناسایی خطرات سر راه نوجوان..

خطرات زیادی در کمین نوجوانان است خطراتی مانند انحرافات اخلاقی از قبیل خود ارضایی،
لواط، زنا، یا، انحرافات اعتقادی مانند ارتداد و مسخره کردن دین و روحانیت و نماز و..

^۳ بن شعبه، تحف العقول، ص ۳۹۶

والدین و مربیان باید کاملاً این خطرات را بشناسند تا جلوان را بگیرند. و این یعنی نظارت بر رفتار نوجوان!

. در ایام نوجوانی نظارت کامل بر معاشرت فرزندش داشته باشد.

«فرمانده نیروی انتظامی: 75 درصد انحرافات نوجوانان در بین راه مدرسه تا خانه رخ می دهد.»
متأسفانه جوانانی هستند که بوسیله فیلمهای فاسد و مجالس و دوستان فاسد، به فساد اخلاق مبتلا شده و در کمین نوجوانان معصوم و بی اطلاع هستند تا آنان را شکار کنند. لذا به مادران و پدران باید هشدار داد که تا زمانی که نوجوان به رشد عقلی بالایی نرسیده نظارت کامل و صد درصد بر معاشرت فرزندانشان اعم از دختر و پسر نموده و لحظه ای از آنان غافل نباشند. حاضر نشوند شبی به بهانه دوست و رفیق در خارج از خانه بمانند و یا با دوستان به مسافرت بروند و خلاصه دور از دید والدین دلسوز خود باشند. همانطور که باغبان مدتها زحمت می کشد تا گلهايش به ثمر برسند والدین باید از راحتی خود چشم پوشند و مواظب روحيات فرزندانشان باشند.

ارتباط با افراد منحرف حتی فامیل ممنوع..

نوجوان تا زمانی که به سن رشد برسد چون ساده است، زود گول می خورد. لذا باید خیلی مواظب بود تا با هر کسی تماس نداشته باشد.

انحراف بخاطر دوستی با هم کلاسی منحرف

نوجوانی سراغ دارم که در خانواده ای مذهبی تربیت شده ولی در کلاس راهنمایی با رفاقت با یک همکلاس منحرف کلاً ازین رو به ان رو شد و دچار افکار انحرافی شد و الان معضلی برای این خانواده مذهبی شده است.

دایی باعث اعتیاد خواهر زاده شد..

در بازدید از کمپ ترک اعتیاد با نوجوانی 16 ساله که برای ترک انجا بود مواجه شدم از او پرسیدم شما چرا معتاد شدی؟ جواب داد دایی من مرا معتاد کرد!

نظارت بر استفاده نوجوانان از وسایل بازی ها و فیلمها

دراختیار گذاشتن وسایل بازی باید با نظارت کامل باشد. اگر بدون نظارت باشد همین بازی ها هم می تواند نوجوان را فاسد کند.

پلی استیشن و سه ماه بازی منحرف..

حاج اقایبی در برگشت از مکه، یک دستگاه پلی استیشن . برای پسرش آورده بود که چند سی دی هم همراه ان توسط فروشنده بنام هدیه داده شده بود. حاج اقا دستگاه را با سیدی ها به پسرش داد. بعد سه ماه پسر به مادرش می گوید در این سی دی ها زنهای لخت هستند که

مادر ان پسر پیش من امد و گفت این سی دی ها را بررسی کنید ببینیم حرف پسر صحت دارد. من انها را کلوپ بازی ها بردم و مثول کلوب تا سی دی ها را دید گفتم اینها بازی های مستهجن دارند و انها را با چاقو خط خطی کرد که دیگر قابل استفاده نباشند.

حال این نوجوان چند ماه این تصاویر را دیده است و دیگر والدین قادر به پاک شدن ان تصاویر بد از مغز او نیستند!

باشگاه ها خطرناکند.

در باشگاه ها گاه افراد منحرف هستند که نوجوانان ساده را گول می زنند و انها را منحرف می کنند نوجوانی می گفت باشگاه می رفتم انجا نوجوانی بود به من پیشنهاد خودارضایی داد و من هم انجام دادم والان به ان معتاد شده ام مرا نجات دهید.

دوستان فرزندان ما چه کسانی هستند؟

دوستان نوجوان خود را بشناسیم. کودکان وقتی بزرگ می شوند و به مدرسه می روند به خصوص زمانی که به سن نوجوانی می رسند، بیشتر از دوستان خود تقلید می کنند. نوجوان بسیار آسیب پذیر است و اگر دوستان او رفتارهای خوبی نداشته باشند به راحتی می توانند او را به بدآموزی و خلافکاری بکشانند.

مساله داشتن دوست و رفیق در سعادت و شقاوت انسان بسیار موثر است. همانطور که در قرآن کریم آمده که عده ای در قیامت می گویند ای کاش با فلانی رفیق نمی شدیم. او مارا از راه حق واز یاد خدا دور کرد.

رفیق می تواند انسان را بهشتی کند یا انسان را جهنمی نماید!

رفیق بد، فرزند پیامبران یا امامان یا علمای ربانی را از راه به در میبرد!

پسر نوح با بدان بنشست خاندان نبوتش گم شد!

علمایی که پسران آنها منافق و مرتد و قاتل مسلح بودند یکی از عواملش دوستان بدی که فرزند ان داشتند و این فرزندان را شکار کردند و به گروه دشمنان خدا ملحق نمودند!

بسیاری از افراد معتاد گفتند رفیق مارا معتاد کرد! برخی از افرادی که گناهان جنسی مانند استمناء می کنند گفتند رفیق مارا به این کار معتاد کرد!

افرادی که در باندهای فساد یا باندهای سرقت و امثال ان گرفتار شدند می گویند رفیق مارا به این کار واداشت.

افرادی که جذب منافقین شدند یا ضد انقلاب هستند برخی بخاطر دوستان ضد انقلاب و ضد نظام، در صف دشمنان .
!نظام قرار گرفتند

حتی افرادی که در جوانی کشته شدند برخی بخاطر دوست نامناسب مرده اند. یک نفر از دوستان روحانی می گفت پسر من یک هفته مانده به مراسم عقدش. با دوستانش برای تفریح به جنگل رفت و زننده برنگشت و مرگش مشکوک است. و مادرش خیلی بیقراری می کند. مواظب دوستان فرزندانمان باشیم!

دختر خانمی که معتاد به شیشه بود می گفت دوست آرایشگری دارم. وقتی برایش از مشکلات زندگیم گفتم من رو تشویق کرد شیشه بکشم و من معتاد شدم!

یه روز اقایی با گریه پیش من امد و گفت چند روز است خورد و خوراک بر من حرام شده است! علت را پرسیدم گفت دوستم به من خیانت کرده و با زخم ارتباط نامشروع داشته است! حالا من با دوتا بچه که از زخم دارم چه کنم؟ آیا طلاقش بدهم؟ یا راه دیگری؟ گفتم الان وضعیت زنت چه جوریه؟ گفت از پشیمانی و ناراحتی دوباره خودکشی کرده است و الان یک نفر را گذاشتیم تا مراقبش باشد تا خودش را نکشد.

گفتم اگر واقعا پشیمان شده او را به حرم امام رضا علیه السلام یا حرم فاطمه معصومه ببرید و قسمش بدهید دیگر خیانت نکند و باش زندگی رو ادامه دهید.

احادیث درباره دوست

پیامبر خدا فرمود:

4 الْجَلِيسُ الصَّالِحُ خَيْرٌ مِنَ الْوَحْدَةِ، وَالْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنَ جَلِيسِ السَّوِّءِ؛

هم نشین خوب، از تنهایی بهتر است و تنهایی از هم نشین بد بهتر است.

امیر مومنان فرمود:

5 الصَّدِيقُ مَنْ كَانَ نَاهِيَا عَنِ الظُّلْمِ وَالْعُدْوَانِ مُعِينًا عَلَى الْبِرِّ وَالْحَسَنِ؛

دوست، کسی است که از ظلم و تجاوزگری باز دارد و بر انجام خوبی و نیکی یاری کند.

امیرمومنان فرمود:

قَارِنِ أَهْلَ الْخَيْرِ تَكُنْ مِنْهُمْ وَبِإِنِّ أَهْلَ الشَّرِّ تَبِنَ عَنْهُمْ؛

با خوبان معاشرت کن تا از آنان باشی و از بدان دوری کن تا از آنان نباشی^۶

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

أَدَّبَنِي أَبِي بِثَلَاثٍ ... وَنَهَانِي عَنْ ثَلَاثٍ : قَالَ لِي : يَا بُنَيَّ مَنْ يَصْحَبْ صَاحِبَ السُّوءِ لَا يَسْلَمْ وَمَنْ لَا يُقَيِّدَ أَلْفَاظَهُ يَنْدَمَ ، وَ مَنْ يَدْخُلُ مَدَاحِلَ السُّوءِ يُتَّهَمُ ... وَ نَهَانِي أَنْ أَصَاحِبَ حَاسِدٍ نِعْمَةٍ وَ شَامِتًا بِمُصِيبَةٍ ، أَوْ حَامِلًا نَمِيمَةً ؛^۷

پدرم مرا به سه چیز ادب آموخت و از سه چیز نهی ام فرمود . سه نکته ادب این بود که فرمود : فرزندم! هر کس با دوست بد بنشیند ، سالم نمی ماند و هر کس گفتارش را کنترل نکند ، پشیمان می شود ، و هر کس به جایگاه های بد وارد شود ، مورد بدگمانی قرار می گیرد (زیر سؤال می رود) و آن سه چیز که مرا از آن نهی فرمود: دوستی با کسی که چشم دیدن نعمت کسی را ندارد، و با کسی که از مصیبت دیگران شاد می شود و با سخن چین

پیامبر خدا فرمود:

نهج البلاغه(صبحی صالح) نامه 31 ، ص 402

6

تحف العقول ص376

7

الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ مَنِ يُخَالِلُ^۸

آدمی بر آیین دوست خود است پس بنگرید با که دوستی می کنید

امام جواد علیه السلام فرمود:

إِيَّاكَ وَمَصَاحِبَةَ الشَّرِّيرِ ، فَإِنَّهُ كَالسَّيْفِ الْمَسْلُوقِ يُحْسِنُ مَنْظَرَهُ وَيَقْبَحُ أَثَرَهُ^۹

از همراهی و رفاقت با آدم شرور پرهیز، زیرا که او مانند شمشیر برهنه است که ظاهرش نیکو و اثرش زشت است

امام علی علیه السلام فرمود: «مبادا دشمنان خدا را دوست بداری یا دوستی را نثار کسی جز دوستان خدا کنی!! هر
«کس مردمی را دوست بدارد، با آنان محشور می شود»^{۱۰}

با کسی که دین را مسخره می کند دوستی نکنید!

قرآن می فرماید: «ای اهل ایمان! با آن گروه از اهل کتاب و کافران که دین شما را به بازیچه گرفتند، دوستی نکنید.
«زمانی که شما ندای نماز بلند می کنید، آن را به مسخره و بازی می گیرند؛ زیرا آن قوم، مردمی نادان و بی خردند»^{۱۱}

هر کس به طریقی دل ما می شکند

بیگانه جدا دوست جدا می شکند

بیگانه اگر می شکند حرفی نیست

از دوست پیرسید چرا می شکند؟

امالی (طوسی) ص 518

8

عوالم العلوم و المعارف (مستدرک حضرت زهرا تا امام جواد علیهم السلام) ج 23 (امام جواد) ، ص 288

9

۱۰. همان جا

۱۱. مائده (5) ، آیه 57

والدین مسئول سلامت جسم و روح نوجوانان خود هستند

فرزندان ما امانت نزد ما هستند و ما باید مواظب باشیم که آسیبهای جسمی و روحی به آنها ضربه نزنند.

نباید بذاریم تغذیه نامناسب داشته باشند. مثلاً نوجوان ما علاقه به نوشابه دارد چون ما می دانیم مصرف نوشابه ضرر دارد نباید او را در این زمینه ازاد بذاریم همچنین قلیان و بعدش سیگار و..

باید او را به مصرف مواد غذایی مفید مانند میوه و سبزیجات و غذاهای سنتی مانند ابگوشت و عدسی و اش رشته و غیره ترغیب و تشویق کنیم.

اینکه پیامبر ما فرمود اگر هر روز یک سیب بخورید بیمار نمی شوید. یا اینکه ما را از گیاه خواری منع کرده اند و فرموده اند ما پیامبران گوشتخوار و طرفدار گوشتیم و حتما گوشت بخورید و اگر پول نداشتید، قرض کنید و گوشت بخريد ما ضامنیم قرض شما ادا میشود. اگر توسط والدین اجرایی شود و مانع استفاده از فس فود و تغذیه ناسالم گردند سلامتی نوجوانان تا حد زیادی تضمین می شود.

گاه پدر خانواده خانه ای نامناسب را تهیه می کند مثلاً زیر زمینی که ساکنین آن از نعمت نور خورشید محرومند در اینجا فرزندان دچار آسیب میشوند نمونه آن دختری که بدلیل سکونت خانواده در زیر زمین دچار بیماری راشیتیس شد و تا آخر عمر پاهای او دچار عیب و مشکل هستند.

اسلام سفارش کرده شبها زود بخوابید و صبح زو بیدار شوید. این در سلامتی خیلی موثر است. پدر خانواده بویژه باید به این توصیه جامه عمل پوشاند و الا مانند اکثر خانواده ها که شب تا پاسی از نیمه شب گذشته بیدارند و روز تا ساعت ده دوازده و گاه تا دو می خوابند باید منتظر بیماری هایی مانند دیابت و بیماری قلبی و غیره باشند.

بچه هایی که چاق هستند و پر خوری می کنند والدین باید تعادل در خوردن را در او برقرار کنند.

از نظر روحی هم والدین مسئول سلامتی روحی نوجوان خود می باشند. خجالتی بودن فرزند، داشتن وسواس، شرور بودن نوجوان، تقلید از فرهنگ غرب، ناامید بودن و افسردگی و...

درک افسردگی نوجوانان

دوران نوجوانی می تواند بسیار سخت باشد. در بسیاری از موارد افسردگی نوجوانان بسیار بیشتر از آنچه تصور می کنیم شایع است. چرا که این بیماری در این سن فرد را به شدت تحت تأثیر قرار می دهد.

در حقیقت، تخمین زده شده است که از هر پنج نوجوان از هر قشر یک نفر در دوره ای از نوجوانی دچار افسردگی می شود. با این حال، در حالی که افسردگی کاملاً قابل درمان است، اکثر نوجوانان افسرده هرگز از کسی کمک نمی گیرند. علی رغم اینکه گاهی اوقات در دوران نوجوانی انتظار بدخلقی و کج رفتاری وجود دارد، اما افسردگی نوجوانان چیز دیگری است. تأثیرات منفی افسردگی در دوران نوجوانی بسیار فراتر از خلق و خوی مالیخولیایی است.

افسردگی می تواند ذات شخصیت نوجوان شما را از بین ببرد و باعث ایجاد احساس غم، ناامیدی یا عصبانیت شود. بسیاری از رفتارها یا نگرش های سرکش و ناسالم در نوجوانان می تواند نشانه افسردگی باشد. موارد زیر برخی از روش های تخلیه هیجانی نوجوانان برای تلاش به منظور مقابله با درد عاطفی خودشان است:

ایجاد مشکل در مدرسه

افسردگی می تواند باعث مشکل کمبود انرژی و تمرکز شود. در مدرسه، این امر ممکن است منجر به ضعف در هشیاری، افت نمرات یا ناامیدی از انجام تکالیف مدرسه در یک دانش آموز با سابقه مثبت شود.

گریختن و فرار

بسیاری از نوجوانان افسرده از خانه فرار می کنند یا در مورد فرار صحبت می کنند. چنین تلاشهایی معمولاً به نشانه فریادی برای کمک است

سوء مصرف مواد مخدر و الکل

نوجوانان در تلاش برای خود درمانی افسردگی، ممکن است از الکل یا مواد مخدر استفاده کنند. متأسفانه سوء مصرف مواد مخدر فقط اوضاع را بدتر می کند

عزت نفس پایین

افسردگی نوجوانان می تواند احساس زشتی، شرم، شکست خوردگی و بی لیاقتی را تحریک و تشدید کند.

اعتیاد به تلفن های هوشمند

نوجوانان ممکن است برای فرار از مشکلات خود به شبکه های اجتماعی پناه ببرند. اما استفاده بیش از حد از تلفن های هوشمند و اینترنت فقط باعث انزوا و افسردگی بیشتر آنها می شود

رفتار بی پروا

نوجوانان افسرده ممکن است رفتارهای خطرناک یا پرخطری مانند رانندگی بی پروا، مصرف بیش از حد مشروبات الکلی و رابطه جنسی پر خطر داشته باشند

خشونت

برخی از نوجوانان افسرده ممکن است پرخاشگر و خشن شوند

افسردگی نوجوانان همچنین با تعدادی از مشکلات دیگر سلامت روان از جمله اختلالات تغذیه ای و آسیب به خود همراه است. در حالی که افسردگی می تواند درد بزرگی برای نوجوان شما ایجاد کند و زندگی خانوادگی روزمره را مختل می کند، کارهای زیادی وجود دارد که می توانید برای کمک به فرزندان در جهت بهبود این احساسات انجام دهید. بنابراین اولین قدم این است که یاد بگیرید افسردگی نوجوانان چیست و در صورت مشاهده علائم هشدار دهنده چه باید کرد

افسردگی نوجوانان

علائم و نشانه های افسردگی نوجوانان

بر خلاف بزرگسالان که به تنهایی توانایی جستجوی کمک را دارند، نوجوانان تنها به والدین، معلمان یا سایر مراقبان خود متکی هستند تا رنج آنها را تشخیص دهند و از آنها کمک لازم را بگیرند

اما این کار همیشه آسان نیست. اولین مورد اینکه نوجوانان مبتلا به افسردگی لزوماً غمگین به نظر نمی رسند. در عوض، ممکن است برجسته ترین علائم شامل تحریک پذیری، عصبانیت و آشفتگی باشد. از دیگر نشانه های افسردگی نوجوانان می توان به موارد زیر اشاره کرد

غم یا ناامیدی

تحریک پذیری، عصبانیت یا خشم

گریه مکرر

کناره گیری از دوستان و خانواده

از دست دادن علاقه به شرکت در فعالیت ها

عملکرد ضعیف در مدرسه

تغییر در عادات غذایی و خوابیدن

بی قراری و تحریک پذیری

احساس بی ارزشی و گناه

عدم اشتیاق و انگیزه

خستگی یا کمبود انرژی

مشکل در تمرکز

دردهای بدون دلیل

افکار مرگ یا خودکشی

افسردگی در نوجوانان در مقایسه با بزرگسالان

افسردگی در نوجوانان می تواند بسیار متفاوت از افسردگی در بزرگسالان باشد. علائم زیر در

نوجوانان بیشتر از بزرگسالان است: روحیه تحریک پذیر یا عصبانی

همانطور که گفته شد، حالت غالب در نوجوانان افسرده معمولاً به جای غم و اندوه، تحریک پذیری

است. یک نوجوان افسرده ممکن است بدخلق، خشن، ناامید یا مستعد طغیان های عصبی باشد

دردهای بدون دلیل

نوجوانان افسرده اغلب از بیماری های جسمی مانند سردرد یا معده درد شکایت دارند. اگر با معاینه

کامل بدنی علت پزشکی این دردها مشخص نشود، ممکن است نشان دهنده افسردگی باشد

حساسیت شدید به انتقاد

نوجوانان افسرده دچار احساس بی ارزشی می شوند و این امر آنها را در معرض انتقاد، طرد و شکست بسیار آسیب پذیر می کند. این یک مشکل خاص برای "افراد کمالگرا" است

کناره گیری از برخی، اما نه همه مردم

در حالی که بزرگسالان در هنگام افسردگی تمایل به انزوا دارند، نوجوانان معمولاً حداقل برخی از دوستان خود را حفظ می کنند. با این حال، نوجوانان مبتلا به افسردگی ممکن است کمتر از گذشته معاشرت کنند، از والدین خود دور شوند و یا با گروه دیگری صمیمی شوند

بهترین درمان افسردگی همه انسان ها این است که آنها را با خدا آشنا نماییم. یاد خدا آرامبخش و درمان هر بیماری است. یا من اسمه دواء و ذکره شفاء: ای کسی که اسمش درمان و یادش شفا است.

مسجد و نماز جماعت و تلاوت قرآن و دعا و جلسات معنوی اگر عالی برگزار شوند می تواند درمان خوبی برای افسردگی و ناآرامی روحی باشد.

اینکه دو رکعت نماز عاشقانه چه برکات فراوانی دارد یک فایده آن درمان افسردگی است.

نوجوانان بسیجی ما گاه از نظر عرفان و خدا شناسی از برخی عارفان بنام هم بالاتر بودند که در وصیتنامه آنها و در اعمال و رفتار آنها مشهود بوده است. اینها هیچوقت افسرده نمی شدند لذا اهل مزاح و شوخی بودند و همیشه با نشاط بودند.

همچنین رفتن به سفر یا سفر به روستایی که خانه در آنجا داشته باشیم و چند روز آنجا با نوجوان افسرده بمانیم برای درمان مفید است.

بعضی مادران اطلاعی از نحوه تربیت صحیح ندارند لذا فرزندان از نظر روحی نامتعادل بار می آیند. خانواده ای می شناسم که بعد فوت پدر، مادر نتوانست فرزند را تربیت کند و الان فرزند که 50 ساله است از نظر روحی نامتعادل است. از صبح تا شب تو اطاق پای تلویزیون یا در خواب است و نمی تواند یک فرد مفیدی و یا حتی کسی که بعد فوت پدر باید خانواده را سرپرستی کند باشد.

بی مسئولیتی بعضی والدین

بعضی خانم ها می گویند فرزند ما مریض میشود شوهر کاری ندارد و بی تفاوت است یا می گوید خودت دکتر ببرش!

یا اینکه در درمان فرزند تاخیر میشود و فرزند دچار مشکلی میشود که گاه تا آخر عمر گریبانگیر او هست!

مسئولیت والدین در مورد بلوغ جنسی نوجوانان

یکی از مسائل بسیار مهم نوجوانان مساله بلوغ جنسی آنان می باشد که اگر درست مدیریت شود نوجوان به سلامت از این بحران عبور می کند و اگر غفلت شود گاه ضربه جبران ناپذیری به نوجوان وارد می شود و سعادت او را به خطر می اندازد.

نیاز جنسی انسان در اول نوجوانی احساس میشود. اسلام سفارش کرده اگر ممکن است با ازدواج این نیاز برطرف شود. لذا دختر رئیس اسلام در نه سالگی شوهر می کند. که این یک پیام مهم دارد.

ازدواج در نوجوانی عیب نیست! در حالی که متأسفانه در بین اکثر مردم این عیب به شمار می رود! و عده ای از ما مسلمانان فقط در بعضی مسائل تابع رئیس اسلام هستیم و در بعضی مسائل تابع رسم و رسومات می باشیم درحالیکه قرآن کریم، رئیس اسلام را الگوی بسیار عالی معرفی کرده است.

نوجوانان در اولین فرصت ازدواج کنند

اسلام پیشنهاد ازدواج در اولین فرصت را داده است. چرا؟ چون ازدواج جلو انحراف اخلاقی را می گیرد

ازدواج جلو انحراف اخلاقی را می گیرد! لذا اگر خواستگار مؤمن و خوش اخلاقی برای دخترش آمد، مانع تراشی نکند.

یکی از روحانیون می گفت پسر و دختر هر دو در سن 17 سالگی ازدواج کردند. لذا آرامش روحی دارند و از انحرافات مصون ماندند.

سفارش جبرئیل به پیامبر ما این بود که از سعادت دختران است که در اول نوجوانی ازدواج کند لذا زهرای مرضیه (س) در ۹ سالگی شوهر کردند.

ما پسران و دخترانی سراغ داریم که خیلی دلشان می خواهد ازدواج کنند ولی والدین همراهی نمی کنند. و بهانه می آورند که هنوز زود است! دیگر نمی دانند که خطر در کمین فرزند آنان نشسته است و اگر غریزه جنسی از راه درست اشباع شود خدای نکرده سراغ راههای خلاف می روند. و یا نسبت به والدین کینه به دل می گیرند.

دختر خانمی که سالهاست میخواهد ازدواج کند ولی والدین او مانع شده اند. و او نسبت به والدین خود کینه پیدا کرده است یا پسری است که نوشته والدین حتی وظیفه خود نسبت به نگه داری و دادن خرجی فرزند تا زمانی که مستقل میشود را انجام نمی دهند:

سلام خیلی ممنون که وقت میزاید کمک میکنید ممنونم ازتون بابت راهنماییهاتون من پسری هستم 21 ساله که با مادرم زندگی میکنم و طلاق گرفتن

این مادر خیلی بد دهن هست فحش میده تحدید میکنه داد میزنه تهمت میزنه
کوچکتر بودم دست به زن داشت الان نمیزنه چون هیکلم بزرگ تر شده
ولی شبو روز ندارم دو دقیقه نمیتونم برای ایندم تصمیمی بگیرم
ارامش ندارم همش ازارو اذیت فحش تهمت
از بس ازار و اذیت میشم حالم بد شده غم از چهارم میباره
با تبو لرز نفس میکشم
میخاستم بدونم چیکار میتونم بکنم واسه شکایت؟ کجا باید برم
از همه مهم تر همش میخاد من رو از خونه بندازه بیرون
مشکل اینجاس که پدرم منو قبول نمیکنه پاس میده به مادرم مادرمم همینطور پاس میده به پدرم هر
دوتاشون بی مسولیت و فقط میخان شونه خالی کنن
قانونی در رابطه با این بی مسولیتشون هست؟؟
هر چیزی به ذهنتون میرسه بگید گیر دوتا ظالم افتادم!
اگر والدین نیاز فرزند را از راه درست برآورده نکنند احتمال دارد فرزند گرفتار انحراف جنسی میشود.
لواط و زنا و خودارضایی و
امار روابط نادرست نوجوانان این خطر را بازگو می کند.
فرارو نوشت: به تازگی یک رفتارشناس از پرونده‌ای گفت که در آن دختری از سن ۹ تا
۱۴ سالگی درگیر رابطه عاطفی بوده است و در ۱۴ سالگی متوجه می شود که پسر اصلا
علاقه‌ای به او ندارد و در نهایت تصمیم به خودکشی با تیغ می گیرد.

پیشتر دکتر محمود گلزاری، معاون وزیر ورزش و جوانان در نشستی تحلیلی اعلام کرده

بود که در چند سال اخیر سن ارتباط با جنس مخالف تا ۱۴ سالگی کاهش پیدا کرده

است. به طوری که دوستی دختران و پسران با مسائل عاطفی آغاز می شود و سرانجام به

روابط جنسی و حتی ارتباط با چند نفر کشیده می شود

تحقیقات در این زمینه نشان داده است که ۴۰ درصد از دختران پیش از ورود به دانشگاه با

پسری ارتباط داشته اند و ۲۰ درصد دیگر قطع ارتباط کرده اند؛ بنابراین ۶۰ درصد آنها

ارتباط با جنس مخالف را پیش از سن ۱۸ سالگی تجربه کرده اند

همچنین مشخص شده است که حدود ۴۰ درصد این افراد در زمانی ارتباط خود را شروع

کرده اند که سنشان کمتر از ۱۴ سال بوده است؛ یعنی در دوران راهنمایی

دکتر گلزاری پیش از این اعلام کرده بود که ۸۰ درصد دختران دبیرستانی در ایران با یک

پسر دوست هستند و حتی ممکن است ارتباط جنسی هم داشته باشند. در حالی که

خانواده‌ها و مسئولین مدارس از این موضوع بی‌اطلاع هستند^{۱۲}

پس بهترین مانع برای انحرافات اخلاقی، ازدواج می باشد. ولی ازدواج در کشور ما وضع خوبی ندارد. بخاطر رسم و رسومات غلط و خلاف اسلام، اکثر نوجوانان و جوانان فکر ازدواج را از سر خود بیرون کرده اند.

«امام رضا(ع): اگر مؤمنی به خواستگاری دختری برود و پانصد درهم جهت مهر پیشنهاد کند ولی آنان بیشتر بخواهند و این مقدار را نپذیرفته به او دختر ندهند، بر او ستم کرده و خداوند پدر آن خانواده را از حورالعین محروم می کند»

و پیامبر(ص) فرمود: اگر کسی که از دین و اخلاقش راضی هستید به خواستگاری بیاید و دختر ندهید، فساد بزرگی پدید می آید!

یکی از مسائل ازدواج آنست که نوجوانان و جوانان با کسی که مانند آنهاست ازدواج کنند.

«دختر و پسر از خانواده متدین باید با هم شأن خود ازدواج کنند و دختر و پسر از خانواده بی اعتنا به دین نیز

همچنین.

«والطیبات للطیین والخیثات للخیثین» نور 26

دختر پاک و مؤمن برای پسر پاک و مؤمن و دختر ناپاک و بی دین برای پسر ناپاک و بی دین لایق هستند.»

پدران و مادران در ازدواج فرزندان دقت کنند که دخترشان را به فاسق و فاجر و شرابخوار شوهر

ندهند!

¹² <http://www.ensafnews.com/85839/>

والدین نباید گول عناوین و ظواهر و پول و ثروت داماد و خانواده‌اش را بخورند و بدون توجه به رعایت مسائل اخلاقی از طرف داماد، دخترش را به خانه آلوده بفرستند.

«دختری بعد از دوماه عروسی به خانه پدر برگشت و اعلام کرد که متوجه شده شوهرش معتاد است و او بزور طلاهایش را گرفته و فروخته است. و با گریه می گفت که بعد از دوماه بیوه شدم!

اگر علت این مسئله بررسی شود مشخص می شود که متأسفانه پدر و مادر دختر در هنگام خواستگاری داماد! بفکر نماز و تدین داماد نبودند و فقط چشم به ظواهر زندگی او و قدرت مالی و قیافه ظاهری او داشته‌اند

لذا باید تاوان سنگینی را برای این بی توجهی بپردازند!

«پیامبر (ص): کسیکه دخترش را به بی دین شوهر بدهد، روزی هزار بار لعنت بر او نازل می شود.»

«امام رضا (ع): اگر دختر به شرابخوار بدهید، گویا او را به زنا واداشته‌اید!»

مطلب دیگر این است که حال اگر برای ازدواج نوجوان مانع وجود دارد لااقل باید این نیاز کنترل شود. مثلاً نوجوان ما در یک مکان در بسته با نامحرم تنها نماند. که اینهم متأسفانه در بعضی خانواده ها مورد غفلت قرار گرفته است و اهمیتی نمی دهند که دخترشان با پسر عمه یا پسر دایی یا فلان فامیل تنها باشد و باهم شوخی کنند و... بعد که مشکلاتی به وجود می آید می فهمند که اشتباه کرده اند.

گاهی محبت بین دختر و پسر نامحرم انچنان قوی میشود که حاضرند برای رسیدن به هم هر کاری و هر جنایتی انجام دهند. در خبرها خوانده ایم: دختری که برای رسیدن به پسر محبوبش! پدر و مادر خود را کشت یا پسری که برا رسیدن به دختر محبوبش چون والدین دختر مخالفت کردند سلاح بدست گرفت و شروع به کشتار کرد یا خودکشی نمود یا...

اسلام سفارش کرده از پنج شش سالگی فرزندان در یک رختخواب نخوانند! دختران نوجوان لباس بدن نما نپوشند حتی مقابل برادر و پدر و..

تقویت حیا در نوجوانان می تواند مانع بسیاری از این اسیب ها گردد

بین حياء و پاک شدن جامعه از جرم و گناه رابطه مستقيم وجود دارد و کسی که حیا ندارد آدم خطرناکی است که انجام هر گناهی از او محتمل است.

اسلام انقدر حیا را مهم می داند که در روایتی آمده که

در روایات از امام علی (ع) آمده است " جبرئیل بر آدم نازل شد و گفت ای آدم ، من مامور شده ام که ترا در انتخاب یکی از سه چیز مخیر سازم. پس یکی را برگزین و دو تا را واگذار. آدم گفت چیست آن سه چیز، گفت: عقل ، حياء و دین.

آدم گفت عقل را برگزیدم. جبرئیل به حیا و دین گفت شما باز گردید و او را واگذارید. آن دو گفتند ای جبرئیل ما ماموریم هر کجا عقل باشد با او باشیم. گفت خود دانید و بالا رفت

چگونه حیا را حفظ نمائیم؟

والدین در پوشش خود و فرزندان اصل حیا را رعایت کنند. اگر چه زن خوب است در مقابل شوهر خود را بیاراید و لباس شهوت برانگیز به تن نمایند ولی این مربوط به اطلاق خواب است! والا نباید مادر لباس بی حیایی جلو پسر نوجوانش به تن کند. همچنین دخترها نباید در مقابل پدر یا برادر خود لباس نامناسب به تن کنند!

خانمی بیه که با اقایی که از زن قبلش پسر بزرگی داشت ازدواج کرد. بعد این خانم گفت که پسر شوهرم که حدود سی سال دارد می اید جلو من لباسش را عوض می کند! یا بدون اجازه، وارد اطلاق خواب من و شوهرم می شود! گفتیم این بخاطر تربیت نادرست است. اگر فرزند درست تربیت شود این کارها را نمی کند!

یکی از مسئولین کشتی تیم امید ایران به من گفت مربی روسی داریم. اخلاقی صفر است! گفتیم چرا؟! گفت موقع تعویض لباس، جلو اعضا تیم امید که نوجوان هستند لخت مادرزاد میشود!

همچنین در الفاظی که والدین به کار می برند باید مواظبت کنند الفاظ زشت بکار نبرند و یا شوخی جنسی نکنند! که اینها فرزند را بی حیا بار می آورد.

حکایت

مردی نزد کنفوسیوس حکیم آمد و از فرزند خود شکایت کرد. کنفوسیوس دستور داد پدر و پسر را زندانی کنند. پس از مدتی هر دو را آزاد کردند. کنفوسیوس به پدر گفت: نباید از پسرت شکایتی می کردی، زیرا اگر از پسرت عملی زشت سر زده است، تقصیر خود توست که او را خوب تربیت نکردی

اسلام برای حفظ حياء دختر و پسر، دستوراتی را صادر فرموده است از جمله:

1- دوری از چشم چرانی و کنترل چشم

همچنین در سوره نور می‌فرماید:

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَٰلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ
بِمَا يَصْنَعُونَ. وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ».

در حدیث از پیامبر ص است که فرمود:

«لکل عضو من ابن آدم حظٌ من الزنا فالعين زناه النظر»

«هر یک از اعضای فرزندان آدم حظ و بهره‌ای از زنا دارد که زنان دو چشم‌نگاه کردن است».

ز دست دیده و دل هر دو فریادهر آنچه دیده بیند دل کنه یاد

بسازم خنجری نیش ز فولادزنم بر دیده تا دل گردد آزاد

رسول خدا(ص) فرمود:

«نگاه به نامحرم، تیری از تیرهای مسموم شیطان است».

«به مردان مؤمن بگو که چشمان خود را بپوشانند و اندامهای خود را از حرام حفظ کنند که این برایشان پاکیزه‌تر است. و به زنان مؤمنه بگو که چشمهای خود را بپوشانند و اندامهای خود را از ناروا حفظ نمایند».

پیامبر ص فرمود

«اگر از آسمان بیفتیم و دو نیم شوم برایم بهتر است که به عورت شخصی نگاه کنم یا شخصی به عورت من نظر نماید!».

«از امام ششم ع پرسیدند: کدام قسمت بدن زن برای نامحرم دیدنش حلال است؟ فرمود: صورتش و دو پایش و دو دستش».

2- شوخی نکردن دختر و پسر نامحرم باهم

در روایتی از پیامبر آمده است: کسیکه با زن نامحرمی، شوخی کند، با هر کلمه ای که با او سخن

بگوید، سالیان سال زندانی می شود و زن اگر راضی باشد و مرد را وادار به

بوسیدن یا مباشرت حرام یا شوخی با او کند، و مرد به این سبب، دچار

فحشاء شود، همین عذاب برای زن هم می باشد!

3- عدم اختلاط بین نامحرم

عاقبت سهل انگاری در روابط با نامحرمان!

«مادر 34 ساله‌ای هستم و حدود بیست سال است که با مرد مورد علاقه‌ام ازدواج کرده‌ام. حاصل زندگی ما، دو فرزند دختر و یک پسر است، که همگی تحصیل می‌کنند. شوهرم شغل آزاد دارد و از درآمد خوبی برخوردار است و تمامی امکانات رفاهی و اسباب آسایش ما را فراهم نموده است. بچه‌ها نیز کاملاً آزادند و آنچه را بخواهند، برایشان تهیه می‌کنیم.

حدود نه سال پیش با خانواده‌ای که در همسایگی ماسکونت دارند، آشنا شدیم و این آشنایی، به رفت و آمدهای خانوادگی انجامید. به قدری ما و خانواده مزبور به هم نزدیک شدیم که اکثر غریبه‌ها می‌پنداشتند که ما فامیل هستیم. بچه‌های دو خانواده نیز با یکدیگر روابط بسیار صمیمانه‌ای داشتند و بیشتر اوقات با هم بودند.

کودکان ما، روز بروز بزرگتر می‌شدند و رفته رفته به سنین بلوغ می‌رسیدند. ولی ما غافل بودیم و فکر می‌کردیم اینها هنوز بچه‌اند و با بخاطر روابط بسیار صمیمانه و نزدیکی که وجود داشت، آنها را در حکم برادر و خواهر می‌دانستیم و هرگز به ذهنمان خطور نمی‌کرد که این روابط، روزی باعث آبروریزی خانواده ما گردد.

دوستی بچه‌های دو خانواده، برای من و همسرم کاملاً عادی بود. با این که شوهرم به بسیاری از احکام اسلام مقید بوده و هست، ولی در مورد حجاب من و دخترانش حساسیتی نداشت. وقتی مهمان نامحرم به خانه ما می‌آمد، حتی اگر دخترانم حجابشان را رعایت می‌کردند، شوهرم از آنها می‌خواست که روسری شان را بردارند و راحت باشند! او می‌گفت: قلب آدم باید پاک باشد! اما غافل از آن بود که ممکن است قلب طرف مقابل ناپاک باشد. مگر می‌شود هر کار ناپسندی را انجام داد و دلخوش بود که قلبمان پاک است؟!!

متأسفانه، این شیوه در خانواده ما ادامه داشت. خود من هم، چون در خانواده‌ای بزرگ شده بودم که چندان پایبند به رعایت دستورات و موازین مذهبی نبودند و در واقع مسلمان اسمی بودند تا عملی، خیلی به حجاب و پوشش دخترها اهمیت نمی‌دادم. و در این مورد، هم من و هم شوهرم مقصر بودیم و حالا نیز، چوب سهل انگاری خود را می‌خوریم. بچه‌ها، هر آنچه که از پدر و مادرشان بیاموزند، عمل می‌کنند. در حقیقت، این پدر و مادرها هستند که سنگ بنای تربیت فرزندان را می‌گذارند.

روابط ما با آن خانواده همچنان با صمیمیت ادامه داشت. آنها دارای یک پسر و سه دختر بودند. پسرشان حمید، به همراه خواهران خود و با به تنهایی، بیشتر وقتها به خانه ما رفت و آمد داشت. با آنکه حمید جوانی بیست و سه ساله بود، متأسفانه من و دخترانم هنگامی که او در منزل مابود، حجاب را رعایت نمی‌کردیم.

البته دختر بزرگم که سال چهارم نظری بود، از این وضع ناراحت بود و خود، حجابش را رعایت می کرد. همیشه هم به من و پدرش اعتراض می نمود که چرا نسبت به این موضوع توجهی نداریم و خود نیز مشوقی حجابی آنها نزد افراد نامحرم هستیم. او در عین نوجوانی، بسیاری از مسائل را بهتر از من و پدرش می فهمید، ولی ما به حرفهای او اعتنائی نمی کردی و با خونسردی تمام از کنار آن می گذشتیم. سرانجام هم چوب غفلت خود را خوردیم و حیثیت خانواده ما لکه دار شد!

باری حمید از موقعیتی که در خانواده ما پیدا کرده بود، سوء استفاده نمود به تدریج، روابطش با دختر کوچکترم سیمین - که سال اول دبیرستان بود - حالت دیگری پیدا کرد. در حالی که ما گمان می کردیم اینها، همچون خواهر و برادر هستند. ما همانند کبک، سر خود را زیر برف فرو برده و از آنچه در اطرافمان می گذشت، بی خبر بودیم. اما بعدها مطلع شدیم که سیمین و حمید، ماههاست که پا را از روابط خانوادگی فراتر گذاشته و به دوستیهایی که میان برخی از دختران و پسران فریب خورده متداول است، بدل گشته است!

آری، یک روز از پایگاه بسیج محل خبر دادند که سیمین با پسر همراهش در آن محل هستند. من سراسیمه خودم را به پایگاه رساندم و با دیدن حمید، یکه خوردم. فکر نمی کردم او از حسن نیت ما سوء استفاده کند و با رفت و آمد آزادانه، روابطش را بیش از پیش با دخترم گسترش داده و توجه او را به خود جلب نماید.

آنها با دیدن من، ابتدا منکر هر گونه رابطه ای - جز همان روابط همسایگی و خانوادگی - شدند. ولی بعداً دخترم اعتراف کرد که از چند وقت پیش با حمید روابطی داشته و چند مرتبه باهم به مهمانی و پارک رفته اند!

ما وقتی به این موضوع پی بردیم که در واقع، آبرویمان در محل رفته بود و باعث این بی حرمتی نیز خودمان بودیم. اگر روابط صحیح خانواده ما بر اساس دستورات اسلام بنا شده بود، یا حداقل به سنت خانواده ایرانی اهمیت می دادیم، هرگز دچار این مشکل نمی شدیم. «الگوهای تربیت ص 134»

4- پوشیدن لباسهای سنگین

پوشیدن لباسهای مردانه توسط دختر و زن به تهییج قوای جنسی زن و مرد کمک می کند. زن شایسته است در برابر مردان و پسران (غیر از شوهر) لباسهایی بپوشد که برجستگیهای بدن او را بپوشاند.

حال اگر زنی لباسهای مردانه بپوشد، آنوقت چشمهای زیادی را بطرف خود جلب می کند و باعث فتنه های زیادی می شود. بطوری که گاهی بعضی از محارم مثل برادر و دایی و غیره را تحت تأثیر خود قرار داده و کار به جاهای باریک می کشد و آبروهای خیلی را برباد می دهد! همان گونه که در کشورهای غربی، از ناحیه پدر و مادر و بقیه محارم، ارتباطات نامشروع با فرزندان برقرار کرده اند.

بی حجابی مبدأ بی عفتی است بدنگاهی علت هر ذلتی است

5- دوری از فیلمهای خارجی که اساس بی حیائی است.

6- شرکت نکردن در پارتی های مختلط

جشن ها و مهمانی های آلوده از مقدمات ارتباطات نامشروع است. مخصوصا در میان طبقات هنرمندان و ورزشکاران که به بهانه های موفقیت آنها در فلان بازی، مجالس مختلط برپا می شود و این افراد هم چون بنیه مذهبی شان ضعیف بوده و ارتباطشان با مسجد و نماز و معنویات کم است، زودتر بدام افراد منحرف می افتند. همانگونه در خبرها بود که چندین نفر از اعضای تیم ملی فوتبال و بعضی از هنرپیشگان مشهور و بعضی از هنرمندان سیما، در محافل فساد دستگیر شدند. افرادی که می خواهند پاک زندگی کنند نباید به این مجالس بروند و باید پای خود را بر این محافل ببندند و شرکت در این کانونها را بر خود حرام نمایند تا از آثار مخرب آن و عواقب بعدیش دور بمانند.

7- تنها نبودن زن و مرد نامحرم

با توجه میل زن و مرد به جنس مخالف، هر کجا که این دو تنها باشند، باعث تهییج غریزه جنسی شده و زمینه اعمال خلافی را فراهم می کند. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم فرمود:

«بهریزید از سخن گفتن با زنان! زیرا اگر مردی با زنی نامحرم (بدون حضور شخصی از محارم) خلوت کند، بطرف آن زن تحریک می شود و به او رغبت می کند».

حتی در احکام شرعی است که اگر در مسجدی فقط یک مرد و یک زن هستند، نباید آنجا نماز بخوانند زیرا خلوت با نامحرم ممنوع است.

در جامعه کنونی مسئله خلوت و هم سخن شدن با نامحرم جلوه بیشتری پیدا کرده است و زنگ خطری برای افراد پاک بشمار می رود.

در ادارات و شرکتها و کارخانجات به بهانه آزادی زن از اسارت خانه! پای زنهارا به این محلها باز کرده و زنان در کنار مردان مشغول بکار هستند ولی آیا این گونه کار کردن ها مفسده ای در بر ندارد؟ آماری که در جامعه ما از بالا بودن درصد طلاق ها و فروپاشی کانونهای خانواده حکایت می کند، معلول این گونه آزادی ها می باشد. زنانیکه صبح تا حد اقل ظهر در خارج از خانه مشغول کار می باشند، اگر شوهر صبوری نداشته باشند و یا خودشان عقیف و پاکدامن نباشند زود گول بعضی از افراد جامعه را خورده و با وعده و وعیدهای آنان به طرف فساد پیش می روند. البته بخاطر بافت مذهبی اکثر خانواده های ایرانی، مقاومت زنان و مردان در مقابل وسوسه خناسان زیاد است ولی درصدی از زنان و زنان نیز از این وسوسه ها مصون نمی مانند و ناپاکی را بر پاک بودن ترجیح می دهند!

ای جوان با اجنبی خلوت مکن خویش را پیوسته باشهوت مکن» رسول خدا(ص): هر که به خدا و قیامت ایمان دارد نباید در محلی شب را بسر ببرد که نفس نامحرمی در آن شنیده می شود.»

«ابلیس به موسی(ع) گفت: با نامحرم خلوت مکن که خود من در آنجا حضور پیدا می کنم نه یاران و اصحابم!»

خلوت با اجنبی بد حاصل است کمترینش محو تقوای دل است

گر محیط خلوتی آید به پیش که در آنت اجنبی سازد پریش

تو از آن بگریز، پادر آن مَنه آبرو با عفت و ایمان منه

8- عدم تماس بدنی بین زن و مرد نامحرم

در حدیثی از امام صادق(ع)، رسول خدا(ص) اینگونه توصیف شده است: از همه کس، حکیمتر و داناتر و بردبارتر و شجاعت‌ر و عادل‌تر بود. هرگز دستش به زنی نامحرم نرسید و سخاوتمندترین مردم بود.

کنار نامحرم نشستن مانند اینکه در تاکسی و امثال آن تماس بدنی ایجاد شود و یا دست دادن با نامحرم مقدمه ای برای وارد شدن به زنا و امثال آن می شود.

9- ندیدن روابط جنسی دیگران

دیدن عمل جنسی باعث انحراف جنسی تماشاگر می شود مخصوصاً اگر تماشاگر دختر و پسر مجرد تازه به سن بلوغ رسیده باشند. لذا باید در هنگام حضور نوجوانان در منزل و خانه و محل، والدین مواظب اعمال جنسی خود باشند.

«امام صادق(ع): در خانه ای که طفلی وجود دارد، با همسر خود مقاربت نکنید، که آن طفل زناکار می شود و یا فرزندیکه بدنیا می آید، زناکار می شود.»

10- دوری دختران و زنان از خیابان گردی و دوره گردی و گشتن در بازارها و پاساژها که باعث از بین رفتن حیا دختران و انحراف پسران می گردد.

چون زلیخا صورتان کم نیستند یوسفان در آتش و غم زیستند
ای زلیخا! یوسف آزاری مکن! جای پاکی ها تبهکاری مکن!

و...

نمونه هایی از بی حیایی:

بعضی با زیرپوش میاند دم در خانه!...! اخیرا با تقلید از فرهنگ منحط و پست
غرب! بعضی مردها با شلوارک! تو کوچه میاند!

بعضی مردها و پسرها طوری شلوار می پوشند که وقتی برای کاری خم میشوند نصف
پشت و باسن آنها پیدا است مخصوصا تو خیابون ها!

بعضی خانم ها و دخترها هم لباسی می پوشند که ناف آنها پیدا است!

ادب، تاجی است از نور الهی * بینه بر سر برو هر جا که خواهی

که او خضر ره اقبال و جاه است * بر او رنگ سعادت، پادشاه است

(سعدی)

بعضی دخترها تو کوچه و خیابان در حال بستنی خوردن هستند!

یا اقایی که در خیابان مثلا پر تقال می خورد و پوست ان را تو کوچه و خیابان می
اندازند!

در حالی که در روایت است خوردن در حال راه رفتن از پستی است!

اینها درست تربیت نشدند!

بعضی فرزندان جواب پدر و مادر رو میدند....

انسان معجز نیست پدر خود را با نامش صدا بزند و یا در راه رفتن بر او پیشی بگیرد و یا هنگامی که او ایستاده است، بنشیند و حتی در نگاه کردن هم باید حرمت او را نگاه دارد.

در روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمودند:

انَّ أَبِي نَظَرَ إِلَى رَجُلٍ وَ مَعَهُ ابْنُهُ يَمْشِي وَ الْإِبْنُ مُتَّكِي عَلَى ذِرَاعِ الْآبِ قَالَ فَمَا كَلَّمَهُ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ مَقْتًا (380) له حتى فارق الدنيا

روزی پدرم امام سجاد علیه السلام پدر و پسری را در حال حرکت دیدند که پسر سرش را به کتف ((پدر تکیه داده بود. تا زمانی که پدرم، زنده بود، به خاطر خشمی که از این عمل بی ادبانه او پیدا ((کردند، با این پسر سخن نگفتند

امام صادق علیه السلام سفارش کرده است: «حتی» هنگامی که پدر و مادران شما را می زنند، شما از درگاه خدا برای آن دو طلب غفران و بخشش کنید.» باز همان حضرت می فرماید: اگر پدر و مادر صدایشان را بلند کردند شما صدایتان را آهسته کنید و با آرامش با آنان سخن بگویید.» حتی نباید پدر و مادر را به نام کوچک صدا بزنند. نگریستن از روی مهربانی و عطف به صورت والدین، عبادت است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «هیچ گاه چشمانت را از نظر کردن به والدین پر مکن، مگر «با رحمت و مهربانی

نقل شده وزیری با پدرش خدمت حضرت امام رسید. وزیر جلوتر از پدرش حرکت کرد و وقتی محضر امام مشرف شد به امام عرض کرد این پیرمرد پدرم می باشند. حضرت امام به وزیر گفتند چرا جلوتر از پدرت حرکت کردی؟^{۱۳}

دکتر فاطمه طباطبایی در مورد احترام کودکان به والدین در سیره حضرت امام خمینی چنین نقل می کند: یادم است که پسر کوچکم وقتی با تندی جوابم را می داد امام جدا از رفتار او با من ناراحت

شدند. بعداً او را جداگانه می خواستند و می گفتند

^{۱۴} (رفتارت با مادرت خیلی بد بود. به من می گفتند: نباید رفتارش این گونه باشد

باز نقل شده وقتی حضرت امام خواستند در 12 بهمن 57 از هواپیما پیاده شوند چون برادر بزرگشان ایه الله پسندیده بودند امام قبول نکردند جلوتر از برادرشان پیاده شوند!^{۱۵}

احترام حضرت امام به برادرشان نشان از تربیت عالی ایشان توسط مادرشان بانو هاجر و اساتید ایشان می باشد.

از دامن مادرانی چون بانو هاجر شخصیت هایی چون حضرت امام پدید می آیند. و این نقش مهم مادر است و همچنین پدر که نقش مهمی در ساختن شخصیت نوجوانان خود دارد.

نوجوانانی که درست تربیت نشدند تو مراسم سر غذا دعوا می کنند! افراد بی ادب در مراسمی که غذا توزیع می کنند دعوا و نزاع درست می کنند که گاهی این دعواها به جاهای باریک کشیده میشود و مراسم مردم را به هم می زنند.

گیس و گیس کشی در خیابان!

گاهی دیده شده زنها و دخترها تو خیابون گیس و گیس کشی راه می اندازند و کلیب و فیلم آنها را گرفته در فضای مجازی می گذارند.

¹⁴ . زن روز، ص 117، شماره 1267

¹⁵ . نشریه حضور، ش 17، پاییز 1375، ص 362

اصل پنجم: ایجاد تعادل بین آزادی نوجوان و مراقبت از او

اسلام دین اعتدال و میانه روی است.

و جعلناکم امه وسطا (بقره ایه 143) (ما شما را امتی میانه قرار دادیم)

نوجوان بزرگ شده است و به آزادی نیاز دارد. اما چون آسیب پذیر است و در بسیاری از موارد به جای عقل و منطق از احساسات خود پیروی می کند، به مراقبت مناسب هم احتیاج دارد، اگر بتوانیم در دادن آزادی به نوجوان و مراقبت از او زیاده روی نکنیم و اندازه نگه داریم، به هر دو نیاز او پاسخ مثبت داده ایم و از خطرهایی که آزادی زیاد و مراقبت شدید ایجاد می کنند، پیشگیری کرده ایم

لذا قرآن کریم فرموده است خود و خانواده را از آتش جهنم حفظ کنید.

پدران نباید بگذارند فرزندشان جهنمی شود! و این نیاز به دخالت پدر در تربیت نوجوانش دارد. نباید و گاه از خلافهای او. فقط تماشا کند مثل عده ای از پدران که هیچ کاری با اعمال فرزندانشان ندارند! حمایت می کنند!

گویند وقتی سید احمد خمینی پسر امام دیپلم گرفت و می خواست دنبال کارهای غیر طلبگی برود حضرت امام او را خواستند و گفتند: احمد! چکار می خواهی بکنی؟ اگر طلبه شوی باز خرج تو را خواهم داد ولی اگر راه دیگری انتخاب کنی دیگر من خرج شمارا نمی دهم!

این حرف امام تلنگری برای سید احمد خمینی بود تا راه طلبگی را انتخاب کند و جزو شاگردان امام جعفر صادق علیه السلام شود و منشاخیرات فراوان گردد.

نوجوانان ما در انتخاب راه آینده گاه خطا می کنند ما باید آنها را راهنمایی کنیم.

رفتار نوجوان تکرار رفتار شماست

دیدنی ها و شنیدنی های نوجوان باید سالم از هر بدی باشد:

نوجوان تمام رفتارهای والدین را مانند یک دوربین مخفی ضبط می کند. طریقه رفتار شما در شرایط سخت یکی از مهم ترین نکاتی است که در آینده، سرنوشت او را تحت تاثیر قرار می دهد و او را در برابر مشکلات مقاوم می سازد. در واقع او با ثبت تک تک رفتارهای شما در شرایط مختلف می آموزد که چگونه رفتار کند. پس خوب رفتار کنید و به نوجوان تان پیاموزید با کوچکترین اتفاق پرخاشگری نکند. این امر که در عمل به او پیاموزید که رفتار خوب تاثیرات مثبت خواهد داشت به او کمک می کند تا رفتارهایش را مطلوب تر کند. رفتار او تعیین کننده جایگاه اجتماعی او در گروه دوستان و بزرگسالان است.

پدر نباید جلو فرزند گریه و زاری کند. نباید از شکست هایش بگوید.. جرمی مرتکب نشود تا جلو نوجوانش بیایند او را دستگیر کنند و زندانی شود و فرزند به ملاقاتش در زندان رود.

اگر پدر مریض شد ناله نکند و آه نکشد و اظهار ضعف نکند...

..پدر باید از موفقیت هایش بگوید

به فرزندش بگوید رفتار و منش خوب چگونه زندگی او را تغییر می دهد. هر رفتاری که کودک از روزهای اول در کنار خانواده اش تجربه می کند، به مرور عادت می شود و هر چقدر رفتارها سنجیده تر باشد، باعث می شود، موفق تر عمل کند^{۱۶}

همچنین نوجوان نباید هر صحنه ای را ببیند

خانواده ای دختر نوجوان خود را در خانه تنها گذاشته و مهمانی شب نشینی می روند وقتی برگشتند دیدند دختر تشنج کرده است. با بررسی فهمیدند دختر فیلم جنایی دیده است. و بخاطر ترس شدید اینجور شده است و مدتها این دختر تحت درمان قرار داشت.

ن باید نوجوان هر کتاب را بخواند

دختر نوجوانی کتاب درباره جن خریده بود و با مطالعه آن مشکل روحی پیدا کرده بود و مدتها دچار کابوس در خوابهای خود شده بود.

¹⁶ <https://www.asiran.com/fa/news/328748>

درمورد حجاب دخترمان کوتاه نیاایم! حجاب برای دختر حکم نماز را دارد. چقدر آیات مختلف قرآن درباره حجاب وجود دارد. چقدر در روایات به حجاب دختران و زنان تاکید شده است. حجاب زنان در زمان ما مانند سلاح علیه دشمن است.

گاهی دخترها با الگو گیری از فلان دختر فامیل که چادر را کنار گذاشته، می خواهند مانتویی شوند نباید والدین قبول کنند. باید محکم در این مورد بایستند و نگذارند دخترشان چادر را کنار بگذارد. یا همسر انسان که سالها چادری بوده میخواهد بر اثر وسوسه خنثان مانتویی شود اینجاهم شوهر نباید قبول کند.

اقایی با خانمش پیش من آمدند. اقا گفت خانمم می خواهد چادر را کنار بگذارد ولی من مخالفم. از خانم پرسیدم چرا چادر را می خواهی کنار بگذاری؟ گفت وقتی مهمان می آید سختم است با چادر پذیرایی کنم! یا می خواهم طاق بستان پیاده روی بروم با چادر سختم است! گفتم ما انواع چادر داریم می توانی چادری که راحت باشد پوشی ولی هیچوقت چادر را کنار نذار! سرور زنان عالم فاطمه زهرا سلام الله علیها، چادری بود و با چادر بشهادت رسید و او الگوی همه ما می باشد.

بر اساس آیات و روایات ما به دست می آید که خداوند دوست دارد زنان چادری باشند و از زنانی که نسبت به حجابشان کم اهمیت هستند راضی نیست.

به چند روایت در باره اهمیت حجاب اشاره می کنیم:

رسول خدا (ص) از حضرت جبرئیل (ع) سوال نمود که آیا فرشتگان خنده و گریه دارند؟ جبرئیل فرمود: بله. (یکی از آنجهایی که فرشتگان می خندند) زمانی است که زن بی حجابی و بدحجابی می میرد، و بستگان او را در قبر می گذارند و روی آن زن را با خشت و خاک می پوشانند تا بدنش دیده نشود. فرشتگان می خندند و می گویند: تا وقتی که جوان بود و با دیدنش هر کسی را تحریک می کرد و به گناه می انداخت (پدر و برادر و شوهرش و... از خود غیرت نشان ندادند) و او را نپوشانند، ولی اکنون که مرده و همه از دیدنش نفرت دارند او را می پوشانند

پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: زنان خود را با پوشش اندام و جسم، از دیدار نامحرمان باز دارید، که زنان هرچه پوشیده‌تر باشند، سعادت‌مندتر هستند. (سفینه البحار، ج 2، ص 298)

رسول خدا (ص) فرموده‌اند: زن در نزد نامحرمان، باید چهار لباس داشته باشد: 1- چادر 2- مقنعه 3- پیراهن 4- شلوار. (تفسیر نور الثقلین، ج 3، ص 624)

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «رسول خدا (صلی الله علیه و آله) عادت داشت به زنان سلام کند و آنان نیز پاسخ سلام او را می‌دادند. امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نیز مانند پیامبر (صلی الله علیه و آله) به زنان سلام می‌کرد. ولی دوست نداشت به زنان جوان سلام کند و می‌فرمود: «می‌ترسم از صدای جواب سلام آنان خوشم بیاید و در این صورت، زبانی که بر من وارد می‌شود، بیش از ثوابی» باشد که از سلام کردن به آنان می‌طلبم.^{۱۷}

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) می‌فرماید: «من و عده‌ای از اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نزد ایشان بودیم که آن حضرت پرسید: «بهترین ویژگی زنان چیست؟» هیچ یک از ما نتوانستیم پاسخ دهیم تا اینکه جلسه به پایان رسید و از یکدیگر جدا شدیم. من به سوی فاطمه رفتم و او را از آنچه پیامبر (صلی الله علیه و آله) از ما پرسیده بود، آگاه کردم و گفتم: کسی از ما نتوانست به آن پاسخ دهد. فاطمه (علیها السلام) فرمود: «ولی من پاسخ آن را می‌دانم. بهترین ویژگی زنان این است که به «مردها نگاه نکنند و مردها نیز آنان را نبینند».

نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رفتم و عرض کردم: ای رسول خدا! شما پرسیدی چه چیز برای زنان بهتر است. من اکنون پاسخ آن را می‌گویم و همان

۱۷. کافی، ج ۲، ص ۶۴۸.

پاسخی را که فاطمه (علیها السلام) داده بود، بازگو کردم. آن حضرت فرمود: «تو وقتی نزد من بودی پاسخ این پرسش را نمی دانستی. چه کسی این پاسخ را به تو آموخت؟» عرض کردم: فاطمه. پیامبر (صلی الله علیه و آله) شگفت زده شد و فرمود: «به راستی که فاطمه پاره تن من است»^{۱۸}

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) فرمود: من و فاطمه (علیها السلام) محضر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رسیدیم، درحالی که حضرت به شدت می گریست. گفتم: «پدر و مادرم فدای شما، ای رسول خدا! چه چیزی شما را گریانده است؟» پیامبر فرمود: «ای علی! در شبی که به سفر آسمانی معراج رفتم، زنانی از امت خود را دیدم که در عذاب سختی بودند. پس برای شدت عذابی که [زنان امت] در آن گرفتار بودند، گریستم. آنجا زنی را دیدم که با موهایش در دوزخ آویزان شده بود، درحالی که . . مغز سرش می جوشید. . . و زنی را دیدم که گوشت خود را با قیچی هایی از آتش قطعه قطعه می کرد . . .»

فاطمه (علیها السلام) گفت: «ای حبیب من و ای نور چشمم! به من بگو عمل و رفتار آن زن ها چه بوده که خداوند این عذاب را بر آنها قرار داده است؟»

پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «ای دخترم! آن زنی که با موهایش آویزان شده بود، زنی بود که موی سرش را از مردان نامحرم نمی پوشاند. . . و آن زنی که گوشت خود را با قیچی ها پاره پاره می کرد، زنی بود که خود را در معرض مردان نامحرم قرار داده بود.»^{۱۹}

ماهواره عامل آسیب ها

۱۸. کشف الغمه، عیسی اربلی، ج ۲، ص ۹۴

۱۹. بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۴۷

پدر نباید ماهواره برای خانواده اش تهیه کند زیرا ماهواره که تبلیغ کننده فرهنگ بی بند و بار غربی است، در خانواده اثرات منفی فراوانی می گذارد. عامل طلاق میشود. عامل بی دینی و دور شدن از دین می شود. عامل بی احترامی به والدین می گردد. عامل هدف شدن شهوات و لذات بجای معرفت الهی و آخرت طلبی می شود. عامل خیانت زن و شوهر می گردد. عامل بلوغ زودرس جنسی می شود. عامل دشمنی با نظام اسلامی می گردد. و دهها آسیب دیگر.

اصل ششم: ضرورت تشویق نوجوان

تشویق معجزه می کند!

هرگاه فرزند ما کار خوبی انجام دادما باید از او تشکر کنیم و او را تشویق نماییم. این تشویق باعث میشود احساس خیلی خوبی به او دست بدهد و او را در مسیر درست تقویت نماید

در روایات آمده که وقتی به شخصی که کار خوبی انجام داده مرحبا و افرین بگوییم ثوابهای زیادی برای ما نوشته میشود.

تحسین و تشویق در مقایسه با تنبیه و تحقیر، اثرات بهتری به بار می آورد، علاوه بر این به نظر می رسد بسیار بجاست که در عین حال، در پی یافتن خطاهای نوجوان نیز باشیم. تشویق و تمجید بعضی از نیازهای اساسی را برطرف می کند، به گونه ای که نوجوانان همانطور که باید به طرز مناسبی تغذیه شوند و لباس بپوشند به این نیاز دارند که

کسی برای آنها اهمیت و احترام قائل شود، باور کنند که کسی نسبت به آنان متعهد است و به اندازه ▪ کافی دلسوز آنهاست و به شادی آنها فکر می کند، آنان باید احساس کنند که دوست داشتنی هستند

ایه الله فلسفی گفتند وقتی برای اولین بار در نوجوانی منبر رفتم یکی از روحانیون پای منبر محکم گفت احسنت!

این تشویق ایشان در من خیلی اثر مثبت داشت و باعث شده من در کارم پیشرفت بیشتری بکنم و قوت قلبی برایم شد تا سخنران خوبی بشوم.

پدر بنده (مولف) هم که روحانی بودند گاهی ما در نوجوانی با ایشان مسجد می رفتیم یکدفعه بدون مقدمه می گفت برو منبر سخنرانی بکن! در حالی که سن ما دوازده سیزده سال بود! ما هم منبر می رفتیم و هرچی بلد بودیم می گفتیم کم کم به ما می گفتند شریعتی دوم! چون مثل مرحوم دکتر شریعتی، تند تند سخنرانی می کردیم!

مدیر حوزه علمیه مرکز استانی بودم طلبه های پایه 1 تا 6 را تشویق کردیم یک کتاب بنویسند. در مدت دوماه سی جلد کتاب نوشتند!

ادیسون در خاطرات خود می گوید که کامیابی و سخت کوشی او مدیون تشویق و پشتیبانی مادرش بوده است. در جایی می گوید: اگر مادرم مرا تشویق نمی کرد مخترع نمی شدم

نمونه هایی از تشویق نوجوانان دانش آموز

از جمله نمونه های تشویق نوجوانان دانش آموز، وقتی است که یک معلم به والدین دانش آموزی تلفن می زند و موفقیت و پیشرفت فرزندشان را برای آنان توضیح می دهد. یا هنگامی که کل کلاس در یک پروژه تلاش زیادی به خرج می دهند، انجام یک پذیرایی به صورت غافلگیرانه، می تواند پاداشی باشد که احساس اجتماعی را در کلاس تحریک می کند. پاداش ها می توانند قراردادی با یک دانش آموز ویژه باشند یا به یک کلاس پیش نهاد گردند یا برای قدردانی از یک دستاورد و موفقیت همگانی در کل مدرسه به کار گرفته شوند. مشاوران یا معلمان ممکن است با دانش آموزان قرارهایی انفرادی بگذارند تا رفتارهای نامناسب آن ها را از قبیل: دعوا کردن، عدم تکمیل تکالیف، راه رفتن در کلاس یا مدرسه گریزی، خاموش سازند. مشارکت دادن دانش آموزان در تنظیم هدف، علاقه آن ها را در رسیدن به آن هدف افزایش می دهد.

تشویق دانش آموزان در مقابل کل دانش آموزان مدرسه می تواند به خاطر رسیدن به یک هدف

بزرگ مثل رسیدن به مرز خواندن ۱۰۰۰ عنوان کتاب توسط یک دانش آموز باشد. تشویق چنین دانش آموزی همراه با یک جشن می تواند به رویدادی ویژه برای همه دانش آموزان تبدیل گردد.

اگر از ما پرسند بهترین خاطرات شما از زمان نوجوانی مربوط به چیه؟ معمولاً آن مواقعی که تشویق شدیم و در مقابل دیگران اسم ما را خواندند و به ما جایزه دادند جزو بهترین خاطرات نوجوانی است!

ولی بر عکس تشویق که اثر مثبت در تربیت نوجوان دارد، تحقیر او ضربه ای هولناک در تربیت نوجوان بشمار می آید. اسلام گفته اکرموا اولادکم! فرزندان خود را اکرام و محبت کنید ولی تحقیر نقطه مقابل این توصیه مهم است!

انواع تحقیر:

1- برچسب زدن

روی فرزند خود اسم نگذارید. برای مثال اگر شما او را با الفاظی هم چون "تنبل"، "بی خیال"، "بی

عقل" و... صدا می زنید، در واقع در حال لطمه زدن به عزت نفس او هستید. شاید با خود فکر کنید

که این رفتار تان او را تحریک می کند تا به شیوه متفاوتی عمل کند؛ اما در حقیقت این کار باعث

تحقیر فرزندتان می شود. به مرور زمان او نیز این صفات را در خود می پذیرد و در نتیجه به عزت

نفس و خودپنداره او لطمه می زنید.

با طعنه و کنایه حرف زدن

با فرزندتان رو راست باشید. خیلی از خانواده‌ها نمی‌توانند بدون جنگ و دعوا در مورد مشکلی با

فرزندشان صحبت کنند، به همین دلیل دائما به او طعنه می‌زنند و غیرمستقیم انتقاد می‌کنند. سعی

کنید به جای تحقیر نوجوان در مورد رفتار ناپسندش گفت‌وگو کنید و علت بد بودن و پیامدهای

رفتارش را به او گوشزد کنید. سبک فرزندپروری و رابطه‌ای که از دوران کودکی با وی داشتید،

بسیار در تاثیر گذاری نصایح شما تاثیر دارد.

3-انتقاد در جمع

هیچ کس از این که در جمع مورد انتقاد قرار بگیرد خوشحال نمی‌شود. اکثر افراد در این شرایط

احساس شرمندگی و تحقیر شدن می‌کنند. اما باید بدانید که اهمیت این موضوع برای فرد در دوره

نوجوانی دو چندان می‌باشد زیرا در دوره نوجوانی افراد به تصویرشان نزد دیگران بسیار اهمیت

می‌دهند و در واقع این تصویر پایه‌های اصلی خود پنداره (تصویر فرد از شخصیت خود) و عزت

نفس او را تشکیل خواهد داد. شما با تخریب این تصویر نزد دیگران، ناخواسته ضربه مخربی به همه

ابعاد شخصیت وی وارد می کنید

ی عدالتی و تبعیض والدین در تربیت فرزندان(قسمت پایانی)

تبعیض قائل شدن بین فرزندان می تواند مشکلات زیادی را برای فرزندان ایجاد کند لذا والدین

موظف هستند به گونه رفتار کنند که فرزندان دچار احساس تبعیض نشوند همچنین والدین در

صورتی که با این مسئله مواجه شدند باید به دور از هرگونه رفتار هیجانی سعی در علت یابی مشکل

.کنند و ارتباط خود را با فرزندشان به گونه ای بهتر شکل دهند

روش های جلوگیری از فرق گذاشتن بین فرزندان ●

به تفاوت‌های بین فرزندان توجه داشته باشند¹

این تفکر که نباید هیچ تفاوتی میان فرزندان قائل شد و با همه آنها به یک صورت رفتار کرد، امری

غیر ممکن و غیر منطقی است زیرا هر فردی ویژگی‌های منحصر به فردی از همان زمان تولد به همراه

دارد، این تفاوت‌های فردی هر کدام برخورد خاص خود را می‌طلبد. پس در مورد هر کدام از

فرزندان باید متناسب با جنسیت، سن، موقعیت خانواده و رفتاری متفاوت داشت

به یک میزان به فرزندان توجه کنید²

والدین باید به یک میزان به فرزندان توجه کنند اگر به یکی از فرزندان کمتر توجه شود

استعدادهایش کشف نشده باقی خواهد ماند

تغییر انتظارات والدین از فرزندان

زمانی که انتظارات والدین از هر کدام از فرزندان بر اساس استعداد او، شکل گرفته باشد، دیگر

فرزندان نیازی نمی‌بینند برای برآورده کردن انتظارات پدر و مادرشان از خواهر و برادر خود تقلید

کنند. در این شرایط دیگر شاهد حسادت بچه‌ها نسبت به یکدیگر نخواهید بود.

از فرزندان شناخت کافی داشته باشید⁴

هر کدام از فرزندان در زمان‌های متفاوتی به والدین نیاز دارند و بر اساس شخصیت و تفاوت‌هایی که

دارند، نوع همدردی و حضور متفاوتی را می‌طلبند. پدر و مادرها بیشتر از روی ناآگاهی به چگونگی

رفتار، در دام تبعیض می‌افتند. بهتر است والدین عوامل ایجاد تفاوت‌ها را بشناسند و بر اساس این

تفاوت‌ها با فرزندان رفتار کنند.

آثار شوم بی عدالتی نسبت به نوجوانان و تحقیر آنان

«خانمی می نویسد: یکی از بستگان ما، دو دختر داشت، یکی باهوش و دیگری کم هوش.

هر دو به دبستان می رفتند. دختر بزرگ که کم هوش بود، غالباً نمره های بدمی آورد، اما دختر کوچکتر نمره های خوب. مادر آنها پیش هر کس می نشست، از دختر کوچک تعریف می کرد و از دختر بزرگ بدگویی.

دختر کوچک را نوازش می کرد و آفرین می گفت و به دختر بزرگ می گفت: خاک بر سرت، دختر گنده بی عرضه! پولها را حرام می کنی و چیزی یاد نمی گیری. حیف از این غذاها که می خوری و لباسها که می پوشی. بدبخت تنبل! آخر تو چه خواهی شد!

دختر بزرگ، اکنون شوهر کرده و مادر چند فرزند است، اما یک زن طبیعی و سالم نیست، احساس حقارت دارد، ساکت و منزوی است. در مهمانیها گوشه ای می نشیند و حرف نمی زند. وقتی به او می گوئیم: تو هم چیزی بگو، آهی می کشد و می گوید: چه بگویم؟

قبلاً چند مرتبه او را پیش دکتر برده اند. پزشک پس از معاینه و گفتگو به آنها گفت: این دختر خانم مریض نیست، بلکه پدر و مادرش مریض هستند که این دختر بی گناه را به چنین روزی انداخته اند.

یک روز دکتر از او پرسید:

آیا می توانی غذا درست کنی؟ دختر شروع به گریه کرد و گفت: می توانم، اما هر وقت غذایی درست می کنم، پدر و مادرم به آن اعتنایی نکنند و می

گویند: ما شاء الله به خواهرش، او خوب می تواند غذا درست کند...! «الگوهای
تربیت ص 157»

اصل هفتم: بیکاری برای نوجوان خطرناک است

در قرآن آمده وقتی از کاری فارغ شدی به کار دیگر مشغول شو

و اذا فرغت فانصب (شرح ایه 7)

آیت الله سبحانی با اشاره به آیه «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ» تأکید کرد این آیه بیانگر این است که در اسلام تعطیلی وجود ندارد و مسلمان همیشه باید در تلاش باشد، زمانی که از عملی فارغ شد به عملی دیگر مشغول شود.

در روایت است که خداوند ادم بیکار را دشمن می دارد

از امام موسی بن جعفر (علیه السلام) نقل شده است که فرمود: ان الله تعالى ليغض العبد النوام ، ان الله ليغض العبد الفارغ : (خداوند بنده پر خواب را مبعوض می شمرد، خداوند انسان بیکار را دشمن می دارد)²⁰

امیرالمومنین (ع) می فرمایند

اگر کار، سخت و توانفرساست، بی کاری دایمی هم فسادآور است

در روایت است پیامبر رد میشدند و جوانی بیکار را دیدند به او سلام نکردند ولی درموقع برگشت دیدند ان جوان سنگی به دست گرفته و روی زمین چیزهایی می نویسد به او سلام کردند چون بیکار نبود!

چرا؟ یکی از دلایل ان این است که ادم بیکار زمینه خلاف را بیشتر از ادمی که مشغول کار است دارد.

نوجوانی که بیکار است و گوشی هم در اختیار دارد یا دوستان نابابی دارد دچار انحراف میشود.

مادری می گفت مدتی پسر نوجوانم در رو خودش می بنده و من از پنجره شاهد خودارضایی او بوده ام و نمی دانم چکار کنم!

یکی از روحانیون می گفت من و برادرانم در نوجوانی هیچ بیکار نبودیم. یا درس می خواندیم یا در خانه قرآن حفظ می کردیم یا کتابهای مفید می خواندیم. در تابستان ها که درس نداشتیم خوراکی مثل ساندویچ یا باقلوا و زولبیا و امثال ان می فروختیم. یا در مغازه ها کار می کردیم. من در چلوکبابی

سه ماه کار کردم در کیک پزی و سوهان پزی کار کردم. و درایام جبهه هم در نوجوانی بارها به جبهه می رفتیم.

اصولا نوجوانان دوست دارند به آنها کاری سپرده شود تا آنان ان را انجام دهند و مورد تشویق قرار بگیرند. منهی نوجوانان در این زمینه یک سلیقه واحد ندارند. بعضی از کارهای خانه مثل خرید نان و مایحتاج ضروری منزل، استقبال می کنند و بعضی خوششان نمی آید ولی از فوتبال و ورزشهای رزمی خوششان می آید. اگر از صبح تا شب فوتبال کند خسته نمیشود!

بعضی ها از کار در مغازه ها

یا شرکت ها خوششان می آید و...

در هر حال نوجوان باید در ایام فراغت به کار مفیدی مشغول باشد. و درآمد بدست بیاورد و از همین سالها طعم شیرین به دست آوردن درآمد از کار مفید را احساس نماید که این احساس در تربیت او بسیار مفید است و در آینده ادم بیعاری نمیشود.

اصل هشتم:

بدست آوردن گنجی بزرگ بنام عشق به خدا

کافی است فرزند ما بجای عشق های کاذب و دروغین که سرانجامی ندارد عشق به خدا داشته بشد و با مهربانی بی نهایت خدا آشنا شود. با رحمت واسعه الهی او انس گیرد.

بداند که

يَا حَيِّبَ مَنْ لَا حَيِّبَ لَهُ

يَا طَيِّبَ مَنْ لَا طَيِّبَ لَهُ
يَا مُجِيبَ مَنْ لَا مُجِيبَ لَهُ
يَا شَفِيقَ مَنْ لَا شَفِيقَ لَهُ
يَا رَفِيقَ مَنْ لَا رَفِيقَ لَهُ
يَا مُغِيثَ مَنْ لَا مُغِيثَ لَهُ
يَا دَلِيلَ مَنْ لَا دَلِيلَ لَهُ
يَا أُنَيْسَ مَنْ لَا أُنَيْسَ لَهُ
يَا رَاحِمَ مَنْ لَا رَاحِمَ لَهُ
يَا صَاحِبَ مَنْ لَا صَاحِبَ لَهُ

خدا دوستدار کسی است که دوستی ندارد. طیب کسی است که طیبی ندارد. اجابت کننده کسی است که اجابت کننده ای ندارد. مهربان است نسبت به کسی است که کسی را ندارد به او مهربانی کند. رفیق کسی است که رفیقی ندارد. فریادرس کسی است که فریاد رسی ندارد. راهنمای کسی است که راهنمایی ندارد. انس گیرنده با کسی است که کسی نیست با او انس بگیرد. رحم کننده به کسی است که کسی به او رحم نمی کند. همراه کسی است که کسی با او همراهی نمی کند.

یکی از مهمترین فرق بین انسان و حیوان، این است که در انسان عشق به خدا نهاده شده است و ریشه دارد و اگر موانعی سر راه رشد این عشق نباشد، به صورت شگفت انگیزی به کمال رسیده و انسان را به بالاترین لذتها و مهمترین مقامات معنوی و بالاترین سعادت ها می رساند.

هدف از خلقت انسان هم در حقیقت همین است که انسان عاشق خدا شود و با عشق بازی با خداوند لطیف و جمیل، به لذت بی نظیری که در هیچیک از لذتهای مادی نیست دست پیدا کند.

انسان عاشق خدا، انسان عجیبی است. او شبانه روزش را به یاد معشوقش یعنی خداوند زیبا، می گذراند و هیچیک از لذتهای دنیا برای او ارزشی ندارد.

مَنْ طَلَبَنِي وَجَدَنِي هر کس مرا بجوید ، خواهد یافت

وَمَنْ وَجَدَنِي عَرَفَنِي وهرکس مرا یافت ، می شناسد

وَمَنْ عَرَفَنِي احَبَّنِي وهرکس مراشناخت ، دوستدار من می شود

وَمَنْ احَبَّنِي عَشَقَنِي وهرکس دوستدار من شد ، عاشقم می شود

وَمَنْ عَشَقَنِي عَشَقْتُهُ وهرکس عاشقم شود ، عاشقش می شوم

وَمَنْ عَشَقْتُهُ قَتَلْتُهُ وهرکه را عاشق شدم ، می کشمش

وَمَنْ قَتَلْتُهُ فَعَلَيْ دَيْتُهُ وهرکس را کشتم ، دیه او بر من است

وَمَنْ عَلَيَّ دَيْتُهُ فَاَنَا دَيْتُهُ وهرکه دیه او بر من است من خودم دیه او هستم

آن کس که تو را شناخت جان را چه کند فرزند و عیال و خانمان را چه کند

دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی دیوانه تو هر دو جهان را چه کند

خداوند حکیم ما انسان ها را خلق کرد تا او را عبادت کنیم و با عشق و محبت ارتباط برقرار کنیم و او را از ار هر چه نقص و بدی است ، پاک و منزّه بدانیم و او را مالک و صاحب عالم هستی بدانیم و همه نیازهای خود را از او بخواهیم و خلاصه در همه حال بیاد او باشیم و با او عشق بازی کنیم. و این حالت از ابتدای تکلیف انسان باید باشد تا زمان مردن و انتقال از دنیا به آخرت

اگر انسان به این درجه از فهم و معرفت و شناخت و ارتباط قوی با خداوند زیبا و لطیف برسد یقینا در طول زندگی دنیوی همیشه با نشاط و پویا و امیدواری بسیار بالا خواهد بود و هیچگاه ناامید و مایوس و شکست خورده نخواهد شد.

لذت بخش ترین لذتها

همه پیامبران آمدند رابطه انسان را با خدا برقرار کنند زیرا خوشبختی انسان در این است که با خدای خویش ارتباط داشته باشد که هرچه این ارتباط عمیق تر و عاشقانه تر باشد انسان کاملتر و سعادتمندتر می گردد انسان باید خدا را معشوق خود قرار دهد و بداند که فقط خدا لایق عشق و رزی است. و فقط او شایسته عشق و رزی است.

حال اینکه از چه راهی نوجوان خودمان را با عشق الهی آشنا نماییم راه های مختلفی وجود دارد. اگر نوجوان ما نمازخوان شود و در نماز به خضوع و خشوع دست یابد قدم بزرگی در بدست آوردن عشق الهی برداشته است.

البته وضعیت خانواده ها در این مساله تاثیر گزار است.

، در پژوهشی به بررسی «راه های توسعه و ترویج فرهنگ اقامه نماز در بین دانش آموزان دختر دبیرستان های شهر تهران»، (1392) مرادی و موسی پور پرداخته و به این نتیجه دست یافته اند که دانش آموزان مناطق پایین شهر و دانش آموزان مدارس دولتی، گرایش بیشتری نسبت به نماز دارند، عوامل خانوادگی (نمازخواندن پدر و مادر و شرکت آنها در مراسم های مذهبی) و همچنین عوامل درون مدرسه ای (برگزاری نماز اول وقت و وضعیت نمازخانه)، در گرایش به نماز مؤثر هستند

اصل نهم: تربیت دینی نوجوان

ما مسلمانان بهترین دین را داریم. دینی که جوابگوی همه نیازهای مادی و معنوی انسان است. دینی که ادعا می کند:

إِنَّ هَٰذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا (اسراء ایه 9)

همانا این قرآن (خلق را) به راست و استوارترین طریقه هدایت می کند و اهل ایمان را که نیکوکار

باشند به اجر و ثواب بزرگ بشارت می دهد

عمل به توصیه های اسلام مساوی است با سعادت در دنیا و آخرت.

ولی دشمنان اسلام چهره نادرستی از اسلام می سازند لذا نوجوان مسلمان ضد اسلام می شود!

انحرافات اعتقادی

یکی از خطرات سر راه نوجوانان، انحرافات اعتقادی است. که از مسخره کردن اذان و نماز و روحانی و غیره شروع میشود تا زمانی که فرد مرتد می گردد و کلا اسلام و دین و خدا را نفی می نماید

انحرافات اعتقادی از انحرافات اخلاقی خطرناک تر است چون مفسد اخلاقی با توبه درست میشود ولی کسی که خدا را قبول ندارد دیگر کافر حساب میشود

پدرانی هستند نمازخوان ولی می گویند دختر یا پسر ما لایک شده و نماز را مسخره می کند و...

این فرزندان از صبح تا شب فقط دنبال شهوات و لذات و دوست پسر و دوست دختر و.. هستند

جوانی می گفت من هفت تا دوست دختر دارم! هرچی می می خواهم از آنها جدا شوم آنها من رو ول نمی کنند!

علت انحراف اعتقادی نوجوان یا به بی توجهی پدر بر می گردد که فرزند خود را کاملاً ازاد گذاشته است و اوهم راه کج را انتخاب کرده یا به رفیق منحرف یا معلم منحرف و دیگر عوامل بر می گردد. پدران یا مادرانی هستند که از بی توجهی فرزندانشان به نماز و حجاب می نالند و از کارهای زشت و افکار انحرافی آنها شاکیند.

یکی از علل انحرافات اعتقادی این است که دشمنان از روحانیت چهره بدی در اذهان نوجوانان می سازند. و روحانیت را عامل عقب ماندگی و دشمن آزادی مطرح نموده اند!

دختری با من تماس گرفت و ضمن صحبتهایش می گفت شما اخوندا داعش هستید! این دختر اهل شراب بود. حجاب درستی نداشت. نماز نمی خواند و..

طی چند جلسه صحبت با ایشان، ذهنیت ایشان تغییر کرد و نسبت به روحانیت خوش بین شد و ماه رمضان روزه گرفت و قرآن می خواند و..

روحانی خانواده

همانطور که می گویند پزشک خانواده لازم است روحانی خانواده هم لازم است که خانواده با یک روحانی خوبی همیشه در تماس باشند. روحانی می تواند در کارهای مختلف که خانواده می خواهند انجام بدهند مشاوره رایگان بدهد. گاهی برای فرزندان مشکلاتی پیش می آید روحانی راهنمای خوبی خواهد بود و خانواده هایی که با روحانیت ارتباط دارند موفقیتشان بیشتر است.

نوجوانانی بودند که دچار انحراف اخلاقی یا انحراف اعتقادی بودند ولی با راهنمایی ما در مسیر درست قرار گرفتند.

جوانی معتاد بود با راهنمایی که از ایشان کردیم ایشان اعتیاد را ترک کرد و اهل نماز و مسجد و خمس و.. شده والان مغازه باز کرده و زندگی خوبی دارد.

-آشنا کردن فرزند با خدا و آموزه های مذهبی

برای پرورش حس مذهبی فرزندان باید چند مرحله را طی کرد:

- 1- آنها را با استدلال ساده با خدا آشنا نمائیم.
- 2- خدا را با صفات نیکویش مانند رحمان و رحیم و آمرزنده بودن معرفی کنیم.
- 3- از دوستی خدا با آنها حرف بزنیم. «ای پیامبر بگو: اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا هم شما را دوست داشته و گناهانتان را بپارزد و خدا آمرزنده و مهربان است». آل عمران 31
- 4- نوجوانان را به عبادات واجب و مستحب عادت داده و نماز را از هفت سالگی به آنها آموزش دهیم.

اگر پرورش مذهبی نوجوان از دوازده سالگی بدرستی انجام پذیرد، او در 16 سالگی یک فرد معتقد و با ایمان خواهد بود و با این احساس می‌تواند در مقابل تمایلات نفسانی و شهوات، مقاومت کند و از تندروی و طغیان برکنار بماند. اما برعکس، نوجوانی که احساسات مذهبی‌ش مورد حمایت و پرورش قرار نگرفته و احیاناً سرکوب شده باشد، نوجوانی که خواهش معنوی‌ش ارضاء نگشته و نور ایمان، ضمیرش را روشن ننموده باشد، در 16 سالگی محکوم تمایلات غریزی و شهوی خواهد بود و عواطف مذهبی پرورش نیافته‌اش قادر نیست او را در مقابل انحرافات ایمنی بخشد.

عبادات واجب و مستحبی که در اسلام تشریع شده و همچنین دعا و نیایش در پیشگاه الهی از عوامل مؤثر در تحکیم دوستی و محبت پروردگار است. نماز ارتباط دهنده انسان به خالقش می‌باشد. نماز گزار روزی چند بار به پیشگاه خدا می‌رود و مراتب دوستی خود را با محبوبش تجدید می‌کند.

اگر گناہانی کرده آنها را بوسیله نماز پاک می‌کند و اگر چند قدمی از خدایش دور شده، بوسیله نماز بعدی به خدایش برمی‌گردد. خدای واقعی آنقدر رحمت و عطوفت دارد که باب توبه بر روی همه گشوده است. اگر انسان آلودگی پیدا کرد، راه بازگشت به پاکی و خدا باز است. حتی اگر توبه را شکست و باز آلوده شد، باز هم راه بازگشت دارد و با اصطلاح: اگر صدبار توبه شکستی باز آی! خالق که در گرفتاریها و سختیهای زندگی، تکیه‌گاه انسان است.

علی (ع) می‌فرماید: «یا مَنْ عَلَيْهِ مُعَوَّلٍ!» ای تکیه‌گاه من! «یا مَنْ إِلَيْهِ شَكْوَتُ أَخَوَالِي!» ای کسی که گرفتاریهایم را فقط به او می‌گویم. این دین صحیح و ایمان واقعی است که انسانها را از انحرافات و آلودگیها دور و پاک کرده و آنها را سعادتمند می‌نماید.

اما بدبختانه دنیای امروز به تمایلات مذهبی جوانان نه تنها کار ندارد بلکه با انواع برنامه‌های انحرافی این حس را در میان جوانان از بین می‌برد. دنیای غرب آنطور که برای یک کالای صنعتی سرمایه گذاری کرده و اهمیت قائل می‌شود، برای تربیت صحیح و پرورش حس مذهبی ارزش وارجی قائل نمی‌شود.

تربیت فرزند بر اساس تربیت دینی

اولین نکته برای آرامش خانواده و دوری از رفتارهای ناپسند جوان، شناخت روان جوان و آگاهی از مقتضیات جوانی است. فرزند جوان، مطابق میل طبیعی، عاشق استقلال و تشخص است. می‌خواهد هرچه زودتر خود را از محدودیتهای دوران کودکی رها سازد و به گروه بزرگسالان پیوندد و مانند آنان مستقل باشد. او خواسته خود را بر زبان نمی‌آورد! ولی اگر به مقصود خود نائل نشود و به حق طبیعی خود، دست نیابد، سرکشی و طغیان می‌کند، به کارهای غیر عادی دست می‌زند، بد رفتار و تندخو می‌شود و با زبان حال می‌گوید:

به شخصیت من احترام بگذارید! مرا مستقل و آزاد بشناسید! با من همانند یک فرد بزرگ برخورد کنید!

در سخن پیامبر (ص) است که فرمود: «فرزند، هفت سال آقا است. هفت سال بنده است و هفت سال هم وزیر است».

طفل هفت سال اول بر پدر و مادرش حکومت می کند! زیرا فکرش نارساو جسمش ناتوان است. پدر و مادر باید با دیده رافت به او نظر کنند و ناچارند که خواسته های او را برآورده سازند.

در هفت سال دوم، تغییرات قابل ملاحظه ای در تن و روان کودک پدید می آید. جسمش قوی می شود و درکش رشد می کند و تا اندازه ای خوبیها و بدیها را می فهمد. لذا مورد مؤاخذه والدین و مربی و آموزگار قرار می گیرد. و چون عقلش بخوبی شکفته نشده و صلاح و فساد خود را به درستی تشخیص نمی دهد، پدر و مادر آمرانه به او تذکر داده و او باید فرمان والدین را اطاعت کند.

اما در هفت سال سوم نشانه های جوانی و بزرگسالی در او پدید می آید. لذا احساس مسئولیت می کند و در تدبیر زندگی همکار والدین می باشد.

از بکار بردن کلمه وزیر چند نکته را می فهمیم:

الف - جوان تشخیص طلب و استقلال جو است.

ب - نباید با او آمرانه برخورد کرد.

هیچ چیز بیش از حق رأی در تربیت آنان مؤثر نیست. باید در خانه و مدرسه به آنها حق اظهار عقیده داده شود. البته استقلال دادن به جوان به این معنا نیست که وی در تمام اعمالش آزاد باشد تا به میل خود به هر محیط فاسدی برود، زیرا جوان که عقلش نسبت به احساساتش ضعیف است، همواره در معرض سقوط قرار دارد. جوان اغلب پایان کار رانمی بیند و از تشخیص بسیاری از بدیها و خوبیها عاجز است. پس مراد از وزیر بودنش آن است که هم شخصیتش مورد احترام باشد و هم اختیار صد در صد نداشته باشد، بلکه تصمیم نهایی با والدین است.

سختگیری بی مورد، زورگویی و ستم، تعدی و خشونت والدین نسبت به جوان یکی از دو نتیجه را به بار می آورد:

الف - جوان بر اثر فشارهای طاقت فرسای روحی و نظارتهای خسته کننده والدین، نیروی مقاومت خود را از دست داده و تسلیم شرائط موجود می شود. او اگر چه سازگار و سربزیر می شود ولی استعدادهای خود را از دست می دهد و یک انسان نالایق بار می آید.

ب - جوان در مقابل سختگیری ها می ایستد که در نتیجه باعث اختلاف در خانواده می شود. عریده ها و فریادها، تندی و خشونت، اشک و زاری، هیجان و ناراحتی برنامه عادی چنین خانه هایی خواهد بود!

بعضی پدران بخاطر عقده خود کم‌بینی، خشن و تندخو هستند. برای ابراز قدرت در خانه، با اهل منزل بدرفتاری می‌کنند، فریاد می‌کشند، دشنام می‌دهند. گاهی بچه‌ها را کتک می‌زنند! و گاهی در محیط منزل ایجاد رعب و هراس می‌کنند! لغزش یا اشتباه کوچک را بزرگ تلقی کرده و چشم‌پوشی نمی‌کنند. مثلاً پدر اگر بخواهد بخوابد، انتظار دارد که همه اهل خانه ساکت باشند و اگر صدایی بلند شود، طوفان بپا می‌کند! ولی اگر دیگران خواب باشند، استراحت دیگران برایش ارزشی ندارد! کودکان این خانه‌ها بر اثر سختگیری بی‌مورد والدین، خشمگین و عصبی بار می‌آیند و همواره در خود احساس حقارت نموده و این حس بصورت عقده در آنها باقی می‌ماند!

البته تا کوچک هستند نمی‌توانند در مقابل رفتار خشن پدر نیرومند خود عکس‌العملی نشان دهند، اما زمانی که پا به سن جوانی می‌گذارند، برای اینکه در خانه بخاطر عقده حقارت خود، ابراز وجود کنند، کانون خانواده را به محل مشاجره و ناسازگاری تبدیل کرده و کار به آنجایی کشد که فرزند در مقابل پدر می‌ایستد! راه حل این معضل به دوطرف برمی‌گردد. دو طرف باید خودسری و لجاج را ترک کنند و از تمایلات نادرست خویش چشم‌پوشند تا بتوانند با همکاری یکدیگر مشکلات را حل کنند.

در بررسی روی 105 پسر و دختر جوان که خلاف بزرگی را انجام داده بودند، متوجه شدند که تقریباً 91 درصد جوانان مجرم از اختلالات عاطفی شدید رنج می‌برند. یعنی هم از حیث عاطفی مورد بی‌مهری قرار گرفته بودند و هم احساس ناامنی و حقارت داشتند!

اصل دهم: استفاده از تغافل

تغافل یا تقابل؟

یکی از شیوه‌های تعلیم و تربیت، «تغافل» است. تغافل یعنی انسان چیزی را بداند ولی به عمد وانمود کند از آن بی خبر است و خود را به غفلت بزند. در پیش گرفتن این اصل در هنگام برخورد بانوجوان، موجب می شود عزت نفس او حفظ شود اما با تقابل و برجسته کردن ضعف‌هایش، عزت نفس او را در هم شکسته ایم. که در بسیاری از مواقع با جریحه دار کردن احساسات او باید منتظر لجajتش باشیم.

جالب اینجاست که در اکثر اوقات نوجوانان به علت علم و آگاهی اندک دچار اشتباه می شوند و عمد و قصدی در کار نیست.

همانطور که حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند: «جَهْلُ الشَّبَابِ مَعْدُورٌ، عِلْمُهُ مَحْقُورٌ» (ناآگاهی نوجوانان پذیرفته و دانش آنان ناچیز است) ۱

پس در هنگام برخورد با خطا و اشتباه نوجوان که آسیبی متوجه خود و دیگران نکرده است، اصل تغافل را در پیش بگیرید.. همچنین از حضرت علی (علیه السلام) روایت شده که فرمودند: «أَشْرَفُ أَخْلَاقِ الْكَرِيمِ تَغَافُلُهُ عَمَّا يَعْلَمُ»؛ (از برترین اخلاق انسان بزرگوار، تغافل او از دانسته های خویش است). ۲۰

غرر الحکم و درر الکلم، ص 339-۳۴۱

اصل یازدهم: ممانعت از وابستگی نوجوان به موسیقی

موسیقی فرزندان ما را از دین دور می کند!

اگرچه فقهاء موسیقی را به موسیقی حلال و موسیقی حرام تقسیم کرده اند ولی اسلام با موسیقی مخالف است حتی حلال آن! لذا در زندگی پیامبر اکرم و اهل بیت علیهم السلام جایی برای موسیقی دیده نشده است و هیچوقت از موسیقی استفاده نکردند. و نگذاشتند فرزندان آنها از موسیقی استفاده کنند

لذا نباید اجازه دهیم نوجوان ما به کلاس موسیقی برود یا در شبانه روز ساعتهای زیادی از موسیقی استفاده نماید.

— امام خمینی: از جمله چیزهایی که مغز جوانها را تخدیر می کند، موسیقی است... انسان را از جدیت بیرون می برد. یک جوانی که عادت کرده روزی چند ساعت را با موسیقی سروکار داشته باشد، از مسائل جدی به کلی غافل می شود.»

1- «پیامبر اسلام (ص): غنا (موسیقی حرام) پله کان زنا است.»

2- «امام صادق (ع): خبیث ترین مخلوق خدا، غنا (موسیقی حرام) است. و بدترین مخلوق خدا غنا است که باعث فقر و نفاق می شود.»

3- «امام صادق(ع): خانه‌ای که در آن غنا(موسیقی حرام) باشد، از فاجعه‌ایمن نمی‌باشد و دعا در این خانه مستجاب نمی‌شود و ملائکه به این خانه وارد نمی‌گردند.»

10 بعضی از دانشمندان هم بر ضررهای موسیقی تاکید نموده اند.

ضعف اعصاب و اختلال حواس و بی ارادگی از عوارض موسیقی

«دکتر ولف آدلر، پروفیسور دانشگاه کلمبیا می‌گوید: بهترین و دلکش‌ترین نو‌اهای موسیقی، شوم‌ترین آثار را روی سلسله اعصاب انسان باقی می‌گذارد.»

«دکتر آلکسیس: اصولاً شنیدن موسیقی و کنسرت، در اعصاب اثر تخریری ایجاد می‌کند. این اثر گاهی آنچنان شدید است که شنونده را مانند افراد بهت زده می‌سازد و لذت فوق العاده‌ای که افراد از آن می‌برند از همین اثر تخریری است و روشن است که اینگونه تخریرها زیانهای فراوانی دارد و اگر شدت یابد گاهی ممکن است عقل و اندیشه را اسیر جذبه آهنگهای تند موسیقی کند و دیگر نتواند خوب و بد را از هم تشخیص دهد و بی پروا دست به حرکات و اعمال ناشایست بزند و در آن حال نتواند به عواقب وخیم آن بیاندهد.»

گاهی موسیقی باعث جنایت می‌شود.

افرادی بودند که بعد از گوش دادن موسیقی دچار هیجان روحی شدند و دست به جنایت زدند.

احادیث درباره موسیقی

قال رسول الله - صلى الله عليه و آله

. أَنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ وَ لِمَحَقِّ الْمَعَازِفِ وَ الْمَزَامِيرِ وَ أُمُورِ الْجَاهِلِيَّةِ

:رسول خدا - صلى الله عليه و آله - فرمود

. خداوند مرا مبعوث کرد تا رحمتی برای جهانیان باشم و ساز و نی‌ها و امور جاهلیت را نابود سازم.

ال رسول الله - صلى الله عليه و آله

يُحْشَرُ صَاحِبُ الطَّنْبُورِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ هُوَ أَسْوَدُ الْوَجْهِ وَ بَيَّده طَنْبُورٌ مِنْ نَارٍ وَ فَوْقَ رَأْسِهِ سَبْعُونَ أَلْفَ .
ملك، بيد كُلِّ مَلِكٍ مَقْمَعُهُ يَضْرِبُونَ رَأْسَهُ وَ وَجْهَهُ

:رسول خدا - صلى الله عليه و آله - فرمود

دارنده طنبور (نوعی از آلات موسیقی) روز قیامت محشور می شود در حالی که صورتش سیاه و در دستش طنبوری از آتش است و بالای سرش هفتاد هزار فرشته قرار دارند که در دست هر کدام از آنها عمودی آهنین است که بر سر و صورتش می زنند.

سوال: پس چرا می‌کنند در عروسی حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها دف می زدند و ساز و آواز بوده است؟

جواب: آنچه از کتب معتبر در مورد نحوه برگزاری مراسم عروسی حضرت زهرا و علی علیهما السلام وارد شده تنها این است که در شب عروسی، دختران عبدالمطلب و بنی هاشم و زنان مهاجر و انصار و در پیشاپیش آنان، زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) عروس نور را در این راه همراهی می کردند. ام سلمه، عایشه، حفصه و معاذه برای این عروس و داماد شعر می خواندند. دیگران نیز اول بیت هر شعری را تکرار می کردند و تکبیر می گفتند. (بحارالانوار: ج 43، ص 97) این روایت نشان می دهد که در عروسی آن بزرگواران دست زدن و صوت زدن در کار نبوده است. آنچه در باره ازدواج حضرت زهرا (علیها السلام) از تاریخ و احادیث معتبر استفاده می شود، این است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در شب عروسی دختر گرامی شان به زنان دستور دادند اظهار خوشحالی کنند؛ ولی چیزی که موجب خشم خداوند باشد، انجام ندهند. گفته شده که عایشه و برخی از زنان، اشعاری در فضیلت و مقام حضرت زهرا (علیها السلام) می سرودند و اظهار سرور و شادمانی می کردند. (بحارالانوار، ج 43، ص 115). و مسئله دف و دایره زنی در احادیثی که هیچ سند و اعتباری ندارد، بیان شده است. (دعائم الاسلام، ج 2، ص 206). و اما احادیثی که بیان میکنند در مراسم این حضرات دف وجود داشته است مربوط به اهل سنت میباشد. زیرا که اهل سنت غنا و دف زنی را در مراسم شادی و بخصوص هنگام بازگشت از جنگ حلال میدانند. (سنن نسایی، ج 3، ص 194؛ صحیح بخاری، ج 6، ص 137؛ سنن ترمذی، ج 2، ص 276؛ سنن ابی داود، ج 2، ص 104؛)

اصل دوازدهم: والدین همیشه برای سعادت نوجوان خود دعا کنند

دعای والدین برای سعادت فرزندان تاثیر گذار است

والدین تا آخر عمرشان دعا برای فرزندان را فراموش ننمایند. این دعاهاى والدین پشتوانه معنوی برای سلامت جسمی و روحی فرزندانشان می باشد.

بادعای پدر، علامه شد!

«پدر علامه مجلسی بنام حجة الاسلام محمدتقی مجلسی شبی در سحر مشغول مناجات بود. ناگاه احساس کرد که در این حالت دعایش مستجاب است. بفکر فرو رفت تا چه دعائی بکند. در این حال گریه پسرش محمد باقر بلند شد. پدر دعا کرد که خدایا! پسر مرا فقیه قرار بده! این پسر بزرگ شد و از فقهای بزرگ اسلام گردید.»

این حُسن شهرت را از کجا آوردی؟

از ابوسعید ابوالخیر سوال کردند: این حسن شهرت را از کجا آوردی؟

او گفت شبی مادرم از من آب خواست، دقایقی طول کشید تا آب بیاورم؛ وقتی به کنارش رفتم خواب او را گرفته بود!

دلم نیامد که بیدارش کنم، بکنارش نشستم تا پگاه، مادر چشمانش را باز کرد و کاسه آب را در دستان!! من دید

.پی به مایه برد

گفت: ((فرزندم امیدوارم نامت عالم گیر شود.)) داستانی بود کوتاه که به ارزش و اعتبار مقام مادر در
!!پیشگاه حضرت دوست داشت

!بیایم با بلند نکردن صدا و پشت گوش نیانداختن سخنان این موجود عزیز، او را از خود راضی کنیم
که بدست آوردن دل والدین (مخصوصا مادر) و وجود دعای ایشان پشت سرهمه مان باعث سعادت و
!نیک بختیمان خواهد شد

آیت الله العظمی مرعشی نجفی کسی است که ۶۰ سال نماز شبش را در حرم حضرت معصومه سلام
الله علیها خواند. رئیس دفتر این عالم بزرگوار می گوید؛ یک بار به آقا گفتم: اجازه می دهید که دفتر
را زود تعطیل کنم و بروم؟ چون پدرم آمده است، می خواهم به دیدارش بروم. آقا بغض کرد و
فرمود: خوش به حالت که پدر داری! قبل از این که بروی، قصه من و پدرم را بشنو. حدوداً ده ساله
بودم و در نجف بودیم که مادرم گفت: وقت نهار است، به طبقه ی بالا برو و پدرت را صدا کن.
دیدم پدرم روی کتابها خوابش برده است، بین دو معادله مانده بودم، اگر امر مادر را اطاعت کنم و
پدرم را از خواب شیرین بیدار کنم، پدرم ناراحت می شود، با خود گفتم کاری کنم که اگر پدرم
بیدار شد، ناراحت نشود. خم شدم و کف پای پدرم را بوسیدم، در همین حال پدرم بیدار شد و این
صحنه را که دید، گریه اش گرفت و همان لحظه برایم دعا کرد، که هرچه امروز دارم به خاطر همان
چند دعای پدرم است

کتاب های مرحوم علامه شیخ مرتضی انصاری قریب نود سال است که در حوزه تدریس می شود،
چون مادرش را بر روی شانه می گذاشت و به حمام می برد تا زن ها او را بشویند و مجدد بر روی
شانه می گذاشت و به منزل می آورد. مردم از او می پرسیدند: در منزل قاطر یا الاغی نداری که او را
روی آن بگذاری؟ فرمود: دارم. نمی دانید وقتی مادرم را بر دوش گرفتم، زیر این بار سنگین چه گره
هایی برایم باز شد. وقتی مادر ایشان از دنیا رفت، به پهنای صورت گریه می کرد، یتیمی سن بردار
نیست. وقتی به او اشکال کردند، فرمود: گریه ام برای این است که از امروز به بعد، به چه شخصی

خدمت کنم که خدا این همه گره هایم را باز کند؟ در عالم از مادر، سنگین وزن تر برای رسیدن به خدا داریم؟

حضرت موسی علیه السلام به درگاه خداوند رفت، ایشان مثل دفعات قبلی مورد عنایت خداوند نبود. از خدا پرسید: خدایا چه خطایی انجام داده ام؟ خدا به او فرمود: دفعه ی قبل مادرت زنده بود و ..دعایش پشت سرت بود. دعای مادر حضرت موسی در او تاثیر گذار بوده است

دعای امام سجاد(ع) برای تربیت فرزندانش

امام سجاد(ع) که در علم و ایمان متصل به دریای بی پایان الهی است در این جهت نمونه ای کامل و صادق می باشد. آن حضرت(ع) در کتاب گرانسنگ (صحیفه سجادیه) یکی از دعاهاى خود را مختص فرزندان قرار داده و با کمال تضرع و خشوع از خداوند متعال در جهت رسیدن فرزندانش به کمال و سعادت طلب یاری می فرماید. ایشان در فرازی از این دعا که دعای بیست و پنجم از این کتاب شریف است می فرمایند

«و اعنى على تربيتهم و تاديبهم و برهم»

«خداوندا مرا در تربیت و نیکی نمودن به فرزندانم یاری فرما»

این دعای ارزشمند که از زبان یکی از اولیای خداوند صادر گردیده در واقع اتمام حجتی است برای ما که بدانیم بدون یاری گرفتن از پروردگار و خالق خویش در این جهت توفیقی حاصل نخواهیم کرد و از همین رو باید از سلاح دعا در راستای تربیت فرزندان غفلت نکرد و هرگز مغرور به چند ورقه که خوانده یا نوشته ایم نباشیم و یقین داشته باشیم که تنها و تنها با یاری خداوند است که می توانیم فرزندان خود را از گرداب حوادث نجات دهیم و به ساحل امن و آرامش برسانیم

و اما قرآن کریم به عنوان نسخه ای بی نظیر درد مادی و معنوی بشری در آیات متعددی از دعاهاى یاد می کند که انبیاء و اولیای الهی در آنها از خداوند متعال سعادت دنیوی و اخروی فرزندان خود را طلب نموده اند.

دعای عباد الرحمن

در آیه هفتاد و چهارم از سوره مبارکه فرقان از زبان کسانی که از سوی خداوند به عنوان

:«عباد الرحمن» معرفی شده‌اند، می‌خوانیم

:ربنا هب لنا من ازواجنا و ذریاتنا قره اعین و اجعلنا للمتقین اماما»

پروردگارا همسران و فرزندان ما را برای ما مایه روشنی چشم قرار ده و ما را برای پرهیزکاران پیشوا و
«پیشرو گردان

در این آیه شریفه اولیای خاص خداوند از پیشگاه او درخواست می‌کند که همسران و فرزندان آنان را
در این عالم مایه سرافرازی ایشان قرار دهند که از این طریق چشم ایشان همواره به افتخارات مادی و
معنوی آنها روشن بوده و از ناحیه آنان گزند متوجه آنها نشود. همچنین در ادامه می‌خوانیم که
ایشان به این مطلب با تمام بزرگی و عظمت اکتفا نکرده و مقامی بس ارجمند و گرامی را برای آنان
از خداوند مسئلت می‌نماید که همانا مقام امامت و پیشوایی متقین و پرهیزکاران است. مقامی که به
تصریح آیه یکصدوسی ام از سوره مبارکه بقره هرگز به ستمکاران نخواهد رسید و چنانچه انسانی به
این مرتبه از کمال دست یابد از خاصان درگاه الهی شده و سعادت دنیوی و اخروی خود را به اعلی
درجه تأمین نموده است.

دعای حضرت ابراهیم(ع)

یکی از انبیای عظیم الشان خداوند حضرت ابراهیم(ع) است که در راه انجام رسالت الهی خود از هیچ
گونه کوششی دریغ نورزید. و داستان مجاهدات او در راه اعتلای کلمه توحید به مکرر در قرآن
کریم ذکر گردیده است. و یکی از سوره‌های قرآن کریم نیز به نام این نبی مکرم نامگذاری شده
است در آیه چهلیم از این سوره از زبان آن حضرت(ع) می‌خوانیم که به هنگام دعا برای فرزندان خود
به درگاه خداوند چنین عرضه می‌دارد

رب اجعلنی مقیم الصلوه و من ذریتی ربنا و تقبل دعاء»

«پروردگارا مرا و فرزندان مرا از برپا دارندگان نماز قرار ده و خداوند این دعا را از من بپذیر

در میان تمامی عبادات بی شک «نماز» در سازندگی اخلاقی و معنوی انسان نقش بسزایی داشته و هیچ کدام از عبادات دیگر در این جهت به پایه نماز نمی‌رسند چرا که هر گاه آدمی در طول شبانه روز پنج مرتبه در پیشگاه خداوند حاضر شده و با آن ذات یگانه به راز و نیاز بپردازد چراغ یاد او همواره در جان و دلش روشن خواهد بود و همین یاد پیوسته پروردگار او را به سوی سعادت و دست کشیدن از معاصی رهنمون می‌گردد و به همین دلیل در این آیه شریفه حضرت ابراهیم(ع) پیش از هر گونه تقاضای دیگر از خداوند متعال برای فرزندان خود، می‌خواهد که او و فرزندان را از نماز گزاران و برپا دارندگان نماز قرار دهد. زیرا آن حضرت(ع) می‌داند مادامی که فرزندان از طریق نماز با ذات خداوند در ارتباطی دائمی قرار دارند از مکاید شیطانی برکنار بوده و در نتیجه در صراط مستقیم عبودیت و سعادت گام برمی‌دارند.

دعا در هنگام ساختن کعبه

همان طور که قبلاً گفته شد ابراهیم(ع) از جمله انبیای الهی است که داستان زندگی او به دفعات در قرآن کریم ذکر شده و از جمله در سوره مبارکه بقره به فرازهایی از زندگی آن حضرت اشاره گردیده است. در آیه یکصد و بیست و هشتم از این سوره مبارکه می‌خوانیم که آن حضرت آن گاه که به همراه فرزند برومندش اسماعیل(ع) دست بکار ساختن خانه کعبه بودند دست به دعا برداشته و از خداوند چنین درخواست می‌نمایند

...ربنا واجعلنا مسلمین لك و من ذریتنا امه مسلمه لك و»

«پروردگارا ما و فرزندان ما را از تسلیم شدگان در برابر خود قرار ده

اسلام و تسلیم در برابر خداوند مقام و مرتبه ایست که آرزوی تمامی انسان‌های عارف به حق بوده و همه آنان که در مسیر رضای خداوند گام برمی‌دارد تمام هم و غمشان رسیدن به این مقام و رتبه باارزش است. زیرا با رسیدن به مقام تسلیم انسان، مورد محبت تام و تمام خداوند قرار گرفته و از غم دو جهان آسوده می‌شود. این مرتبه از عبودیت و بندگی خداوند از چنان ارزشی برخوردار است که

در آیه یکصد و سی و دوم از سوره مبارکه بقره از زبان ابراهیم (ع) و نواده گرامیش حضرت یعقوب (ع) خطاب به فرزندانشان می خوانیم که به آنان وصیت می کنند که: (مبادا جز در حالت تسلیم و مسلمانی مرگ را ملاقات کرده و از دنیا بروید)

و همین وصیت گویای اهمیت و ارزش این مرتبه از عبادت و بندگی است چرا که هر انسانی مهمترین سخن و سفارش خود به نزدیکانش را همواره در آخرین لحظات دیدار آنان و به هنگام مرگ بر زبان جاری می کند در آیه مورد بحث نیز دو تن از پیامبران عظیم الشأن الهی از خداوند برای فرزندان خود مقام تسلیم را طلب می کنند. و با توجه به این مطلب که دعای آن دو بزرگوار برخاسته از قلبی سلیم و دلی آگاه و بصیرتی خلل ناپذیر می باشد به اهمیت مقام تسلیم بیشتر واقف می شویم زیرا چنانچه مقامی برتر از مقام تسلیم در پیشگاه خداوند می شناختند بدون شک از درخواست آن امتناع نمی نمودند.

دعای مادر مریم

خداوند متعال در آیات متعددی از قرآن کریم به این مطلب تصریح فرموده و انسانها را یادآور شده که دشمنی سرسخت و عنود به نام شیطان در مسیر آنان کمین کرده و هر آن مترصد آن است که به لطایف الحیل آنان را از صراط مستقیم بلغزند.

و به شقاوت دنیا و آخرت مبتلا گرداند. و به همین خاطر یکی از اموری که در سرلوحه دعاهاى اولیای الهی بوده است درخواست از خداوند در جهت در امان ماندن از مکاید این دشمن دیرینه انسان بوده و در آیه سی و هشتم از سوره مبارکه آل عمران نیز از زبان مادر گرامی حضرت مریم (س) می خوانیم که به هنگام ولادت او از خداوند درخواست می نماید که او و فرزندانش را از گزند شیطان و وسوسه های او در امان بدارد

فلما وضعنها قالت رب... انی اعیذها بک و ذریتها من الشیطان الرجیم»

پس هنگامی که او را بر زمین نهاد گفت پروردگارا... همانا من او و فرزندانش را از شیطان رانده شده «به تو می سپارم

دعا برای داشتن فرزندان شایسته

:در سوره مبارکه احقاف آیه پانزده خداوند متعال می فرماید

و وصینا الانسان بوالديه احسانا... حتی اذا بلغ اشده و بلغ اربعین سنه قال رب... اصلح لی فی ذریتی «
:انی تبت الیک و انی من المسلمین

و انسان را نسبت به پدر و مادرش سفارش کردیم... تا آنگاه که به رشد کامل خود برسد و به چهل سال برسد می گوید: پروردگارا... فرزندانم را برایم شایسته گردان در حقیقت من به درگاه تو توبه «آوردم و من از فرمان پذیرانم

در این آیه شریفه خداوند از زبان حال انسان ها به هنگام رسیدن به سن رشد عقلانی و کمال که سن چهل سالگی است سخن به میان آورده و به مخاطبان قرآن کریم یادآور گردیده که باید یکی از مهمترین دعاهایشان دعا درباره اصلاح فرزندان و شایستگی آنان باشد چرا که صالح بودن فرزندان علاوه بر آنکه سعادت دنیوی و اخروی خود آنان را در پی خواهد داشت، مایه آرامش فکری و روحی والدین بوده و اینان نیز در سایه شایستگی فرزندان می توانند با خیالی آسوده مدارج تعالی مادی و معنوی خود را طی کرده و به عبادت پروردگار و خدمت به جامعه بپردازند

شایستگی فرزندان از چنان درجه والایی برخوردار است که در کلامی گران سنگ از پیامبر اکرم(ص) می خوانیم

:الولد الصالح ریحانه من ریاحین الجنة»

«فرزند شایسته گلی از گل های بهشت است

و با این حال چه سرمایه ای ارزشمندتر از فرزند صالح و شایسته، و به همین دلیل به امر پروردگار و سفارش پیامبر اکرم (ص) و اولیای الهی، والدین بصیر و دلسوز باید در رأس دعاهای خود دعا برای اصلاح و صالح بودن فرزندان را قرار دهند²¹

²¹ <http://pajoohe.ir/>

اصل سیزدهم: جبران فقدان والدین یا یکی از آنها

فرزندان طلاق و فرزندانی که از والدین محرومند و آسیب های آن

اسلام با طلاق مخالف است مگر چاره ای نباشد. زیرا طلاق هم به زوجین و هم به فرزندان آنها آسیب می زند و نهاد مقدس خانواده را از هم پاشد.

طلاق و محروم شدن از والدین همواره می تواند تاثیرات نامطلوب خود را بر تمام جنبه های مهم زندگی فرزندان بگذارد و میزان آسیب پذیری فرزندان را افزایش دهد. نقش پدر و مادر در نحوه مدیریت شرایط و کاهش مشکلات احتمالی بسیار اهمیت دارد مخصوصاً یکی جنبه محبت والدین که در فرزندان طلاق منفی است و یکی جنبه اقتصادی که اگر پدر نباشد زندگی سخت می شود.

طلاق در اکثر موارد منجر به برانگیختگی خشم نوجوانان می شود. آن ها ممکن است یک یا هر دوی والدین را به خاطر جدایی سرزنش کنند. همچنین در این شرایط اغلب حساسیت بالایی از خود نشان می دهند و مسائل مختلف زودتر از همیشه آن ها را آزرده می سازد

گاهی طلاق خاموش است یعنی والدین در زیر سقف یک خانه باهم زندگی می کنند ولی بین آنها روابط زن و شوهری نیست و باهم قهر می باشند که اینهم ضربه ای به تربیت نوجوانان می باشد.

گاهی پدر شغلش طوری است که در سال فقط دوسه ماه در خانه حضور دارد و باید تحمل تربیت به دوش فقط مادر باشد.

ولی هرگاه به علت طلاق یا فوت والدین، فرزند از نعمت والدین یا یکی از آن دو محروم ماند باید این مشکل جبران شود اما چگونه؟

وقتی امام خمینی در حالی که دوماهه بودند، پدر ایشان در راه خمین اراک به دست اشرار به شهادت رسیدند مادر حضرت امام بنام بانو هاجر با کمک عمه امام بنام بانو صاحبه و دایه امام بنام ننه خاور

تربیت امام را بعهده گرفتند. هر سه این زن‌ها، که زنانی باتقوا و پاکدامن و شایسته بودند، به تربیت جسمی و روحی امام همت گماشتند لذا با مجهدت این زنان نبود پدر، جبران شد و حضرت امام تا سن پانزده سالگی بنحو شایسته ای تربیت شدند. وقتی این سه زن از دنیا رفتند امام در ابتدای نوجوانی بودند ولی صفات خوب در ایشان پرورش یافته و فاقد صفات بد بودند. و اینها با زحمات این سه بانو بدست آمد.

اسلام به اکررام فرزندان یتیم خیلی تاکید دارد و فرموده واما الیتیم فلا تقهر.. با یتیم قهر نکن بلکه به او محبت نما. تا کمبود والدین را احساس نکند. و در تربیت او اخلال ایجاد نشود.

امام علی علیه السلام: هیچ مرد و زن مؤمنی نیست که دست محبت بر سر یتیمی بگذارد، مگر این که خداوند به اندازه هر تار موئی که بر آن دست کشیده است ثوابی برایش بنویسد.

220/سوره بقره قرآن کریم می فرماید: «...وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ ۖ قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ...»[1]

[1] از تو درباره یتیمان می پرسند، بگو: اصلاح کار آنان بهتر است و اگر زندگی خود را با زندگی آنها بیامیزد، آنها برادران دینی شما هستند

از آیه یاد شده برمی آید که بهترین محیط برای کودکان یتیم، محیط طبیعی خانواده است و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جای دادن یتیم در منزل و تأمین نیازمندی های او را باعث قبولی اعمال در پیشگاه خداوند دانسته [مشکاه الانوار، ابی الفضل علی الطبرسی، ص 291، المکتبه الحیدریه فی النجف]

و در حدیث دیگری فرموده: «در خانه ای که یتیم باشد، رحمت و برکت الهی در فضای آن خانه حاکم خواهد شد» و باز می فرماید: «من و [۲۳].» سرپرست یتیم در بهشت در کنار هم خواهیم بود (تفسیر ابن کثیر، ابن کثیر، ج 4، ص 544، دارالمعرفه، بیروت

اگر چه امروزه مؤسسات و کانون های یتیم نوازی در نقاط مختلف بقرار است ولی چنین مراکزی به خاطر شرایط حاکم بر آنها، به صفا و صمیمیت و گرمی خانواده نمی رسد چون اگر یتیمی در آغوش خانواده ای ایده ال پرورش یابد، از محبت پدرخوانده و مادرخوانده برخوردار می شود و آنها نیز به مراتب بهتر از مربیان مؤسسات حمایت از ایتم، به یتیم ها محبت می کنند. بدیهی است که یتیم در میان خانواده ای که او را به فرزندخواندگی قبول کرده اند می تواند با جامعه و اطرافیان ارتباط بهتری برقرار نماید

رأیج ترین مشکلات فرزندان طلاق:

1- مشکلات مرتبط با سلامت روان

بررسی‌ها نشان می‌دهد بروز مشکلات روان شناختی در فرزندان طلاق بیش از سایر افراد است. در حقیقت یافته‌های پژوهشی بیانگر این

نکته هستند که فارغ از سن، جنسیت و فرهنگ، فرزندان طلاق بیش از سایر جمعیت عمومی در معرض خطر ابتلا به مشکلات روان

شناختی قرار دارند. در همین راستا آمارها از شیوع بیشتر اختلال سازگاری، افسردگی و اختلالات اضطرابی در افرادی که والدینشان از

یکدیگر طلاق گرفته‌اند حکایت می‌کنند.

2- مشکلات رفتاری فرزندان طلاق

مطالعات تحقیقاتی نشان می‌دهند که فرزندان طلاق بیش از دیگران احتمال دارد که برون ریزی‌های رفتاری از خود نشان دهند. در واقع

مشکلاتی نظیر پرخاشگری، تکانشگری، اختلال سلوک و بزهکاری در فرزندان طلاق به میزان بیشتری بروز می‌یابد. با این حال در نظر

داشته باشید که این مشکلات قابل پیشگیری هستند و با دریافت مداخلات به موقع می‌توانند بهبود یابند. در نتیجه در صورت مشاهده

هریک از این رفتارها در فرزند خود ترجیحا از یک روانشناس متخصص در حوزه کودک و خانواده کمک بگیرید.

3- مشکلات تحصیلی

آمارها بیانگر این هستند که فرزندان طلاق بیش از سایر افراد ممکن است دچار مشکلات تحصیلی شوند و عملکرد ضعیفی از خود

نشان دهند. البته تحقیقات تکمیلی نشان می‌دهند بچه‌هایی که پدر و مادرشان به طور غیر منتظره از یکدیگر جدا شده‌اند بیش از بچه‌هایی

که انتظار جدایی والدینشان را داشته‌اند این چالش را تجربه می‌کنند.

4-انجام رفتارهای پرخطر در فرزندان طلاق

براساس تحقیقات انجام شده در سال‌های اخیر می‌توان گفت افرادی که در سنین پایین والدینشان از یکدیگر جدا شده‌اند بیشتر احتمال

دارد که در رفتارهای پرخطر درگیر شوند. از جمله این رفتارها می‌توان به مصرف الکل، مواد مخدر یا روی آوردن به روابط جنسی

محافظة نشده اشاره کرد.

5-عدم سازگاری با شرایط جدید

برای بسیاری از فرزندان آنچه بیش از جدایی والدین دشوار است تغییراتی است که در پی آن رخ می‌دهد چرا که در اکثر موارد باعث

می‌شود کودک از یکی از والدین خود جدا شده و به یک خانه دیگر منتقل شود. همچنین در این شرایط بسیاری از کودکان باید به

مدرسه جدیدی بروند و اوضاع مالی متفاوتی را تجربه کنند. همه این عوامل در کنار زندگی با والدی که خود استرس‌های زیادی را

تحمل می‌کند و ممکن است به اضطراب یا افسردگی دچار باشد می‌تواند قدرت سازگاری کودک در شرایط جدید را کاهش دهد^{۲۲}

اصل چهاردهم: معرفی الگوهای درست

²² <https://newmiind.com/3564/children-of-divorce/>

معمولا نوجوانان از میان افراد مشهور شخصی را به عنوان الگوی رفتار و اعمال خود انتخاب می کنند.
و معمولا اینها از بین هنرپیشه ها یا ورزشکارها هستند.

ولی همه می دانیم که اینها نمی توانند الگوی خوبی برای فرزندان ما باشند.

ما باید برای دخترانمان و برای پسرانمان سراغ بهترین انسان برویم.

بهترین انسان کیست؟

1- همه مردم تمایل دارند بدانند چه کسی بهترین است؟ تا از او پیروی کنند. تا او الگوی آنان باشد.

2- کسی که بهترین است باید دارای خصوصیات زیر باشد:

عقل او از همه کامل تر باشد. دانش او از همه بیشتر باشد. اخلاقش از همه بهتر باشد. گناه نکرده

باشد. ظلم نکرده باشد. پاک پاک باشد و هیچگاه رابطه جنسی نامشروع نداشته باشد.

3- کسی که بهترین است

نباید حسود باشد. نباید بخیل باشد. نباید کینه ای باشد. نباید دروغگو باشد. نباید ریاکار باشد. نباید متکبر و

خودخواه باشد. نباید عصبانی باشد.

نباید ترسو باشد. نباید حریص و طمع کار باشد. و...

4- آن که بهترین است باید ایمانش به خدا از همه مردم دنیا بیشتر باشد. بطوری که خدا را از همه

بیشتر بشناسد. و خدا را از همه بیشتر دوست داشته باشد.

5- آیا همه این صفاتی که ذکر شد در افراد مشهوری که ما شناسیم وجود دارد؟ آیا کسی را می شناسیم که همه این اوصاف را داشته باشد؟

6- کدام سیاستمداری هست که همه این صفات را دارا باشد؟ یا کدام پادشاهی هست که همه این صفات را دارا باشد؟ یا کدام فرماندهی هست که همه این صفات را دارا باشد؟ یا کدام رهبری هست که همه این صفات را دارا باشد؟ یا کدام ورزشکاری هست که همه این صفات را دارا باشد؟ یا کدام هنرپیشه ای هست که همه این صفات را دارا باشد؟ یا کدام معلم و استادی هست که همه این صفات را دارا باشد؟

7- به نظر شما چه کسی از همه بهتر است؟

من ابتدا نام 25 نفر از مشهور ترین افراد تاریخ را ذکر می کنم. بعد بررسی کنیم آیا این افراد همه صفات مذکور را دارند؟

8- از جمله افراد مشهور تاریخ:

ابوعلی سینا:

پزشک، ریاضی دان، منجم، فیزیک دان، شیمی دان، روان شناس، جغرافی دان، زمین شناس، شاعر، منطق دان و فیلسوف ایرانی و از مشهورترین و تأثیرگذارترین فیلسوفان و دانشمندان ایران زمین است که به ویژه به دلیل آثارش در زمینه فلسفه ارسطویی و پزشکی اهمیت دارد

زکریای رازی:

پزشک، فیلسوف و شیمی دان ایرانی است. رازی آثار ماندگاری در زمینه پزشکی و شیمی و فلسفه .اسید سولفوریک] و نفت سفید مشهور است T نوشته است و به عنوان کاشف الکل، جوهر گوگرد

:ادیسون

مهندس، مخترع، و کارآفرین اهل ایالات متحده آمریکا بود. ادیسون ۲۵۰۰ امتیاز اختراع را در ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، فرانسه و آلمان به نام خود ثبت کرد. تلفن، ماشین چاپ، میکروفون، گرامافون، دیکتافون، کینتوسکوپ (نوعی دستگاه نمایش فیلم)، دینام موتور و لاستیک مصنوعی از جمله مواد و وسایلی هستند که ادیسون و همکارانش آن‌ها را ابداع یا بهینه کردند. ادیسون از نخستین مخترعانی بود که بسیاری از اختراعات خود را به تولید انبوه رساند.

:انیشین

فیزیکدان آلمانی الاصل بود. او بیشتر، برای نظریه نسبیت شهرت دارد.

:گانندی

رهبر سیاسی و معنوی هندی‌ها بود که ملت هند را در راه آزادی از استعمار امپراتوری بریتانیا رهبری کرد

جورج واشنگتن، رئیس جمهور ایالات متحده

جورج واشینگتن، را بسیاری از مورخان یکی از برجسته‌ترین و زنده‌ترین شخصیت‌های تاریخ آمریکا می‌دانند. او بانفوذترین و مشهورترین رئیس جمهور آمریکا است ...

شکی نیست که اگر استانداردها و معیارهای بزرگی و عظمت در این فهرست عشق و علاقه‌ی

در رتبه‌ی نخست این فهرست مشهورترین انسان‌های کودکان جهان می‌بود آن وقت [والت دیزنی](#)

تاریخ قرار می‌گرفت. مردی که خالق بعضی از ستودنی‌ترین شخصیت‌های کارتونی در صنعت انیمیشن‌سازی است، من جمله میکی ماوس ...

لویی پاستور:

او بیش از هر چیزی به خاطر اختراع فرایند پاستوریزه کردن که از روی نام خودش گرفته شده و به میلیاردها کودک در سرتاسر جهان کمک کرده است تا سالم رشد کنند و شیر تازه‌ی بدون باکتری بخورند معروف است.

چارلز داروین:

یک دانشمند همه چیز دان انگلیسی بود که در طول حیات خود در چندین علم به [چارلز داروین](#) مطالعاتی پرداخته بود و به عنوان یکی از مشهورترین دانشمندان کل تاریخ مطرح شده است... زیگموند فروید:

نورولوژیست اتریشی مشهور، بی شک پدر علم روانشناسی و مشهورترین شخصیت [زیگموند فروید](#) رشته‌ی روانشناسی دانشگاهی و کاربردی و مشهورترین انسان های تاریخ است بقراط:

فیزیکیان یونان باستان از سوی همگان به عنوان پدر طب غرب و طب رسمی به عنوان یک [بقراط](#) شغل شناخته می شود. او بنیان گذار مدرسه‌ی پزشکی بقراط بود که به دگرگون کردن علم طب باستان کمک شایانی کرد. بقراط با روش ها و آموزه‌هایش پایه‌ی طب مدرن را بنا نهاد. تاثیر او را می توان در سوگندنامه‌ی پزشکان، پرستاران، و دستیاران پزشک که سال ها به آن عمل شده است – سوگند بقراط – به عینه دید...

هرودوت:

هرودوت هم در این فهرست مشهورترین انسان های تاریخ جای گرفته است. مورخ اهل شهر هالیکارناس یونان باستان اولین مورخی بود که مطالبش را منسجم و نظام مند کرد، و بعد آن را سازماندهی کرد و آن ها را به یک راوی تاریخ نگاری گزارش داد. به همین دلیل، او را «پدر تاریخ» می دانند...

گاليله:

او را «پدر علم مدرن»، «پدر فیزیک مدرن» و نهایتاً «پدر اخترشناسی مشاهداتی نوین» می نامند

اما گاليله بيش از يك دانشمند و اخترشناس بود؛...

کريستف کلمب:

برای بعضی ها، کریستف کلمب یک قهرمان است، بزرگترین کاشفی که تا به امروز وجود داشته است، و شخصیتی مهم و جزو مشهورترین انسان های تاریخ است که استعمار اروپا بر جهان جدید را آغاز کرد...

سر آیزاک نیوتن

به عنوان بانفوذترین فیزیکدان کل دوران آلبریت اینیشتن را کنار زده است و خودش جای او را در رتبه بندی گرفته است. این دانشمند انگلیسی بزرگ در جهان به عنوان شخصیتی کلیدی در انقلاب علمی شناخته می شود، و اکتشافات علمی انقلابی اش بر بسیاری از سایر دانشمندان مانند اینیشتن تاثیر گذار بوده است...

موتزارت:

، معروف ترین کودک اعجوبه ی تاریخ، بانفوذترین و محبوب ترین MIT بر اساس تحقیقات آهنگساز تاریخ نیز هست. او در سن پنج سالگی ساختن موسیقی را شروع کرد و تا زمان مرگش، .. فقط سی سال بعد، ادامه داد که تا آن موقع بیش از ۶۰۰ اثر خلق کرده بود

ریاضیدان و مخترع یونانی بود که یکی از درخشان ترین ذهن های کل دوران را دارد و در ارشمیدس فهرست مشهورترین انسان های تاریخ و «پدرخوانده ی اختراعات» است...

ژولیوس سزار، بر اساس نظر اکثر مورخان و تحلیلگران سیاسی، مهم‌ترین شخصیت در تاریخ رومی و از مشهورترین انسان‌های تاریخ است

نام لئوناردو داوینچی

یادآور نبوغ و رنسانس است، و از همین جا بود که به او لقب «مرد رنسانس» را دادند. اما، توصیف حرفه‌ی واقعی داوینچی حقیقتاً دشوار است چون او در بسیاری از چیزها در طول زندگی خود مهارت داشت از مجسمه‌سازی تا نقاشی، معماری تا موسیقی، ریاضیات تا نجوم، و مهندسی و ... او بدون شک پر استعدادترین مرد دوران خود بود،

اسکندر مقدونی

یکی از بزرگترین ژنرال‌های ارتشی تاریخ است، و امپراتوری‌اش یکی از بزرگترین امپراتوری‌هایی بود که جهان به خود دیده است. او تا زمان مرگش شکست ناپذیر باقی ماند و مردی بود که فرهنگ و تمدن یونان را به بزرگترین بخش از جهان آن زمان گسترش داد...

ارسطو

فیلسوف یونانی اهل استاگیرا، در شمال یونان، بود که در سال ۳۸۴ قبل از میلاد به دنیا آمد. همگان او را در کنار سقراط و افلاطون به عنوان یکی از سه فیلسوف بزرگ تمام دوران می‌دانند..
بروس لی :

وی به اسطوره‌ای بین‌المللی تبدیل و موفق شد به خانه‌های میلیون‌ها نفر در سرتاسر جهان راه پیدا کند و هنرهای رزمی آسیایی را به محبوبیتی بیش از هر هنر رزمی دیگری در غرب برساند. او به اسطوره‌ی کودکان بی‌شماری در سرتاسر جهان در دهه‌ی شصت و هفتاد تبدیل شد...

ولی هیچ کدام از این افراد، همه صفات مذکور را دارا نیستند. بلکه دارای نقاط مثبت و نقاط منفی می باشند لذا صلاحیت اینکه الگو قرار بگیرند را ندارند.

10- ولی...

ولی خداوند که انسان ها را افرید ان ها را بدون الگو قرار نداد. بلکه از میان همه مردم جهان چند نفر را انتخاب کرد که همه صفات مذکور را دارا هستند.

به نظر شما انها چه کسانی می باشند؟

11- از میان تمام انسان هایی که از ابتدای خلقت انسان، در کره زمین زندگی کرده اند تا انسان هایی که هنوز دنیا نیامده اند، بهترین همه انسان ها، حضرت محمد (ص) است. و هیچ انسان دیگری از او بهتر نمی باشد.

12- حضرت محمد (ص) از همه انسان ها عالم تر. عادل تر. شجاعت تر. حکیم تر. سخاوتمند تر. مهربان تر. راستگو تر. متواضع تر. خوش اخلاق تر و... است.

حضرت محمد (ص) در مکه متولد شد و در سن چهل سالگی از طرف خدا به پیامبری انتخاب گردید. او دین اسلام را آورد. او قران را آورد. او اهل بیت را آورد. او نور را آورد. او اخلاق را آورد. او علم و دانش را آورد. او خوبی ها را آورد. او حقوق انسان ها را آورد.

به چند نمونه از رفتار پیامبر با دیگران اشاره می کنیم:

«رسول خدا با هر کس روبه رو می شد، سلام می داد، هم به کوچک، هم بزرگ.» [۲۳]

²³ طباطبائی، محمد حسین، سنن النبی، ص ۱۱۸.

هیچ گاه پای خود را پیش کسی دراز نمی کرد. هنگام نگاه، به صورت کسی خیره نمی شد، با چشم و ابرو به کسی اشاره نمی کرد، هنگام نشستن، تکیه نمی داد.^[۲۴]

وقتی با مردم دست می داد و مصافحه می کرد، هیچ گاه دست خود را عقب نمی کشید، تا طرف مقابل دست خود را بکشد. هیچ خوراکی را مذمت نمی کرد.^[۲۵] به هیچ کس دشنام و ناسزا نمی گفت و سخن ناراحت کننده ای بر زبان نمی آورد و بدی را با بدی پاسخ نمی گفت. زیر انداز خود را به عنوان اکرام، زیر پای کسی که خدمتش می رسید پهن می کرد.^[۲۶] از روز بعثت تا دم مرگ، هرگز در حال تکیه دادن غذا نخورد.^[۲۷] هدیه افراد را (هر چند اندک و ناچیز) قبول می کرد. بیشتر اوقات، رو به قبله می نشست.^[۲۸] زانوهایش را پیش اشخاص، باز نمی کرد و بیرون نمی آورد. بر تندخویی غریبه ها در سؤال و درخواست و سخن صبر می کرد. هیچ کس را ملامت و سرزنش نمی کرد و در پی کشف اسرار دیگران نبود.^[۲۹]

خنده هایش تبسم بود و هرگز قهقهه سر نمی داد.^[۳۰] بسیار شرمگین و باحیا بود. سخن کسی را قطع نمی کرد. از جلوی خودش غذا می خورد. کار افراد را به هر شکلی راه می انداخت و... بسیاری از فضایل برجسته دیگر که همه حاکی از روحی بلند و اخلاقی والا و ادبی متعالی بود.^[۳۱]

در پایان پیشنهاد می کنم درباره حضرت محمد (ص)، مطالعه کنید تا او را بهتر بشناسید. در این صورت متوجه می شوید که او از همه انسان ها بهتر است.

²⁴ طباطبائی، محمد حسین، سنن النبی، ص ۱۳۳.

²⁵ طباطبائی، محمد حسین، سنن النبی، ص ۱۳۰.

²⁶ طباطبائی، محمد حسین، سنن النبی، ص ۱۳۴.

²⁷ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۳۷.

²⁸ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۳۷.

²⁹ طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، ص ۱۷.

³⁰ طباطبائی، محمد حسین، سنن النبی، ص ۱۳۴.

³¹ اقتباس از سایت حوزه نت.

بهترین زن کیست ؟

1- شاید این سوال برای شما مخصوصا برای خانم ها پیش بیاید که بهترین زن در بین زنان جهان چه کسی است؟
آیا معلم ها و استادها بهترین هستند؟ یا مادرهایی که بچه های خود را بزرگ می کنند بهترین هستند؟ یا زنی هایی که خوب شوهرداری می کنند بهترین هستند؟
شاید هم فکر کنید بهترین زن، زن هنرپیشه باشند؟ یا خیال کنید بهترین زن، زن ورزشکار مدال آور هستند؟ شاید هم زنان دانشمند مانند ماری کوری بهترین باشند؟ یا زنان سیاستمدار مانند مارگارت تاچر؟
یا زنها ی خیلی زیبا مانند ملکه زیبای زن!

2- اول باید خصوصیتی که اگر در زنی باشد او بهترین است را ذکر کنیم:

بهترین زن باید:

پاکدامن باشد و هرگز رابطه جنسی خارج از ازدواج نداشته باشد.

بهترین زن باید:

صبور باشد. خیلی صبور باشد. از همه صبورتر باشد. بزرگترین مصیبت، صبر او را از بین نبرد.

بزرگترین مشکل، استقامت او را نشکند.

بهترین زن باید:

معرفت به خدا در بالاترین درجه داشته باشد.

خدا را خوب بشناسد. عاشق خدا باشد. عشق به خدا لحظه ای از او جدا نشود.

بهترین زن باید:

مادری نمونه باشد. باید دختری نمونه باشد. باید همسری نمونه باشد.

بهترین زن باید:

پرهیزکار باشد و هرگز گناه نکند. باید هرگز خیانت نکند. باید هرگز دروغ نگوید.

بهترین زن باید:

شجاع باشد و از مرگ نهراسد. باید اخلاقش از همه بهتر باشد. باید علم و دانشش از همه زنهای بیشتر باشد. باید بر هوای نفسش مسلط باشد.

3- به نظر شما کدامیک از زنانی که ذکر شد دارای همه این صفات هستند؟

اگر کمی بررسی کنید می فهمید. در بین اینها هیچکدام جامع همه صفات مذکور نیستند. بلکه این زنان هم دارای نقاط مثبت و هم دارای نقاط منفی هستند.

مثلا دانشمند هست ولی حسود هم هست! یا شهوت ران هست! یا خسیس هست!

یا ورزشکار مدال آور هست ولی فحاش است! متکبر هست!

یا هنرپیشه عالی است ولی رابطه نامشروع دارد! یا مادر خوبی نیست!

یا سیاستمدار خیلی خوبی است اما ریاست طلب هست! یا دنبال شهرت هست! یا در خانواده خود بداخلاق است!

4- پس کدام زن از همه زنان جهان بهتر است؟

من به شما می گویم!

خداوند چهار زن را از بین تمام زنان جهان به عنوان بهترین ها، انتخاب کرد.

حضرت فاطمه. حضرت خدیجه. حضرت مریم. حضرت آسیه

این چهار نفر از همه زنان جهان بهتر هستند.

5-البته حضرت فاطمه از آن سه نفر هم برتر است با اینکه سن آنها از وی بیشتر است.

اینکه حضرت فاطمه با اینکه 18 سال و به روایتی 28 سال عمر کرد ولی به درجات بالای معنوی دست پیدا کرد باعث شگفتی است.

و نشان می دهد اگر یک زن تلاش کند می تواند پله های ترقی را بییماید.

-ویژگی های مهم حضرت فاطمه به شرح زیر است:

صبر:

با اینکه فاطمه دختر پیامبر و محبوبترین افراد نزد پیغمبر بود، اما آنقدر بامشک آب کشید که اثر مشک در بدنش پیدا شد و آنقدر خانه را جاروب کرد که لباسهایش غبار آلود بود و آنقدر زیر دیگ آتش افروخت که لباسهایش عوض شد (کهنه شد).

شوهر فاطمه مجاهد فی سبیل الله که اکثرا در جبهه بسر می برد، وضع مالی خانواده طوری است که گاهی دوزخ غذا در منزل یافت نمی شود. حضرت فاطمه زینت های معمولی همانند گوشواره و گردنبند و انگوی طلا نداشت.

صبر در عبادت:

حضرت فاطمه خیلی عبادت می کرد. حتی شب عروسی با شوهرش تا صبح نماز می خواند. آنقدر در نماز ایستاد که ساق پایش ورم کرد. گاهی شبها تا صبح عبادت می کرد.

سخاوت:

خداوند افراد سخاوتمند را دوست دارد.

حضرت فاطمه خیلی سخاوتمند بودند. مثلا شب عروسی، لباس عروسی را به فقیری بخشیدند. یا مثلا روزه گرفتند شب خواستند غذا بخورند فقیر آمد. غذا را به فقیر دادند. و فقط آب خوردند. فردا روزه گرفتند دوباره شب فقیر آمد غذا شون رو به فقیر دادند و فقط آب خوردند. روز سوم هم روزه گرفتند. باز شب خواستند غذا بخورند فقیر آمد و غذا رو به فقیر دادند. و فقط آب خوردند. یا مثلا پولی دستش می آمد به فقیر می داد.

معرفت:

معرفت یعنی شناخت انسان نسبت به خدا در بالاترین درجه باشد.
حضرت فاطمه معرفت بالایی نسبت به خداوند داشت. خدا را با همه وجودش عبادت می کرد.
علم و دانش:

دانش هیچ زنی به دانش حضرت فاطمه نمی رسد.
سخنرانی هایی که انجام داده. روایاتی که گفته.
کتابهایی که نوشته. همه نشان می دهد این بانو دانش وسیعی داشته است.

حضرت خدیجه:

ایشان که همسر حضرت محمد و مادر حضرت فاطمه هستند نیز جزو بهترین ها هستند.
خیلی پاکدامن. خیلی باسقاوت. خیلی شجاع. خیلی راستگو.
ایشان زن ثروتمندی بودند ولی ثروت خود را در راه خدا خرج کردند. و جان خود را در راه خدا فدا کردند. و هر که
جان و مال خود را در راه خدا خرج کند، خدا او را دوست دارد.

حضرت مریم:

حضرت مریم بسیار پاکدامن و عبادت کننده بود و همیشه در حال عبادت بود. و خداوند او را از بین زنان
جهان، انتخاب کرد و بدون اینکه حضرت مریم ازدواج کند، خداوند با معجزه خود، او را باردار کرد و حضرت
عیسی متولد شد.

حضرت اسیه:

آسیه زن فرعون مصر بود ولی مخفیانه به حضرت موسی ایمان آورد و هنگامی که فرعون فهمید او را دستگیر و
شکنجه کرد ولی آسیه دست از خداپرستی برنداشت تا اینکه بشهادت رسید.
خداوند او را هم از بین زنان جهان انتخاب کرد.

غیر از چهارده معصوم و پیامبران و زنان و مردان برگزیده، انسان های دیگری بودند که مظهر شجاعت
و صبر و وفاداری و ایثار و فداکاری بودند.

مثلا در زمان خودمان شهید محمد حسین فهمیده که حضرت امام او را رهبر خود خواندند.

شجاعت یک نوجوان ایرانی

روز هشتم آبان ۱۳۵۹، حسین فهمیده نوجوان سیزده ساله ایرانی که در جبهه خرمشهر حاضر بود مشاهده کرد که پنج تانک عراقی، مغرورانه رجز می خواندند و پیش می آمدند تا رزمندگان ایرانی را محاصره کنند و بعد همه شان را به قتل برسانند.

تنها راه پیش روی حسین فهمیده، فدا کردن خودش برای نجات همزمانش بود. حسین سیزده ساله، آخرین نارنجکهای باقیمانده را به خود بست و به سمت تانکها حرکت کرد. در همین فاصله، تیری به پای حسین خورد اما او کوتاه نیامد. با همان پای زخمی، کشان کشان خودش را به اولین تانک رساند و ضامن نارنجکها را کشید.

با صدای انفجار تانک جلویی، چهار تانک دیگر، با این خیال که رزمندگان اسلام حمله کرده اند، فرار را برقرار ترجیح دادند. بقیه رزمنده ها تازه متوجه نقشه دشمن برای محاصره شان شدند. آنها با فکر اینکه نیروی کمکی آمده، جان تازه ای گرفتند و چهار تانک در حال فرار را هم نابود کردند. مدتی بعد، نیروهای کمکی به خط مقدم رسیدند و آن قسمت را، از لوٹ وجود متجاوزان بعثی پاک کردند.

یکی از همان روزهای سرد پاییزی، ساعت هشت صبح، رادیو برنامه های عادی اش را قطع کرد و خبر عملیات شهادت طلبانه یک دانش آموز سیزده ساله را پخش نمود. پشت آن، پیام حضرت امام را خوانند: «رهبر ما آن طفل سیزده ساله ای است که با قلب کوچک خود - که ارزشش از صدها زبان و قلم ما بزرگتر است - با نارنجک، خود را زیر تانک دشمن انداخت و آن را منهدم نمود و خود نیز شربت شهادت نوشید»³²

این شهید الگوی خوبی برای نوجوان ما می تواند باشد.

همچنین شهید سردار قاسم سلیمانی الگوی بسیار عالی است. اینها فرزندان مارابه بهشت می کشاند و رستگار می نمایند.

دیگر شهدا هم الگوهای خیلی عالی هستند

رعایت حرمت والدین

شهید حمیدرضا غفوریان، فردی باهوش و مودب بود. برای افراد پیر و ناتوان احترام خاصی قائل بود و در حد توانش به آنان کمک می کرد و در احترام به والدینش اسوه بود، به گونه ای که مادرش نقل می کند: «اگر پایین تر از او می نشستیم بلند می شد و می رفت جایی که پایین تر از ما باشد بنشیند، هر وقت که از من خداحافظی می کرد دست به سینه عقب می رفت و بعد برمی گشت».^{۳۳}

حضرت سجاد زین العابدین علیه السلام فرمود: «حق فرزندان به تو این است که بدانی...، موظفی فرزندان را با آداب و اخلاق پسندیده پرورش دهی...».^[۳۴]

ولی...

ولی متأسفانه چه در خانواده ها چه در مدارس و چه در رسانه ها معرفی الگوهای شایسته کم رنگ است! لذا می بینیم طیف زیادی از نوجوانان دنبال فلان هنرپیشه سینما که ادم مبتدلی است ادم غیراخلاقی و غیر سالمی است ولی نوجوانان او را الگوی خود قرار داده و عکس او را می پرستند! درحالی که او انها را به جهنم می کشاند نه به بهشت!

³³ <http://www.iqna.ir/fa/news/3715325>

³⁴ مکارم الاخلاق، شیخ حسن فرزند شیخ طبرسی ج ۲، ص ۳۴۵

اصل پانزدهم: نقش معلم خوب در تربیت نوجوانان

معلمین بعد از والدین، مهم ترین تاثیر را روی فرزندان ما دارند.

معلمینی که به نقش خویش واقفند و متوجه هستند که نوجوانان ما در نزد آنها به امانت گذارده شده اند می توانند تاثیرات عالی بگذارند و گاهی تحول بسیار مثبت در نوجوانان ایجاد کنند.

رابطه ای که دانش آموز با معلم دارد رابطه ای باطنی و معنوی است. هر دانش آموز در محیط خانواده رفتارهایی آموخته و شخصیت او تا حدودی شکل گرفته است اما هنوز شکل ثابتی ندارد و انعطاف

پذیر و قابل تغییر می باشد. دانش آموز پس از خانواده وارد اجتماع جدید مدرسه می شود. او در این اجتماع رفتار و عادات خود را مورد بازنگری قرار داده و شخصیت خود را تکمیل و تثبیت خواهد کرد.

بانه‌وذترین فردی که در این مرحله می تواند به او کمک کند معلم است. دانش آموز معلم را الگوی خود قرار می دهد و از رفتار و اخلاق معلم سرمشق می گیرد.

دانش آموز تمامی اعمال و رفتار معلم را زیر نظر داشته و از آن ها الگوبرداری خواهد کرد. رفتار معلمان با یکدیگر، رفتار آن ها با مدیر مدرسه، با سرایدار و دانش آموزان بر تربیت تک تک دانش آموزان تاثیر گذار خواهد بود. دانش آموز از تمامی رفتارهای معلم از جمله نحوه ی اداره ی کلاس، اخلاق و رفتار معلم، وقت شناسی، رعایت عدالت، رعایت نظم، مهربانی، خوشرویی، ادب، خیرخواهی و... درس می گیرد.

یک معلم خوب با روش هایی همچون مهربانی، احترام به شخصیت دانش آموز، انجام بازی ها، به کارگیری روش های غیر مستقیم نظیر برنامه های هنری و قصه گویی، پرهیز از سرزنش دانش آموز در مقابل دیگران، دروغ نگفتن، اجتناب از سخنان زشت و حفظ آراستگی ظاهری دانش آموزان را با تعالیم اسلامی و انسانی آشنا کرده و نقشی مهم در تربیت . صحیح آنان خواهد داشت

معلم می تواند با یک برخورد مناسب، نوجوان را از کار نامناسب بازدارد

در اینجا به دو نمونه از تاثیر معلم در هدایت شاگردان اشاره میشود:

خدا و مراقب جلسه امتحان

فاطمه آذرخش، دانشجو: یک بار در دوره پیش دانشگاهی، امتحان میان ترم زیست شناسی « داشتیم. همه آماده امتحان بودیم. برخی بچه ها هم طبق معمول در فکر تقلب و رونویسی بودند و

زمینه‌های این کارزشت را بررسی می‌کردند. معلم مربوطه در حالی که برگه‌های امتحان را در دست داشت وارد کلاس شد و شروع به پخش آنها نمود. سپس پای تابلو رفت و این آیه را در آن نوشت: *الم يعلم بان الله يري*، آن گاه رو به ما کرد و گفت: نماینده کلاس بعد از اتمام امتحان، برگه‌ها را به دفتر بیاورد. سپس کلاس را ترک کرد و با کمال تعجب، ما را با این آیه تکان‌دهنده تنها گذاشت. او با این آیه تلنگری به وجدان بچه‌ها زد که هیچ کس جرأت نکرد تقلب کند، با این که هیچ مراقبی در سر جلسه امتحان نبود! {گلستان قرآن ش 138 ص 39}

مسخره گی جواب مسخره گی

زمانی که در دبیرستان بودم اردویی به همدان داشتیم. تعداد بچه‌های محجبه خیلی کم بود و بر «عکس، بیشتر بچه‌ها بد حجاب و بی قید بودند از این رو تعداد اقلیت (باحجاب‌ها) همواره از سوی اکثریت (بدحجاب‌ها) مورد اذیت و ازار و تمسخر قرار می‌گرفتند و عذاب زیادی می‌کشیدند. در واقع اقلیت مایه خنده و تفریح اکثریت شده بود. یکی از آنان که بیشتر از همه می‌خندید و مسخره می‌کرد، یک روز معلم دینی ما او را به گوشه‌ای برد و چیزی در گوشش گفت! بعدها وقتی آن دختر را دیدم 80 درجه عوض شده بود و پس از مدتی یکی از صمیمی‌ترین دوستان ما شد. وقتی از او پرسیدم که معلم دینی در گوش او چه گفت، پاسخ داد: او مرا به گوشه‌ای برد و به من گفت که سوره مطففین به ویژه آیات آخر آن را بخوانم. وقتی مراجعه کردم و این آیات را خواندم لرزه بر اندامم افتاد: *انّ الذين اجرموا كانوا من الذين آمنوا يضحكون، واذا مروا بهم يتغامزون... واذا رأوهم قالوا انّ هؤلاء لضالّون... فاليوم الذين آمنوا من الكفار يضحكون*: (همانا بدکاران بر اهل ایمان می‌خندیدند و چون از کنار آنان بگذرند به چشم طعن و استهزاء به آنان بنگرند... و چون مؤمنان را ببینند گویند که اینان مردمی گمراه هستند... پس امروز (روز قیامت) این اهل ایمان هستند که به کافران می‌خندند!) {گلستان قرآن ش 138 ص 40}

اصل شانزدهم: محل سکونت خانواده در تربیت تاثیر گزار است!

یقینا اگر خانواده در شهر و محله ای که فرهنگ بالایی دارند ساکن باشند تاثیر بهتری در تربیت نوجوانان خود خواهند داشت.

امام علی علیه السلام درباره تأثیر محیط و جامعه را در تربیت فرزندان، به ویژه نوجوانان، گوشزد می کند و می فرماید: «**واسکن الأمصار العظام فأنها جماع المسلمین، واحذر منازل الغفلة والجفاء وقلّة الأعدوان علی طاعة الله**؛ در شهرهای بزرگی که مرکز اجتماع مسلمانان است، مسکن گزین و از محیط و جوامعی که اهل غفلت و ستمکاری در آنجا هستند و یاران مطیع خدا کمتر در آن نواحی یافت می شوند، پرهیز.»⁶

لذا تا انجایی که راه دارد و در توان والدین است سعی کنند در شهرها و محله های خوب ساکن باشند. در جایی که مردمان مومنی دارد. مردمانی که به مسائل اسلام مقیدند. نه جایی که سگ بازها، عرق خورها، قماربازها، بد حجاب ها و جوانان اراذل و اوباش زیاد دارد!

ما که سالها در شهرهای مختلف بوده ایم تاثیر خوب یا بد شهرها را در تربیت فرزندانمان مشاهده کرده ایم.

در یکی از شهرها در خانه مسجد ساکن بودیم روبروی خانه مسجد، خانمی بدحجاب که بیوه بود زندگی می کرد. پسری داشت که با زیرپوش رکابی تو کوچه می امد. منزل این خانم محل تردد مردهای مختلف بود. ما این وضعیت را تحمل نکردیم و از طریق دادگاه وارد شدیم و دادگاه خانم را مجبور کرد انجارا بفروشد و به جای دیگری برود.

در جای دیگری بودیم وقتی عروسی داشتند تا چند روز سازو آواز و اشعار مبتذل و... و رعایت همسایگی را نمی کردند ماهم ساکت نمی نشستیم و از طریق نیروی انتظامی نمی گذاشتیم سازو آوازشان ادامه پیدا کند!

البته هر روز که میگذرد نفوذ فرهنگ غرب در مردم بیشتر میشود. شخصی می گفت با خانمم پارک رفته بودم دیدم هر کدام از زوجها یه توله سگ به همراه دارند! فقط ما نداشتیم! اونم در شهر اسلامی! باید خانه انسان به مسجد نزدیک باشد. به محل نماز جمعه نزدیک باشد. به محل هایی که در انجا مرتب مراسمات مذهبی برگزار میشود دسترسی داشته باشند.

بعضی ها در روستا ساکن می شوند و سال تا سال، از نماز جماعت و مراسمات دینی و سخنرانی و امثال ان خود و خانواده شان محروم می مانند. اگر ممکن باشد محل سکونت خود را تغییر دهند و نگذارند فرزندان شان از معنویات محروم شوند.

نقش پدر در تربیت نوجوان

پدری که استاد بود [۲]

بخشی از خاطرات دوران جوانی و مبارزات امام خامنه ای به نقل از کتاب «خون دلی که لعل □ * شد»

به مناسبت سالگرد درگذشت آیت الله سید جواد حسینی خامنه ای □ ▪

پدر ما را عادت داده بود که هیچ فرصتی را از دست ندهیم و هیچ روزی را بدون بهره گیری از □ □ درس و مباحثه نگذرانیم. ایشان از فرصت تعطیلی درس حوزه در ایام ماه محرم و همچنین ماه های تابستان هم بهره می گرفت. در هفت روز اول ماه محرم به من درس می گفت و سه روز بعد از آن را به مجالس روضه ای امام حسین (علیه السلام) می رفت

چیزی را به نام «تعطیلی تابستانی» قبول نداشت و می گفت: ما در نجف علی رغم هوای طاقت فرسا و [۲] گرمای سخت، درسمان را ادامه می دادیم؛ بنابراین تابستان ها در مشهد چرا باید درس و تحصیل تعطیل! شود؟

مطوّل* را در ماه‌های تعطیل تابستان خواندم. شیخ فشارکی در تابستان از قم به مشهد می‌آمد و دو [?] ماه می‌ماند. من او را قبلاً دورادور می‌شناختم، چون پیشتر در مشهد ادبیات عرب را تدریس می‌کرد و بعد هم که به قم می‌رفت، به تدریس همین دروس در قم می‌پرداخت. از او خواستم در مشهد به من مطوّل درس بدهد، که پاسخ مثبت داد و من ساعت‌هایی طولانی از روز را به درس خواندن در نزد او می‌پرداختم. لذا بیان و مقداری از معانی و بدیع مطوّل را در خلال دو تابستان - یعنی ظرف چهار ماه - به پایان رساندم.

شیخ فشارکی بعداً فهمید که من مکاسب هم می‌خوانم و لذا از پیشرفت سریع من در فقه [?] شگفت‌زده شد. او خود، این کتاب را در قم تدریس می‌کرد.

پدرم بر درس خواندن ما به طور مستمر نظارت می‌کرد. ما را گاه با تشویق و گاه با تندی، به آن [?] ترغیب می‌کرد. من همیشه تسلیم روش پدر و مجری خواست او بودم. هرگاه در مورد درسی که می‌خواندم، اظهار نظر می‌کردم، پدرم خیلی خوشحال می‌شد و به من که چهارده پانزده ساله بودم، می‌گفت: تو مجتهدی و قدرت استنباط داری.

با برادرم مباحثه می‌کردم. پس از مباحثه، پدرم ما را به اتاق خود می‌خواند، از ما پرسش می‌کرد و [?] آنچه را نتوانسته بودیم بفهمیم، برایمان توضیح می‌داد.

خانه‌ی ما سه اتاق داشت. دو اتاق از آن پدر بود: یک اتاق نسبتاً بزرگ برای میهمان‌ها، و یک اتاق [?] هم برای مطالعه و غذا خوردن و استراحت؛ شبیه حجره‌ی طّلاب. ما هم همگی یک اتاق داشتیم: چهار برادر و چهار خواهر، با مادر! در مواردی که مادر میهمان یا روضه داشت، ناگزیر بودیم بیرون خانه

بمانیم! در اتاق مخصوص پدر، میزی به درازا و پهنای ۸۰ در ۴۰ بود. پدر در سمت طول میز چهارزانو می‌نشست، ما هم هر دو کنار یکدیگر در یک سمت عرض آن می‌نشستیم. به خاطر هیبت و جدّیت پدر در اثنای درس و مذاکره، من و برادرم بر سر اینکه کدام دورتر از پدر بنشینیم، با هم کشمکش داشتیم!

بی‌شک این تندی و خشم پدر هرچند جنبه‌های منفی داشت، اما منکر جنبه‌های مثبت آن نمی‌توانم ^[۲] بشوم؛ زیرا این سخت‌گیری ما را منضبط بار آورد و از انحرافات که برای برخی فرزندان روحانیون به علّت عدم توجّه به آنها پیش می‌آمد، به دور داشت. یکی دیگر از اثرات آن نیز این بود که من... توانستم ادبیات عرب و دوره‌ی سطح فقه و اصول را در پنج سال و نیم به پایان برسانم

مطول: این کتاب شرحی است در زمینه علوم زبان عربی * ^[۲]

مکاسب: از مهمترین کتابهای فقهی شیعه در باب معاملات ** ^[۲]

: نحوه تذکر دادن به نوجوانان

اقا امام حسن و امام حسین در نوجوانی توی وضو خونه بودن

دیدن که یک پیرمردی وضو گرفت اشتباه وضو گرفت

آیا بهش توپیدن؟ باهاش دعوا کردن؟ که این چه طرز وضو گرفتته؟ نه

او مدن گفتن آقای شیخ شما بیا ببین من و داداشم وضو میگیریم ببین کدوممون وضومون درسته و کدوممون وضومون باطله؟

خلاصه امام حسن و امام حسین هر دو درست وضو گرفتن اون متوجه شد گفت شما آقا زاده ها وضوتون درسته من وضوم اشتباهه

ببینید این نحوه تذکر دادن مثلاً اگه دیدیم یه نوجوانی موقع خواندن دعای کمیل خوندن بلند بلند حرف میزنه میشه بگیریم پرتش کنیم اونور و هی تو سرش بزیم و بهش فحش بدیم و باهاش دعوا کنیم؟

خیلی آرام بگیریم آقا پسر سر و صدا نکن میخوایم دعا گوش بدیم با الفت و نرمی

انس بن مالک میگه که من به اصطلاح ۱۰ سال منزل پیامبر خدمتکار بودم

ایشون وقتی که پیامبر اومد مدینه خیلی ها اومدن برای پیامبر هدیه آوردن و مادر انس عرض کرد یا پیامبر من چیزی ندارم به شما هدیه بدم پسر رو میکنم خادم شما و این انس بن مالک افتخار پیدا کرد ۱۰ سال منزل پیامبر خادمی کرد

میگه توی این ۱۰ سال پیامبر به من نگفت چرا این کار رو کردی یا چرا این کار رو نکردی با اینکه اشتباهات زیادی داشته حتماً اشتباهات زیادی داشته ولی میگفت حتی یک با پیامبر روزه بودن و من

برای افطار ایشون شیر آماده کردم پیامبر دیر اومد و خیال کردم پیامبر جای مهمانه و شیر پیامبر رو خوردم آخر شب پیامبر اومد و من از اطرافیان پرسیدم آیا پیامبر افطار کرده؟ بهم گفتن نه پیامبر هنوز افطار نکرده گفتم ای داد بیداد اگه الان پیامبر بگه افطارم رو بیار من چی بگم؟ گفت آقا انگار پیامبر فهمیده بود و هیچی نگفت و پیامبر با آب افطار کرد و هیچ وقت نگفت فلانی چرا افطار منو خوردی . یا مثلا نیاوری

اینا برای ما درسه که ما همیشه افرادمون با زیر دست هامون با بچه هامون با کارگراون مثلا یکی رئیس کارخونه ای هست یا مغازه ای داره چندتا کارگر کار میکنن توش با احترام برخورد کنن باشون

چون من دیدم از این صاحب مغازه ها فحش میدن به کارگراشون مثلا یه اشتباهی انجام بده اینقدر مورد ناسزار و حتی کتک کاری هم قرار میدن. رضا خان اینجوری بود رضا خان تو مجلس هیئت دولت بلند میشد وزرا رو کتک میزد بهشون فحش میداد یه فحش هایی این رضا خان میداد به وزرا مثلا فلانی ارتشی بود بلند میشد کتکش میزد و درجش هم از روی شونش میکنید اینقدر ازاین میترسیدن که وقتی که رفت همدان اونجا رئیس پست اومد گزارش بده چشمش به رضا خان افتاد غش کرد. عمر هم همینجوری بود عمر هم خیلی ازش میترسیدن مثلا گاهی زن حامله صداش رو میشنید بچه سقط میکرد

خیلی خشن بود ولی برعکس پیامبر اینجور نبود

پیامبر داشت با یکی حرف میزد طرف استرس گرفته بود پیامبر فرمود من که پادشاه نیستم چرا دچار استرس شدی ؟

باید مخصوصا با بچه ها یه بد برخوردی انجام بدی مثلا میگن فلانی توی مسجد امیرالمومنین آدم بد اخلاقیه این با ما تند برخورد کرد

همه باید با بچه ها با خوش اخلاقی اگر اشتباهی دارن با نرمی و لطافت و ... انسان بتواند اینها رو جذب کنه

بوده افرادی او مدن توی مسجد اینجا نه مثلا مشهد کسی بوده محاسن رو تراشیده لباسش نا مناسب بوده دوتا از این خشک مقدس ها بهش تذکر دادن دیگه مسجد نرفتم خودش میگه ها میگه اونا با تندی با من برخورد کردن دیگه من مسجد نرفتم

خب گناه اینکه دیگه مسجد نره به عهده کیه ؟ همین دونفری که با تندی با این برخورد کردن ولی مقام معظم رهبری امام جماعت بود صف اول نماز یه نفر با لباس های عجیب و غریب و حضرت آقا خیلی با محبت برخورد میکنه

آقا داشتن میرفتن کوه با محافظ ها تهران میرن کوه ایشون یه دفعه دیدن یه دختر و پسر دست هم رو گرفتن و دیدن مقابلشون حضرت اقا با محافظ ها شون اقا خیلی با محبت فرمود خب شما زن و شوهرید؟ گفتن نه ما دوست دختر و دوس پسریم آقا فرمود خب خوبه شما باهم ازدواج کنید شما فردا بیان دفتر من خودم عقد شما رو میخونم نمیتونست بگه اقا اینا رو ببرید بندازیند توی هلفدونی؟ ولی گفت اینا فردا با پدر و مادرهایشون رفتن دفتر اقا و اقا عقدشون رو خونده

راجع به این اغتشاشگر ها فرمود اینها دو دسته هستن یه دسته بلاخره تحت تاثیر احساسات بودن و اینا با یه تذکری و تعهدی از خانواده ... اینا رو آزاد کنید

دسته دوم لیدر ها هستن رهبر هاشون و منافقین و کوموله هستن و ... که طبق قانون عمل کنید بنابراین وقتی میگه وما أرسلناک إلا رحمۃ للعالمین ای پیامبر ما تو را رحمت قرار دادیم برای عالمی که ... معنایش اینه که به اسلام میگه با همه خانواده و بچه ها مخصوصا اکرموا اولادکم اکرام کنید بچه ها.هاتون رو

